

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فصلنامه علم تخصصی مطالعات مهدوی

سال یازدهم، شماره ۴۷، بهار ۱۳۹۹

اعضاء هیأت تحریریه (به ترتیب الفبا):  
توسلی خواه، سعید (دکتری مدرسی معارف  
اسلامی و پژوهشگر مرکز تخصصی مهدویت)  
حیدری چراتی، حجت  
(فاضل حوزوی و مدرس مرکز تخصصی مهدویت)  
جباری، حسینعلی (فاضل حوزوی و دانش آموخته  
سطح ۴ گرایش سیاسی و اجتماعی مهدویت)  
کامیاب، مسلم (فاضل حوزوی و پژوهشگر  
پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا)  
مصلحی، علی (فاضل حوزوی و مدرس مرکز  
تخصصی مهدویت)  
معنوی، سید مجتبی (فاضل حوزوی و پژوهشگر  
پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا)  
ملایی، حسن (فاضل حوزوی و مدیر گروه اخلاق  
تربیت مرکز تخصصی مهدویت)  
همکاران این شماره:  
علی ربانی، اسماعیل چراغی کوتیانی

صاحب امتیاز:  
پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا؛  
مدیر مسئول:  
حجت الاسلام و المسلمین مهدی یوسفیان  
سر دبیر:  
سعید توسلی خواه  
مدیر اجرایی و دبیر تحریریه:  
حجت الاسلام و المسلمین حسین علی جباری  
ویراستار:  
محمد رضا غفوری  
مترجم:  
زینب فرجام فرد



آدرس نشریه: قم، خیابان شهدا (صفائیه) کوی ۲۲ (آمار) بن بست شهید علیان، پلاک ۲۴.  
تلفن: ۰۲۵۳۷۸۴۱۴۱۰؛ دورنگار: ۰۲۵۳۷۷۳۷۱۶۰؛ صندوق پستی: ۳۷۱۳۵۱۱۹  
پست الکترونیکی: mhdavimag@gmail.com  
وب سایت نشریه: www.mahdimag.ir  
کانال مجازی: @mahdaviatmag  
شماره شاپا: ۶۱۰۸-۲۶۷۶  
قیمت: ۵۰۰۰۰۰ ریال

## راهنمای تدوین و نگارش مقالات

مقاله های دریافتی پس از گذراندن مراحل ارزیابی منتشر و در اختیار علاقمندان مباحث مهدویت و موعود گرایان قرار می گیرد.

### الف) شرایط عمومی

۱. مقاله با مباحث مهدویت ارتباط مستقیم داشته باشد.
۲. حجم کل کلمات مقاله بین ۳۶۰۰ تا ۷۰۰۰ هزار هر صفحه ۳۰۰ کلمه باشد.
۳. فونت متن مقاله B Nazanin با شماره ۱۴ و پاورقی ۱۰ باشد.
۴. فونت آیات پررنگ باشد.
۵. ترجمه آیات و روایات ذکر شود.
۶. ترجمه کلمات عربی و انگلیسی و مفاهیم مهم در پاورقی ذکر شود.
۷. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام، نام خانوادگی، مرتبه و جایگاه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی و نیز پست الکترونیکی به همراه شماره تماس، همراه مقاله ارسال شود.

### ب) نحوه تنظیم مقاله

- نظم و ترتیب منطقی مباحث رعایت شود.
۱. **چکیده:** چکیده مقاله حداکثر ۱۵۰ کلمه که شامل مسئله مقاله و تبیین آن باشد
  ۲. **واژگان کلیدی:** شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی پر تکرار، مرتبط با محتوا، که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
  ۳. **مقدمه:** مقدمه مقاله معمولاً به تعریف مسئله، پیشینه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، جنبه نوآوری، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله می پردازد.
  ۴. **بدنه اصلی:** بدنه اصلی، محتوای تخصصی بوده و می بایست موارد ذیل مد نظر قرار گیرد:
    - ۱-۴. تبیین مباحث پیرامون مهدویت؛
    - ۲-۴. افزایش سطح دانش و آگاهی و گسترش مباحث مهدویت؛
    - ۳-۴. نقد و نظر پیرامون مباحث مهدویت؛
    - ۴-۴. آشنا سازی مخاطبان با مفاهیم حوزه مهدویت.
  ۵. **جمع بندی یا نتیجه گیری:**

- جمع بندی بیانگر کلیات مباحث مطرح شده در متن مقاله می باشد. به گونه ای که مسئله و ادله و جواب ها به صورت کلی و خلاصه ذکر می شود.

- نتیجه مقاله بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است و به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌شود و پاسخ اجمالی به سؤالات اصلی و فرعی مقاله داده می‌شود، لذا می‌بایست از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.

#### ۶. ارجاعات: ارجاع به صورت پاورقی و به صورت ذیل آورده شود.

۶-۱. کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب، شماره جلد و شماره صفحه. به عنوان نمونه: صدوق، کمال

الدین، ج ۱، ص ۲۲. ذکر شود.

۶-۲. مجله: نام خانوادگی نویسنده، عنوان مقاله، شماره صفحه.

۶-۳. صفحه اینترنتی: نام خانوادگی نویسنده، آدرس کامل صفحه.

#### ۷. ارجاع پایانی (فهرست منابع): شناسنامه کامل منابع و مأخذ تحقیق در انتهای مقاله بر اساس

شیوه‌های ذیل آورده شود:

۷-۱. کتاب: نام خانوادگی، نام، عنوان کتاب (پر رنگ)، مترجم / محقق / مصحح، ناشر، تعداد جلد، نوبت

چاپ، مکان چاپ، سال چاپ.

۷-۲. مجله: نام خانوادگی، نام، عنوان مقاله (پر رنگ)، نام نشریه، شماره نشریه، تاریخ نشر.

۷-۳. صفحه اینترنتی: نام خانوادگی و نام، عنوان مطلب، نام سایت، آدرس صفحه به صورت کامل.

۷-۴. نرم افزار: نام نرم افزار، شماره نسخه، مرکز تولید و پشتیبانی.

#### ج) تذکرات

۱. فصلنامه با تلخیص و تقطیع مطالب (با حفظ مفهوم) آزاد است.

۲. مقاله همزمان به جای دیگر ارسال نشده و به چاپ نرسیده باشد.

۳. نتیجه ارزیابی مقالات حداکثر تا ۳ ماه به نویسنده اعلام خواهد شد.

مطالب مندرج در فصلنامه صرفاً دیدگاه نویسنده بوده و بازتاب دیدگاه فصلنامه نیست.

#### د) شیوه‌های ارسال مقاله

۱. **حضور:** مراجعه به دفتر مجلات واقع در مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

۲. **غیر حضوری** (ارسال لوح فشرده و فایل الکترونیکی)

۲-۱. از طریق صندوق پستی به شماره: ۳۷۱۳۵/۱۱۹

۲-۲. از طریق سایت به آدرس: [www.mahdimag.ir](http://www.mahdimag.ir)

۲-۳. از طریق رایانامه به آدرس: [mahdavimag@gmail.com](mailto:mahdavimag@gmail.com)

۲-۴. از طریق فضای مجازی به آدرس: [@mahdaviatmag](http://@mahdaviatmag)



## فهرست مطالب

- مقالات ..... ۶
- بررسی فقه الحدیثی روایت «اذا غضب الله علی خلقه نحانا عن جوارهم» بر مسئله غیبت .. ۷  
مسلم کامیاب
- آسیب‌های فرهنگی موجود در جهان اسلام و نقش آموزه مهدویت در حل آن‌ها ..... ۳۳  
مهدی یوسفیان
- شاخصه‌های سیاسی فرهنگ مهدوی ..... ۶۳  
ابالحسن قاسم فام
- تحلیل روش دیدبانی در مهدویت پژوهی ..... ۹۵  
حسینعلی جباری
- پیوست‌ها ..... ۱۰۵
- معرفی موضوع پژوهشی ..... ۱۰۶
- معرفی پایان نامه‌های مهدوی ..... ۱۰۷
- معرفی کتاب‌های مهدوی ..... ۱۱۵

# مقالات

مطالعات محدود

سال یازدهم / شماره ۴۷ / بهار ۱۳۹۹

## بررسی فقه الحدیثی روایت «اذا غضب الله علی خلقه نحانا عن جوارهم» بر مسئله غیبت

مسلم کامیاب<sup>۱</sup>

### چکیده

روایات معصومان علیهم السلام دربرگیرنده ژرف‌ترین معارف اسلامی است. فهم دقیق این معارف در گرو بررسی‌های مدقانه یا همان فقه الحدیث است. حدیث «اذا غضب الله علی خلقه نحانا عن جوارهم» از جمله احادیثی است که در معارف مهدوی به کار می‌رود. با توجه به کاربرد این حدیث به‌عنوان یکی از علل غیبت امام عصر عجل الله فرجه عیارسنجی سندی و محتوایی از جمله ضرورت‌های بررسی آن است.

نوشتار پیش رو که با روش توصیفی - تحلیلی به فرجام رسیده است، تلاش دارد به بررسی فقه الحدیثی این روایت بپردازد. کاوش پیرامون این حدیث حاکی از آن است که اسناد آن با معیارهای رجالی، قابل‌خداشه است؛ اما اعتماد اهل‌قم می‌تواند پناهگاهی بر اعتبار آن تلقی گردد. در مواجهه این حدیث با آموزه‌های وحیانی و احادیث هم‌خانواده تلازم بین غضب الهی و محروم‌ماندن از حجت خداوند نشان داده شده است.

واژگان کلیدی: حدیث مهدوی، علل غیبت، غضب الهی، نحانا عن جوارهم.

<sup>۱</sup> پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعود گرایی انتظار پویا؛ [moslemkamyab61@gmail.com](mailto:moslemkamyab61@gmail.com)

یکی از منابع اصلی دین اسلام پس از قرآن، سیره رسول الله و اهل بیت آن حضرت است. حدیث، ناقل و حاکی این سیره است. بنابراین، شناخت دقیق و صحیح حدیث همواره یکی از وظایف مهم دین پژوهان خواهد بود. به دلایل مختلف شناخت احادیث صحیح از ضعیف و به دنبال آن، کشف مقصود جدی معصوم امری مشکل است. حدیث «إِذَا غَضِبَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ نَحَّانَا عَنْ جِوَارِهِمْ» یکی از احادیثی است که برخی از عالمان شیعه آن را در ابواب غیبت ذکر کرده و به نوعی آن را مدرک یکی از فلسفه های غیبت امام عصر عجل الله فرجه دانسته اند.<sup>۱</sup>

پیش از این درباره حدیث مذکور به دلیل نقل در کتاب کافی توسط برخی شارحان آن مانند علامه مجلسی در مرآة العقول<sup>۲</sup> و مولا صالح مازندرانی به اندازه چند سطر مورد بررسی اجمالی قرار گرفته است.<sup>۳</sup> همچنین فیض کاشانی در کتاب الوافی در ذیل آن به چند حدیث مشابه اشاره کرده است.<sup>۴</sup> اما اینکه به طور کامل به تمام زوایای آن پرداخته شود، موردی یافت نشد. با این وصف آنچه در این زمینه قابل بررسی است اینکه از منظر سندی تا چه میزان این حدیث معتبر است؟ بازتاب آن در کتاب های حدیثی شیعه به چه صورت بوده است؟ مراد از نَحَّانَا عَنْ جِوَارِهِمْ چیست؟ آیا مقصود همسایگی است یا فراتر از آن، کنایه از غیبت امام است؟ سپس بر فرض قبول مسئله غیبت، ارتباط بین غیبت با غضب الهی چگونه تبیین می گردد؟ در نوشتار پیش رو سعی شده با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای به سؤالات مذکور پاسخ داده شود.

<sup>۱</sup>. طبسی، تا ظهور، ج ۱، ص ۱۴.

<sup>۲</sup>. مجلسی، مرآة العقول، ج ۴، ص ۶۱.

<sup>۳</sup>. مازندرانی، شرح الکافی، ج ۶، ص ۲۵۰.

<sup>۴</sup>. کاشانی، الوافی، ج ۲، ص ۴۱۹.

## ۲. بررسی منبع حدیث

مرحوم کلینی در الکافی اصل حدیث را این گونه نقل کرده است:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَجِ قَالَ: كَتَبَ إِلَيَّ أَبُو جَعْفَرٍ إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ نَحَانَا عَنْ جَوَارِهِمْ؛ امام جواد علیه السلام فرمود: زمانی که خدای تبارک و تعالی بر خلقش خشم کند، ما را از مجاورت آنها دور کند.»<sup>۲۱</sup>

اولین منبع، کتاب الکافی کلینی است. پس از وی در قرون ابتدایی کسی به این حدیث توجه نداشته تا اینکه در دوران متأخرین، فیض کاشانی، در کتاب الوافی،<sup>۳</sup> شیخ حرّ عاملی در اثبات الهداه<sup>۴</sup> و مولا صالح مازندرانی و علامه مجلسی در شرح خودشان بر کافی<sup>۵</sup> این خبر را ذکر کرده‌اند. جالب توجه آنکه معجم نویسانی مانند مجلسی در بحار الانوار و کورانی در معجم احادیث امام مهدی علیه السلام نیز این حدیث را ذکر نکرده‌اند.

<sup>۱</sup>. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۲۴.

<sup>۲</sup>. برخی مترجمان و شارحان، این حدیث را به امام باقر علیه السلام نسبت داده‌اند. در حالی که محمد بن فرج از اصحاب امام جواد علیه السلام بوده و او نمی‌تواند از امام باقر علیه السلام روایت نقل کند.

<sup>۳</sup>. کاشانی، الوافی، ج ۲، ص ۴۱۹.

<sup>۴</sup>. حرّ عاملی، اثبات الهداه، ج ۵، ص ۵۹.

<sup>۵</sup>. مازندرانی، شرح الکافی، ج ۶، ص ۲۵۰؛ مجلسی، مرآة العقول، ج ۴، ص ۶۱.

## ۲. سند روایت

اسناد این روایت به ترتیب شامل محمدبن یحیی العطار، جعفر بن محمد، احمد بن حسین، محمد بن عبدالله و محمد بن فرج است.

محمد بن یحیی العطار از مشایخ امامیه در قم بوده و در متون حدیثی احادیث فراوانی از وی نقل شده است. افرادی مانند نجاشی و شیخ طوسی او را توثیق کرده‌اند.<sup>۱</sup> درباره جعفر بن محمد مالک برخی مانند شیخ طوسی او را ثقه دانسته<sup>۲</sup> و برخی دیگر او را تضعیف کرده‌اند.<sup>۳</sup> افرادی دیگر در سند مانند احمد بن حسین و محمد بن عبدالله علاوه بر اشتراک بین راویان، مجهول نیز هستند.<sup>۴</sup>

اما درباره محمد بن فرج (۲۳۰ق) باید بگوییم که شیخ طوسی نام وی را در ردیف اصحاب امام رضا علیه السلام، امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام آورده است.<sup>۵</sup> نجاشی نیز وی را از جمله راویان امام کاظم علیه السلام دانسته و کتاب «مسائل» را به وی نسبت داده است.<sup>۶</sup> به گفته شیخ بهایی، پدرش فرج، از وزرای عباسی بود. مأمون او را دستگیر کرد و به معارضه و مخالفت با وی برخاست. گرچه در منابع، تصریحی بر وکالت وی به چشم نمی‌خورد، ولی وجود مجموعه‌ای از قراین، مثبت وکالت او از جانب امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام است. بنا به نقل طبرسی، امام جواد علیه السلام طی توقیعی به وی فرمود: «خمس را برای من ارسال دارید؛ و من جز در این سال، آن را از شما اخذ نخواهم

۱. نجاشی، رجال، ص ۳۵۳؛ طوسی، رجال، ص ۴۳۹.

۲. طوسی، رجال، ص ۱۸؛ مامقانی، تنقیح المقال، ج ۱۶، ص ۴۱.

۳. نجاشی، رجال، ص ۱۲۲؛ ابن الغضائری، رجال، ص ۴۸.

۴. به ترتیب اسامی: خویی، معجم الرجال الحدیث، ج ۲، ص ۸۸ و ج ۱۶، ص ۲۲۵.

۵. طوسی، رجال، ص ۳۷۷.

۶. نجاشی، رجال، ص ۳۷۱.

کرد.» سپس آن حضرت در همان سال رحلت نمود.<sup>۱</sup> این نحوه بیان، حکایت از وکالت محمد بن فرج دارد؛ چراکه وکلا متولی جمع‌آوری خمس و ارسال آن به سوی ائمه علیهم‌السلام بوده‌اند. نظیر توقیع فوق، از سوی امام جواد علیه‌السلام برای علی بن مهزیار، دیگر وکیل آن حضرت نیز، صادر شده است. این قرینه می‌تواند مؤید سخن فوق مبنی بر صدور چنین بیاناتی برای وکلا باشد.<sup>۲</sup>

بنا به نقل کلینی، پس از شهادت امام جواد علیه‌السلام سران شیعه در منزل «محمد بن فرج» اجتماع کردند تا درباره جانشین آن حضرت به بحث بپردازند. محمد بن فرج «نامه‌ای به خادم و دستیار امام جواد علیه‌السلام نوشت و او را از تجمع شیعه در منزلش آگاه ساخت. او اضافه کرد که اگر خوف اشتهار و خطرات ناشی از آن نبود به همراه آنان به بیت امام علیه‌السلام می‌آمد. به دنبال آن دستیار امام جواد علیه‌السلام به اتفاق همراهانش به خانه وی آمده و رقعه‌هایی را که مشتمل بر تعیین جانشینی امام هادی علیه‌السلام از سوی امام جواد علیه‌السلام بوده ارائه و همه حاضران را اقناع کرد.<sup>۳</sup> این روایت حاکی از آن است که وی به‌عنوان

۱. «خَمَادُ بْنُ سَلِيمَانَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْأَرْمِينِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْفَرَجِ: كَتَبَ إِلَيَّ أَبُو جَعْفَرٍ إِخْوَلُوا إِلَيَّ الْخُمْسَ فَإِنِّي لَسُنْتُ أَخْذُهُ مِنْكُمْ سِوَى عَامِي هَذَا فَفِيضَ فِي تِلْكَ السَّنَةِ» (طبرسی، اعلام الوری، ۳۵۰).

۲. جباری، سازمان وکالات، ج ۲، ص ۶۲۵.

۳. «فَلَمَّا مَضَى أَبُو جَعْفَرٍ ذَكَرَ أَبِي أَنَّهُ لَمْ يَخْرُجْ مِنْ مَنْزِلِهِ حَتَّى قَطَعَ عَلَى يَدَيْهِ نَحْوَ مِنْ أَرْبَعِمِائَةِ إِنْسَانٍ وَاجْتَمَعَ رُؤَسَاءُ الْعِصَابَةِ عِنْدَ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَجِ يَتَفَاوَضُونَ هَذَا الْأَمْرَ فَكَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ الْفَرَجِ إِلَى أَبِي يَعْلَمُهُ بِاجْتِمَاعِهِمْ عِنْدَهُ وَ أَنَّهُ لَوْ لَا مَخَافَةُ الشُّهْرَةِ لَصَارَ مَعَهُمْ إِلَيْهِ وَ يَسْأَلُهُ أَنْ يَأْتِيَهُ فَرَكِبَ أَبِي وَ صَارَ إِلَيْهِ فَوَجَدَ الْقَوْمَ مُجْتَمِعِينَ عِنْدَهُ فَقَالُوا لِأَبِي مَا تَقُولُ فِي هَذَا الْأَمْرِ فَقَالَ أَبِي لِمَنْ عِنْدَهُ الرَّقَاعَ أَحْضِرُوا الرَّقَاعَ فَأَحْضَرُوهَا فَقَالَ لَهُمْ هَذَا مَا أَمَرْتُ بِهِ فَقَالَ بَعْضُهُمْ قَدْ كُنَّا نَحِبُّ أَنْ يَكُونَ مَعَكَ فِي هَذَا الْأَمْرِ شَاهِدٌ آخَرَ فَقَالَ لَهُمْ قَدْ أَنَاكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ هَذَا أَبُو جَعْفَرٍ الْأَشْعَرِيُّ يَشْهَدُ لِي بِسَمَاعِ هَذِهِ الرِّسَالَةِ وَ سَأَلَهُ أَنْ يَشْهَدَ بِمَا عِنْدَهُ فَأَنْكَرَ أَحْمَدُ أَنْ يَكُونَ سَمِعَ مِنْ هَذَا شَيْئاً فَدَعَاهُ أَبِي إِلَى الْمُبَاهَلَةِ فَقَالَ لَمَّا حَقَّقَ عَلَيْهِ قَالَ قَدْ سَمِعْتُ ذَلِكَ وَ هَذَا مَكْرُمَةٌ كُنْتُ أُحِبُّ أَنْ يَكُونَ لِرَجُلٍ مِنَ الْعَرَبِ لَا لِرَجُلٍ مِنَ الْعَجَمِ فَلَمْ يَبْرَحِ الْقَوْمَ حَتَّى قَالُوا بِالْحَقِّ جَمِيعاً» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲۴).

یکی از سران مبرز شیعه در آن عصر مطرح بوده و در امور مهمی همچون امر امامت، نظر وی مورد توجه سران شیعه بوده است. این امر نشان‌گر جایگاه خاص او و همچنین مؤید وکالت وی و حتی سروکیل یا وکیل‌الوکلا بودن او است؛ چراکه به یقین در میان سران شیعه، برخی از وکلای امام جواد علیه السلام نیز بوده‌اند. بنا به تعبیر روایت، رؤسای شیعه در منزلش گرد آمدند، که این تعبیر مطلق، شامل وکلا نیز می‌شود.<sup>۲</sup>

روایت دیگر کلینی، حاکی از آن است که دوره فعالیت محمدبن فرج در عصر امام هادی علیه السلام بوده است. او به همین سبب هشت سال در زندان حکومت عباسی به سر برده است. همچنین اینکه امام هادی علیه السلام توجه خاصی به وی مبذول می‌داشته است.<sup>۳</sup>

۱. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۳۷.

۲. «الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ النَّوْفَلِيِّ قَالَ قَالَ لِي مُحَمَّدُ بْنُ الْفَرَجِ إِنَّ أَبَا الْحَسَنِ كَتَبَ إِلَيْهِ يَا مُحَمَّدُ أَجْمَعُ أَمْرَكَ وَ خَذُ حِذْرَكَ» (۱) قَالَ فَأَنَا فِي جَمْعِ أَمْرِي وَ لَيْسَ أَدْرِي مَا كَتَبَ إِلَيَّ حَتَّى وَرَدَ عَلَيَّ رَسُولٌ حَمَلَنِي مِنْ مِصْرَ مُقْبِلًا وَ ضَرَبَ عَلَيَّ كُلَّ مَا أَمْلِكُ وَ كُنْتُ فِي السَّجْنِ ثَمَانَ سِنِينَ ثُمَّ وَرَدَ عَلَيَّ مِنْهُ فِي السَّجْنِ كِتَابٌ فِيهِ يَا مُحَمَّدُ لَا تَنْزِلْ فِي نَاحِيَةِ الْجَانِبِ الْغَرْبِيِّ فَفَرَأْتُ الْكِتَابَ فَقُلْتُ يَكْتُبُ إِلَيَّ بِهَذَا وَ أَنَا فِي السَّجْنِ إِنَّ هَذَا لَعَجَبٌ فَمَا مَكُنْتُ أَنْ خُلِّيَ عَنِّي وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ قَالَ وَ كَتَبَ إِلَيْهِ مُحَمَّدُ بْنُ الْفَرَجِ يَسْأَلُهُ عَنْ ضِيَاعِهِ فَكَتَبَ إِلَيْهِ سَوْفَ تُرَدُّ عَلَيْكَ وَ مَا يَضُرُّكَ أَنْ لَا تُرَدَّ عَلَيْكَ فَلَمَّا شَخَّصَ مُحَمَّدُ بْنُ الْفَرَجِ إِلَى الْعَسْكَرِ كُتِبَ إِلَيْهِ بَرْدٌ ضِيَاعِهِ وَ مَاتَ قَبْلَ ذَلِكَ - قَالَ وَ كَتَبَ أَحْمَدُ بْنُ الْخَضِيبِ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَجِ يَسْأَلُهُ الْخُرُوجَ إِلَى الْعَسْكَرِ فَكَتَبَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ ع يُشَاوِرُهُ فَكَتَبَ إِلَيْهِ الْخُرُوجَ فَإِنَّ فِيهِ فَرَجَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى فَخَرَجَ فَلَمْ يَلْبَثْ إِلَّا يَسِيرًا حَتَّى مَاتَ» کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۰۰.

۳. «الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ النَّوْفَلِيِّ قَالَ قَالَ لِي مُحَمَّدُ بْنُ الْفَرَجِ إِنَّ أَبَا الْحَسَنِ كَتَبَ إِلَيْهِ يَا مُحَمَّدُ أَجْمَعُ أَمْرَكَ وَ خَذُ حِذْرَكَ» (۱) قَالَ فَأَنَا فِي جَمْعِ أَمْرِي وَ لَيْسَ أَدْرِي مَا كَتَبَ إِلَيَّ حَتَّى وَرَدَ عَلَيَّ رَسُولٌ حَمَلَنِي مِنْ مِصْرَ مُقْبِلًا وَ ضَرَبَ عَلَيَّ كُلَّ مَا أَمْلِكُ وَ كُنْتُ فِي السَّجْنِ ثَمَانَ سِنِينَ ثُمَّ وَرَدَ عَلَيَّ مِنْهُ فِي السَّجْنِ كِتَابٌ فِيهِ يَا مُحَمَّدُ لَا تَنْزِلْ فِي نَاحِيَةِ الْجَانِبِ الْغَرْبِيِّ فَفَرَأْتُ الْكِتَابَ فَقُلْتُ يَكْتُبُ إِلَيَّ بِهَذَا وَ أَنَا فِي السَّجْنِ إِنَّ هَذَا لَعَجَبٌ فَمَا مَكُنْتُ أَنْ خُلِّيَ عَنِّي وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ قَالَ وَ كَتَبَ إِلَيْهِ مُحَمَّدُ بْنُ الْفَرَجِ يَسْأَلُهُ عَنْ ضِيَاعِهِ فَكَتَبَ إِلَيْهِ سَوْفَ تُرَدُّ عَلَيْكَ وَ مَا يَضُرُّكَ أَنْ لَا تُرَدَّ عَلَيْكَ فَلَمَّا شَخَّصَ

این گونه روایات، همگی حکایت از جلالت شأن و قرب مقام وی نزد امام هادی علیه السلام و امام جواد علیه السلام دارد. با بررسی راویان این حدیث، ضعف سندی آن آشکار گردید. شاید اعتماد مرحوم کلینی و همچنین محمدبن یحیی العطار که از مشایخ قمیین است بتواند به عنوان قرینه‌ای بر اعتبار حدیث تلقی گردد. علاوه بر آن، روایتی دیگر از امام جواد علیه السلام به مضمون «خداوند وقتی همسایگی طائفه‌ای را برای ما خوش نداشته باشد از بین آشکارترین آن‌ها ما را بیرون می‌کشد»<sup>۱</sup> صادر گردیده است که می‌تواند قرینه‌ای بر تأیید متن روایت مذکور باشد. اما با توجه به ضعف سند همین روایت به خاطر وجود محمدبن عبدالله و مروان الانباری می‌توان در قرینه‌بودن این روایت خدشه وارد کرد.

از نکات دیگری که می‌توان بدان اشاره کرد تشخیص نقل مرحوم کلینی از مصادر قبل از خود اوست. در بین اسناد این روایت دو راوی صاحب تألیف هستند. اول، جعفر بن محمد بن مالک صاحب سه کتاب است: غرر الأخبار، کتاب أخبار الأئمة و موالدهم و کتاب الفتن و الملاحم<sup>۲</sup>. نفر دوم، محمد بن فرج صاحب کتاب المسائل است. در کتاب کافی با سند محمد بن یحیی از جعفر بن مالک نه روایت نقل گردیده که تمامی آن‌ها در موضوع غیبت و تمحیص است. احتمالاً مرحوم کلینی این روایت را از کتاب جعفر بن محمد بن مالک نقل کرده است. اما در بین این سه کتاب، اخبار الأئمة از دو کتاب دیگر به حدیث مذکور نزدیک‌تر است.

مُحَمَّدُ بْنُ الْفَرَجِ إِلَى الْعَسْكَرِ كُتِبَ إِلَيْهِ بَرَّةٌ ضَيَاعِهِ وَ مَاتَ قَبْلَ ذَلِكَ - قَالَ وَ كَتَبَ أَحْمَدُ بْنُ الْخَضِيبِ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَجِ يَسْأَلُهُ الْخُرُوجَ إِلَى الْعَسْكَرِ فَكَتَبَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عِيشَاوَرَهُ فَكَتَبَ إِلَيْهِ أَخْرَجَ فَإِنَّ فِيهِ فَرْجَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى فَخَرَجَ فَلَمْ يَلْبَثْ إِلَّا يَسِيرًا حَتَّى مَاتَ» کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۰۰.

<sup>۱</sup> ابی جعفر ع: «إِنَّ اللَّهَ إِذَا كَرِهَ لَنَا جِوَارَ قَوْمٍ نَزَعْنَا مِنْ بَيْنِ أَظْهُرِهِمْ» صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۴.

<sup>۲</sup> نجاشی، رجال، ص ۱۲۲.

اینکه چرا کلینی نمی‌تواند این روایت را از کتاب المسائل نقل کرده باشد به این جهت است که دو نفر از افراد: محمدبن عبدالله و احمدبن حسین نزد ما مجهول بوده و نمی‌تواند در طریق کتاب محمدبن فرج قرار گیرند. علاوه بر اینکه احمدبن هلال و شاگرد او حسین بن احمد مالکی این کتاب را در اختیار داشته اما در سلسله اسناد و طریق آن واقع نشده‌اند.

### ۳. معنانشناسی واژگان

واژه «خلق» از ریشه «خ ل ق» بوده و در دو معنا به کار رفته است: یکی به معنای اندازه‌گیری اشیا و دیگری به معنای صاف و همواربودن چیزی.<sup>۱</sup> خُلُق به معنای طبع، سرشت و خوی نیز از همین واژه است. در روایت مذکور با توجه به قرائن، خلق در معنای اول یعنی اندازه‌گیری معنا می‌شود؛ چون خلق کردن و آفریدن توأم با اندازه‌گیری است. از همین رو برخی خلق را آفریده و آفریدن معنا می‌کنند. راغب در این باره می‌گوید: «اصل خلق به معنای اندازه‌گیری است؛ و واژه خلق در معنای نوآفرینی و ایجاد چیزی بدون اینکه آن چیز سابقه وجودی و نمونه داشته باشد، به کار می‌رود.»<sup>۲</sup>

واژه «نحانا» از ریشه «ن ح و» به معنای قصد کردن، آهنگ کردن است.<sup>۳</sup> در بیشتر کتاب‌ها ذیل همان واژه «نحو» بحث از نَحَى نیز آمده است؛ مانند: «تَنْحَيْتُ الشَّيْءَ عَزْلَتَهُ»<sup>۴</sup> به معنای دوری کردم و «نَحَى الشَّيْءَ أزاله»<sup>۵</sup> به معنای برداشته شد، آمده است.

<sup>۱</sup> ابن فارس، معجم المقاییس اللغة، ج ۲، ص ۲۱۳.

<sup>۲</sup> راغب اصفهانی، مفردات، ص ۲۹۶.

<sup>۳</sup> ابن فارس، معجم المقاییس اللغة، ج ۵، ص ۴۰۳؛ فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۳۰۲.

<sup>۴</sup> فیومی، مصباح المنیر، ج ۲، ص ۵۹۶.

<sup>۵</sup> طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۱۰.

بنابراین اصل واژه نحو گرچه به معنای قصد است، اما نحی و نحانا به معنای دوری، ازاله، کنار گذاشتن آمده است.<sup>۱</sup> در روایت مذکور با توجه به اینکه این واژه با کلمه عن آمده، معنای اعراض کردن و دوری از مردم در آن آشکار است.

واژه «جوار» از «جار» گرفته شده و به معنای مجاورت و نزدیکی و همسایگی در مسکن آمده است.<sup>۲</sup> جوار از اسم‌هایی است که معانی نزدیک به هم دارد؛ زیرا کسی همسایه دیگری نمی‌شود مگر اینکه آن همسایه برای او مانند برادر و دوست باشد؛ و چون حق همسایگی عقلا و شرعا بسیار بزرگ و سنگین می‌شود به هر کسی که حقش بر دیگران بزرگ است و حقی پیدا می‌کند یا حق همسایگی غیرخویشاوند را نیز بزرگ می‌شمارد، جار اطلاق می‌شود.<sup>۳</sup>

## ۴. بررسی دلالی

در بررسی دلالی حدیث ابتدا باید روشن شود که مراد از «نحانا عن جوارهم» چیست. آیا مراد همسایگی است یا فراتر از آن، کنایه از غیبت امام است؟ سپس بر فرض قبول مسئله غیبت، ارتباط غضب الهی و غیبت چگونه تبیین می‌گردد؟

## الف: سکونت یا غیبت

مراد از واژه «جوارهم» همسایگی است؛ زیرا جار به کسی می‌گویند که نزدیک انسان خانه دارد و زندگی می‌کند.<sup>۴</sup> ظاهر اولی «نحانا عن جوارهم» دوری از مجاورت و همسایگی مردم است. آنچه قابل توجه است آنکه مرحوم کلینی آن را در باب الغیبه

۱. زبیدی، تاج العروس، ج ۲۰، ص ۲۲.

۲. فراهیدی، العین، ج ۶، ص ۱۷۶؛ صاحب‌بن‌عباد، المحيط فی اللغة، ج ۷، ص ۱۷۳.

۳. اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ قرآن، ص ۲۱۱.

۴. «الجار: مُجاوِرٌ فی المسکن» فراهیدی، العین، ج ۶، ص ۱۷۶؛ «الجوار: المُجاوِرَة» صاحب‌بن‌عباد، المحيط فی اللغة، ج ۷، ص ۱۷۳؛ «الجار: من یقرب مسکنه منک» راغب، مفردات الفاظ قرآن، ص ۲۱۱.

ذکر کرده است. شارحان کافی نیز آن را به نوعی تأیید کرده و این نوع عبارات را کنایه از مسئله غیبت دانسته‌اند. علامه مجلسی در *مرآة العقول* می‌گوید: «این روایت دلالت بر این دارد که غیبت امام، غضب خداوند بر اکثر خلائق است.»<sup>۱</sup> فیض کاشانی در ذیل این حدیث به بیان چند روایت درباره مسئله غیبت اشاره کرده است.<sup>۲</sup> فهم دانشمندان از این روایت می‌تواند قرینه‌ای بر این باشد که این حدیث جزو احادیث غیبت است. علاوه بر اینکه غضب خداوند باعث دوری امام معصوم از هم‌نشینی و همسایگی توده مردم است که این همان معنای غیبت امام را دارد.

بررسی فضای دوران امام جواد علیه السلام که حدیث در آن دوره صادر گردیده، آغازگاهی برای عدم حضور فیریکی امامان شیعه و زمینه‌ای برای غیبت امام دوازدهم در بین مردم است. این نیز خود می‌تواند به نوعی مسئله غیبت را تبیین کند.<sup>۳</sup> با در نظر گرفتن مجموع قرائن می‌توان گفت مراد از «جوارهم»، دوری امام از کل جامعه است.

### ب: ارتباط نعمت الهی و عذاب الهی

در روایت مزبور ذکر شد زمانی که خدای تبارک و تعالی بر خلقش خشمگین شود، اهل بیت علیهم السلام را از مردم جدا می‌کند. در این باره این پرسش رخ می‌نماید که بین غضب خداوند بر بندگان و محروم شدن آنان از نعمت امامت و ولایت چه ملازمه‌ای وجود دارد؟ آیا زمانی که خداوند نعمتی را از بندگان خود سلب کرد، ضرورتاً به خاطر

<sup>۱</sup> مجلسی، *مرآة العقول*، ج ۴، ص ۶۱.

<sup>۲</sup> ر.ک: فیض کاشانی، *وافی*، ج ۲، ص ۴۱۹.

<sup>۳</sup> درباره دوران امام جواد علیه السلام می‌توانید به جعفریان، *حیات فکری سیاسی امامان شیعه*، ص ۴۹۲-۴۹۷ مراجعه کنید.

غضب و گناه بندگان بوده است؟ به نظر می‌رسد برای پاسخ به این مسئله می‌توان از دو منظر قرآن و روایات بدان پرداخت.

## ۱. از منظر قرآن

مسئله امامت بر اساس نظام احسن در عالم جزو نعمت‌های الهی بر بندگان به حساب می‌آید. بر همین اساس در برخی روایات بر نعمت بودن مسئله ولایت و امامت اشاره شده است. در تفسیر قمی ذیل آیه «وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً»<sup>۱</sup> پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به عنوان نعمت ظاهر و از ولایت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام به عنوان نعمت باطن یاد شده است.<sup>۲</sup> همچنین صدوق در کمال الدین از قول امام موسی بن جعفر عَلَيْهِمُ السَّلَام در ذیل آیه مذکور نعمت ظاهر را امام ظاهر و نعمت باطن را امام غایب معرفی کرده است.<sup>۳</sup> در روایتی دیگر امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام ولایت محمد و آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام را نعمتی می‌داند که از انسان در مورد آن سؤال می‌شود.<sup>۴</sup> همچنین در برخی اخبار ولایت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام از نعمت‌های الهی شمرده شده است.<sup>۵</sup>

اما روشن‌تر از روایات فوق روایتی است از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام که در تفسیر آیه «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ»<sup>۶</sup> آمده است که حضرت فرمود:

<sup>۱</sup> لقمان/۲۰.

<sup>۲</sup> قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۶۶.

<sup>۳</sup> صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۸.

<sup>۴</sup> کلینی، کافی، ص ۲۸۰.

<sup>۵</sup> فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ج ۲، ص ۴۹۳.

<sup>۶</sup> «مگر آن کسانی را که نعمت خدا را تغییر داده و قوم خویش را به دار البور (نیستی و نابودی) کشاندند،

ندیدی؟» (ابراهیم/۲۸).

«مَا بَالُ أَقْوَامٍ غَيَّرُوا سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَدَلُوا عَنْ وَصِيَّهِ لَا يَتَخَوَّفُونَ أَنْ يَنْزَلَ بِهِمُ الْعَذَابُ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ- «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ جَهَنَّمَ» ثُمَّ قَالَ نَحْنُ النُّعْمَةُ الَّتِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيَّ عِبَادِهِ وَ بِنَا يَفُوزُ مَنْ فَازَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...؛ چگونه باشد حال مردمی که سنت پیامبر ﷺ را دگرگون ساختند و از وصی او روگردان شدند؟ ایشان نمی ترسند که عذاب بر آنها نازل شود؟! سپس این آیه را تلاوت فرمود: «مگر آن عده را ندیدی که نعمت خدا را به ناسپاسی تغییر دادند و قوم خویش را به دوزخ که سرای هلاکت است، درآوردند؟» سپس فرمود: «ما هستیم آن نعمتی که خدا به بندگانش انعام فرموده؛ هرکه در روز قیامت کامیاب شود به وسیله ما است.»<sup>۱</sup>

مسئله امامت و ولایت نعمتی از جانب خداوند بر بندگان به حساب می آید. حال اگر این نعمت مورد بی لطفی از جانب بندگان قرار گیرد خداوند آن را از بندگان خود گرفته یا در آن تغییر ایجاد می کند. در قرآن کریم درباره انسان و تغییر نعمت‌ها با دو گونه آیه روبه‌رو هستیم:

۱- آیاتی که در آنها سخن از تغییرات الهی شده، اما ملازمه‌ای بین اینکه اگر فساد در قومی رواج پیدا کند و به دنبال آن عذاب نازل شود، وجود ندارد. برای نمونه خداوند در سوره رعد می فرماید:

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۱۷.

«لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ؛ برای انسان مأمورانی است که از جلوی رو و از پشت سرش، او را از فرمان خدا حفاظت می‌کنند؛ و خدا نعمتی را که نزد گروهی هست تغییر ندهد تا آنچه را که ایشان در ضمیرشان هست، تغییر دهند. چون خدا برای گروهی بدی بخواهد هیچ چیز نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد. برای ایشان غیر از خدا اداره‌کننده‌ای نیست.»<sup>۱</sup>

علامه طباطبایی پس از تفسیر فقرات ابتدایی در جمع‌بندی نهایی فقره «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» می‌فرماید:

«از ظاهر آیه درباره ملازمه میان شیوع صلاح در قومی و دوام نعمت برایشان استفاده می‌شود؛ اما اینکه اگر فساد در قومی شایع شود و یا از بعضی از ایشان سر بزند نعمت و عذاب نیز برایشان نازل می‌شود، آیه شریفه از تلازم میان آن‌ها ساکت است. نهایت چیزی که از آیه استفاده می‌شود این است که خداوند وقتی روش خود را تغییر می‌دهد و عذاب می‌فرستد که مردم رفتار خود را عوض کرده باشند. البته این مطلب امکان دارد؛ نه اینکه به فعلیت درآوردنش واجب باشد؛ زیرا این وجوب از آیه استفاده نمی‌شود.

<sup>۱</sup>. رعد/۱۱.

بر همین اساس سیاق را تغییر داده می‌فرماید: «وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ» با اینکه اگر می‌خواست سیاق را تغییر ندهد باید می‌فرمود: «حتی یغیروا ما بانفسهم فیرید الله بهم من السوء ما لا مرد له؛ تا آنکه مردم رفتار خود را عوض کنند که در این صورت خداوند آن‌گونه بدی را برای ایشان خواسته است که احدی نتواند آن را جلوگیری شود.

مؤید این معنا نیز آیه «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» است که صریحا دلالت می‌کند بر اینکه پاره‌ای از تغییرات خدا در هنگام پاره‌ای از تغییرات مردم، اجرا نمی‌گردد و خدا مردم را در آن تغییرات عفو می‌فرماید.<sup>۱</sup>

برخی دیگر از معاصرین بحثی پیرامون سنت‌ها و نعمت‌های الهی مطرح کرده‌اند. وی در بحث خود با توجه به آیه «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»<sup>۲</sup> از دیاد نعمت بر اثر شکرگذاری را یکی از سنت‌های قطعی و استثناناپذیر و غیرقابل تبدیل الهی می‌داند؛ اما با توجه به ادامه آیه «وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» نقصان نعمتی که بر اثر کفران آن نعمت باشد از قطعیت برخوردار نیست. تنها گویای تهدید است و صراحت در کاهش نعمت‌های کفران‌پیشه‌گان و عذاب و عقاب آن‌ها ندارد.

به عبارت دیگر از این تعبیر تنها این مطلب دانسته می‌شود که کفران نعمت، اقتضای نزول عذاب و حداقل، سلب نعمت را دارد. ممکن است سنت دیگری، مانند املا و استدراج و امهال، جلوی این اقتضا را بگیرد و بر آن حاکم و مانع از تأثیر اقتضای آن

<sup>۱</sup>. طباطبایی، المیزان، ج ۱۱، ص ۴۲۷.

<sup>۲</sup>. ابراهیم، ۷.

گردد. پس سنت سلب نعمت از ناسپاسان و نزول عذاب بر آنان، درست مانند قانون تجربی سوزاندن آتش، شرایط وجودی و عدمی دارد و باید آن را فقط به عنوان بیان مقتضی تلقی کرد.

همچنین در آیه ۵۳ سوره انفال می خوانیم:

«ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛

برای اینکه خدای متعال نعمتی را که به گروهی داده است دگرگون

نمی سازد، مگر اینکه آنان، خود، احوال خود را دگرگون کنند.»

یعنی از حالاتی همچون ایمان و شکر و تقوا به حالاتی نظیر کفر و کفران و عصیان بگرایند. در آیه ۱۱ سوره رعد می خوانیم:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا

مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ؛ خدای متعال آنچه را نزد گروهی هست

دگرگون نمی سازد، مگر اینکه آنان، خود، آنچه را در ضمائر [و دلها] ایشان

هست، دگرگون کنند. چون خدای متعال برای گروهی بدی خواهد، جلوگیری

ندارد و آنان را به جز او دوست و یاری نخواهد بود.»

آیه اول به وضوح درباره سلب نعمت است. آیه دوم نیز - مخصوصاً با توجه به سیاق آیات و قرینه‌ای که از آیه اول حاصل می‌آید - در همین معنا ظهور دارد؛ یعنی خدای متعال نعمت‌هایی را که به مردم عطا فرموده است، از آنان بازپس نمی‌گیرد مگر اینکه اوضاع و احوال باطنی و معنوی‌شان تغییر کند و به باطل بگرایند. اگر مردم چنین کنند، نسبت به آنان اراده سوء خواهد کرد و اگر خدای متعال نسبت به کسی یا کسانی اراده سوء کند، هیچ موجودی نمی‌تواند مانع اعمال و اجرای اراده وی شود.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، آیه دوم نیز صراحتی ندارد در اینکه به محض تغییر وضع و حال نفسانی و درونی مردم، خدای متعال اراده سوئی نسبت به آنان می‌کند، بلکه تأکید آیه، همه بر این است که تا زمانی که مردم راه ایمان و شکر و تقوا و اطاعت می‌پویند، نعمت‌ها از آنان سلب‌شدنی نیست. چنان‌که جمله «وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» نیز صراحتی در این ندارد که حتماً خدای متعال، ناسپاسان را عذاب می‌کند. حاصل آنکه اگرچه تغییر حال از شکر به کفران، اقتضای سلب نعمت و نزول عذاب دارد، ولی این سنت، قطعیت و اطلاق ندارد؛ بلکه به عدم موانع مشروط و مقید است.<sup>۱</sup>

آنچه از کلام این دو اندیشمند برداشت گردید این است که خداوند وقتی شیوه خود را تغییر می‌دهد که مردم رفتار و منش خود را عوض کرده باشند. اما سنت‌های الهی دیگری مانند املا، استدراج و امهال امکان دارد جلوی فعلیت آن اقتضا را بگیرند.

۲- دسته‌ای دیگر آیاتی هستند که به ملازمه بین نعمت‌های الهی و سلب آن‌ها به‌خاطر تخلف بندگان پرداخته است. در این آیات سخن از نعمت‌های الهی است که عموم مردم قدر آنان را ندانسته یا در آن تبدل ایجاد کرده‌اند. خداوند نیز عذاب خود را بعد از اتمام حجت - با ارسال رسولان - شامل آنان کرده است. خداوند در سوره بقره به‌طور آشکار می‌فرماید:

«سَلِّ بْنِ إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ از بنی‌اسرائیل بپرس چقدر آیت‌های روشن برایشان آوردیم [آنها خواهند گفت: که] هر کس نعمت خدا را بعد از آنکه

<sup>۱</sup> مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، ص ۵۰۰-۵۰۲.

در اختیارش قرار گرفت تغییر دهد باید بداند که خدا در عقاب، شدید است.<sup>۱</sup>

خداوند در این آیه در صدد بیان آن است که هرکسی که نعمت خدا را تغییر دهد و از او روی گردان شود، خدا عقابش می کند و چقدر خداوند شدیدالعقاب است.<sup>۲</sup> باز خداوند در آیه ای دیگر می فرماید:

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَ هُمْ ظَالِمُونَ؛ خدا مثلی می زند: دهکده ای که امن و آرام بود و روزیش از هر طرف به فراوانی می رسید، آنگاه منکر نعمت های خدا شدند و خدا به سزای اعمالی که می کردند پرده گرسنگی و ترس بر آنها کشید و پیامبری از خودشان پیامدشان. پس او را تکذیب کردند و در آن حال که ستمگر بودند، دچار عذاب شدند.»<sup>۳</sup>

خداوند در این مثال قریه ای را شرح می دهد که تمام لوازم روزمره آنان را فراهم کرده و این نعمت ها را با فرستادن پیامبری بر آنان به حد تمام و کمال رسانده است. آن پیامبر، ایشان را به آنچه مایه صلاح دنیا و آخرتشان است، دعوت می کند. آنان به نعمت های او کفر ورزیده و آن فرستاده را تکذیب می کنند. خداوند نیز نعمت خود را

<sup>۱</sup>. بقره/۲۱۱.

<sup>۲</sup>. طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۱۶۵.

<sup>۳</sup>. نحل/۱۱۲ و ۱۱۳.

به عذاب تبدیل کرد. این مثال هشداری است برای کسانی که نعمت‌های الهی را به کفران تبدیل می‌کنند.<sup>۱</sup>

آیات دیگری مانند آیه ۱۴۷ نساء و ۲۸ ابراهیم نیز در این ارتباط وجود دارد که تقریباً در همان فضای مذکور بیان شده است.

آنچه گذشت، حاکی از دو بیان است: بیان اول آنکه در صورت تخلف بندگان، مقتضای عذاب الهی و سلب آن نعمت وجود دارد؛ اما امکان دارد خداوند سنت‌های دیگری مانند امهال را اجرا کند و جلوی آن اقتضا گرفته شود. دسته دوم نیز در صورت سرکشی و تخلف بندگان، بین نعمت‌های الهی و سلب آنان ملازمه ایجاد کرده است. بنابراین می‌توان گفت در برخی موارد سنت‌هایی وجود دارد که مانع از اقتضای عذاب الهی گردد و در برخی موارد این‌گونه نیست.

درباره حدیث مذکور باید دانست که عدم وجود حجت الهی در بین جامعه آیا به‌عنوان عذاب الهی شناخته می‌شود یا خیر؟ اگر نبود حجت برای یک جامعه شیعی، عذاب به حساب آید معلوم می‌شود که بین فساد یک قوم و سلب یک نعمت ملازمه شکل گرفته است. سنت‌های دیگری نیز که می‌توانستند مانع شوند به‌کار گرفته نشده‌اند. اما اگر عذاب را فراتر از غیبت دانستیم چنان‌که در اقوام گذشته با عذاب استیصال منجر به نابودی آنان می‌گردید، می‌توان گفت نبود آن، مهلتی برای بشریت بوده و سنن دیگر به‌کار گرفته شده است.

## ۲. از منظر روایات

روایاتی که می‌تواند هم‌خانواده این روایت قرار گیرد و مضمون روایت موردبحث را تأیید می‌کند، شامل سه روایت است:

نمونه اول روایتی از ابی جعفر علیه السلام نقل شده است:

۱. طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۵۲۱.

«إِنَّ اللَّهَ إِذَا كَرِهَ لَنَا شَيْئًا نَذَرْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ؛ خَدَاوَنَد، اِگَر نَاخِرَسَنَد  
 بَاشَد كِه مَا دَر مَجَاوَرَت دِسْتِه‌اِی اَز مَرَدَم زَنَدِگِی كَنِیْم، مَا رَا اَز مِیَاَن اَن‌هَا  
 بَیْرُون مِی‌بَرَد.»<sup>۱</sup>

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که امیرالمؤمنین علیه السلام بر منبر کوفه فرمود:

«وَاعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَيُعْمِي  
 خَلْقَهُ عَنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ إِسْرَافِهِمْ عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ  
 سَاعَةً وَاحِدَةً مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَ لَكِنَّ الْحُجَّةَ يَعْرِفُ النَّاسَ وَ لَا  
 يَعْرِفُونَهُ»<sup>۲</sup> بدانید که زمین از حجت خدای عزوجل خالی نمی‌ماند. ولی  
 خدای عزیز به زودی دیده خلقش را از او نابینا می‌سازد؛ به خاطر ظلم و  
 جورشان و زیاده‌روی آنان نسبت به خودشان. اگر زمین یک ساعت از

۱. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۴. سند روایت: «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُمَرَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مَرْوَانَ الْأَنْبَارِيِّ قَالَ خَرَجَ مِنْ أَبِي جَعْفَرٍ» روایت ضعیف است؛ چراکه محمد بن عبدالله و مروان انباری هر دو مجهول هستند. البته احتمال اینکه در سند تصحیفی صورت گرفته، وجود دارد. محمد بن عبدالله بن مروان انباری بوده و واژه «عن» به جای «بن» آمده است. بر فرض پذیرش این تصحیف باز محمد بن عبدالله بن مروان مجهول است.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۱. سند روایت: «أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ جَمِيعاً عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع.» سند مذکور به خاطر عبارت عن بعض رجاله ضعیف است.

حجت خدا خالی بماند اهل خود را فرو می‌برد؛ لکن آن حجت مردم را می‌شناسد و آنان او را نمی‌شناسند.<sup>۱</sup>

در روایت امام علی علیه السلام به غیبت حجت الهی اشاره دارد که در تبیین آن ظلم و جور مردم را مؤثر در این غیبت می‌دانند. در واقع عدم وجود فیریکی حجت در میان مردم نشانه و سببی است که خداوند در مقابل ناسپاسی مردم اعمال کرده است.

در روایتی نیز امام دوازدهم فرمود:

«يَا ابْنَ الْمَازِيَارِ أَبِي أَبُو مُحَمَّدٍ عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أَجَاوِرَ قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعْنَهُمْ وَ لَهُمُ الْخِزْيُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَ أَمَرَنِي أَنْ لَا أُسْكُنَ مِنَ الْجِبَالِ إِلَّا وَغْرَهَا وَ مِنَ الْبِلَادِ إِلَّا غَفْرَهَا؛ ای پسر مازیار، پدرم امام حسن عسکری علیه السلام از من عهد و پیمان گرفته است که با کسانی که خداوند متعال به آنها غضب کرده همسایگی نکنم؛ چون آنها در دنیا و آخرت خوار و ذلیل خواهند شد و عذاب دردناکی دارند. همچنین پدرم به من امر کرده است که فقط در سخت‌ترین کوه‌ها و در شهرهای خراب و فقیر ساکن شوم.»<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>. نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۱-۱۴۲.

<sup>۲</sup>. طوسی، الغیبه، ص ۲۶۶ (وَ أُخْبِرْنَا جَمَاعَةً عَنِ التَّلُغُكُبْرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ الرَّازِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ رَجُلٍ ذَكَرَ أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ قَرْوَيْنَ لَمْ يَذْكُرْ اسْمَهُ عَنْ حَبِيبِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يُونُسَ بْنِ شَاذَانَ الصُّنْعَانِيِّ قَالَ...); این روایت به خاطر واژه عن رجل ضعیف است.

در این روایت به قرینه «أَنْ لَا أُسْكُنَ مِنَ الْجِبَالِ إِلَّا وَعَرَهَا وَ مِنَ الْبِلَادِ إِلَّا وَعَرَهَا» می‌توان جوار را بر معنای همسایگی فیزیکی حمل کرد. نمی‌توان این روایت را علت غیبت دانست؛ اما از آن جهت که خداوند از کسانی که بر آنان غضب کرده که همسایه امام نشوند، می‌توان این ملاک را برداشت کرد که یکی از عوامل مؤثر در غیبت، نقش مردم و غضب خداوند است.

البته بر محققان مبرهن است که درباره علل غیبت روایات دیگری نیز وجود دارد و این تحقیق تنها به یکی از مواردی که می‌تواند به‌عنوان علت غیبت شناخته شود، پرداخته است. چه آنکه دسته‌ای از روایات به علل دیگری مانند خوف از قتل، عدم بیعت طاغیه و امتحان مردم به‌عنوان علت غیبت اشاره دارد. به‌عنوان نمونه زراره در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

«إِنَّ لِلْقَائِمِ عِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ قُلْتُ وَ لِمَ قَالَ إِنَّهُ يَخَافُ وَ أَوْ مَا بَيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ

يَعْنِي الْقَتْلَ؛ همانا برای حضرت قائم علیه السلام پیش از آنکه ظهور کند غیبتی

است، عرض کردم: برای چه؟ فرمود: زیرا او می‌ترسد؛ [و با دست اشاره به

شکمش فرمود] یعنی از کشته‌شدن می‌ترسد.

باز در روایت دیگری نعمانی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «يَقُومُ الْقَائِمُ وَ

لَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِأَحَدٍ»<sup>۱</sup> قائم علیه السلام در حالی قیام می‌کند که بیعت هیچ‌کس برگردن او نیست.

<sup>۱</sup> نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۱.

تحلیل هرکدام از این روایات مجال دیگری می‌طلبد؛ اما این روایات و مشابه آنها گویای آن است که علت غیبت منحصر در غضب الهی نبوده و ائمه طاهرین علیهم‌السلام موارد دیگری را نیز به‌عنوان غیبت حجت الهی ذکر کرده‌اند.

### ۳. تعلق غضب خداوند پس از شهادت یازده امام

سؤالی که شاید در خور کاوش و تأمل بیشتر باشد آن است که اگر مسئله غضب الهی مطرح است، چرا پس از شهادت یازده معصوم، اراده الهی مبنی بر غیبت آخرین حجت خویش قرار گرفت؟ آیا بهتر نبود که قبل از آن این اتفاق رخ می‌داد؟ برای پاسخ به این پرسش چند مبنا باید روش شود.

اولین مبنا اینکه غضب و عذاب قبل از انجام جنایت، قبیح است. از همین رو برای آنکه جلوی احتجاج ظالمان بر علیه خداوند گرفته شود باید ظلمی صورت بگیرد تا هم نتوان علیه خالق احتجاج کرد و هم مخلوق بهانه‌ای نداشته باشد. چنانچه خداوند در قرآن می‌فرماید:

«وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْ لَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِّن قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى؛<sup>۱</sup> اگر پیش از نزول قرآن به عذابی هلاکشان کرده بودیم می‌گفتند: پروردگارا چرا پیامبری برای ما نفرستادی تا پیش از آنکه ذلیل و رسوا شویم آیه‌های تو را پیروی کنیم.»

دومین احتمال اینکه خداوند به آنان مهلت داده باشد تا آزمایشی باشد برای مردم و سره از ناسره تشخیص داده شود. برخی از این فرصت استفاده کرده و خود را به رشد

<sup>۱</sup> طه/۱۳۴.

می‌رسانند و برخی به سوء اختیار خود راه گمراهی را برمی‌گزینند و فریب امهال الهی را خورده، غرق در گناه می‌شوند.

سومین احتمال اینکه رشد و شکوفایی اسلام و تشیع به یک‌باره محقق نمی‌شود؛ بلکه هرکدام از امامان در دوران خود رسالتی را ایفا کرده‌اند که در مجموع آن، درخت شیعه تنومند و زمینه برای غیبت آخرین حجت الهی فراهم گردید. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که امام علی علیه السلام با مسئله نفی خلافت ظالمان و تثبیت منصب الهی، امام حسن علیه السلام با نمایاندن چهره خبیث بنی‌امیه، امام حسین علیه السلام با بازتولید شئون امامت، امام سجاد علیه السلام با جلوگیری از مصادره امامت، امامین صادقین علیهما السلام با ابلاغ مکتب اصیل شیعی، امام کاظم و امام رضا علیهما السلام با تلاش برای توسعه مکتب، امامین عسکریین علیهما السلام با ساماندهی و زمینه‌سازی برای مسئله غیبت به تلاش پرداخته و هرکدام در دوران خود خلأهای زمانه خود را برطرف کردند. با توجه به این سه مسئله می‌توان ادعا کرد که ظرف تحقق آن در دوران امامت امام عصر علیه السلام به منصف ظهور رسیده و قبل از آن زمینه غیبت وجود نداشته است.

### نتیجه‌گیری

حدیث «إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ نَحْنًا عَنْ جِوَارِهِمْ.» یکی از احادیثی است که مرحوم کلینی آن را در باب غیبت ذکر کرده است. این حدیث از منظر سندی به‌خاطر وجود افرادی مانند احمد بن حسین و محمد بن عبدالله ضعیف تلقی شده است. اما بر مبنای وثوق صدوری قرینه‌هایی مانند نقل در منابع اولیه و اعتماد مرحوم کلینی و محمد بن یحیی العطار بر اعتبار حدیث وجود دارد.

دلالت حدیث بر مسئله غیبت از پشتوانه‌هایی مانند قرآن و روایات هم‌خانواده برخوردار است. از منظر قرآن می‌توان گفت فساد قوم در مقابله با حجت‌های الهی که با مخالفت آنان با ائمه شکل گرفته، باعث گردید خداوند آخرین حجت الهی را از حضور در جامعه منع کند که این خود یک غضب و عذابی بر بندگان است. روایات هرچند اندک اما گویای ارتباط تنگاتنگی بین غضب الهی و عدم حضور معصوم وجود دارد. می‌توان گفت میان قابلیت‌ها و شایستگی‌های ذاتی مردم برای پذیرش امام معصوم و میزان حضور امام در جامعه ارتباطی متقابل وجود دارد. به هر اندازه که جامعه شایستگی و لیاقت خود را از دست داده و از ارزش‌های الهی فاصله بگیرد، امام معصوم نیز که یکی از تجلیات رحمت الهی به‌شمار می‌آید، از جامعه فاصله گرفته و از حضور خود در جامعه می‌کاهد؛ چراکه رحمت الهی در جایی فرود می‌آید که سزاوار رحمت باشد.

بنابراین می‌توان با بن‌مایه‌های وحیانی و حدیثی ادعا کرد که یکی از علل غیبت معصوم، غضب خداوند بر بندگان است. گرچه در روایات علل دیگری نیز برای غیبت ذکر شده است که در جای خود باید مورد بررسی قرار گیرد.

## منابع

قران کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، **علل الشرائع**، کتاب فروشی داوری، قم، ۱۳۸۵.
۲. جباری، محمدرضا، **سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه (علیهم السلام)**، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، مرکز انتشارات، قم، ۱۳۸۲.
۳. حائری مازندرانی، محمد بن اسماعیل، **منتهی المقال فی احوال الرجال**، گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۶ق.
۴. حسین، جاسم، **تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام آیت اللهی**، محمد تقی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۵.
۵. خوبی، ابوالقاسم، **معجم رجال الحدیث**، مرکز نشر آثار شیعه، قم، ۱۴۱۰ق.
۶. شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، **إثبات الهداء بالنصوص و المعجزات**، اعلمی، بیروت، ۱۴۲۵ق.
۷. طباطبایی، محمد حسین، **تفسیر المیزان**، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. طبرسی، فضل بن حسن، **إعلام الوری بأعلام الهدی**، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ق.
۹. طبسی، نجم الدین، **تا ظهور، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود**، تهران، ۱۳۸۸.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن، **رجال**، انتشارات حیدریه، نجف، ۱۳۸۱.
۱۱. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، **روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط - التدیمة)**، انتشارات رضی، قم.
۱۲. فیض کاشانی، محمد محسن، **الوافی**، کتابخانه امام امیرالمؤمنین، علی علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ق.

۱۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق: موسوی جزایری، سیدطیب، دارالکتاب، قم، ۱۳۶۷.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق/تصحیح: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.
۱۵. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الکافی - الأصول و الروضة، تحقیق/تصحیح: شعرانی، ابوالحسن، المكتبة الإسلامیة، تهران.
۱۶. مجلسی، محمد باقر، الوجیزه، تصحیح: رحمان ستایش، محمد کاظم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۲۰ق.
۱۷. مصباح یزدی، محمد تقی، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.
۱۸. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۷ق.

## آسیب‌های فرهنگی موجود در جهان اسلام و نقش آموزه مهدویت در حل آن‌ها

مهدی یوسفیان<sup>۱</sup>

### چکیده

شریعت مقدس اسلام نقشه راه زندگی انسانی در عرصه‌های مختلف و ابعاد گوناگون وجودی آن به‌ویژه فرهنگ انسان‌زیستی را دربر دارد. اگرچه عصر دوری امامان اهل بیت علیهم‌السلام از حکومت و دوران آخرالزمان که دوره نبود ظاهری جانشین پیامبر بوده، امت اسلامی را دچار آسیب‌های مختلف به‌خصوص در عرصه فرهنگ کرده است. حقیقتی که توجه بیشتر و جدی‌تر محققان را برای بازکاوی این مشکل و یافتن راه برون‌رفت از آن می‌طلبد. بر این اساس، ما با این پرسش مواجه هستیم که آسیب‌های فرهنگی جهان اسلام چیست و چگونه می‌توان با آن‌ها برخورد کرد. به نظر می‌رسد مهدویت و آموزه انتظار شفابخش آلام جوامع اسلامی را در پرتو کالبدشکافی عنصر انتظار نشان دهد. این نوشتار برای نیل به چنین هدفی روش توصیفی - تحلیلی را دنبال می‌کند. ارائه تعریف درست از انتظار و تبیین دو عنصر کلیدی آن: ۱. آینده معلوم و حتمی؛ ۲. وظایف و برنامه‌ها و نیز معرفی امام مهدی عجل‌الله‌فرجه به‌عنوان محور وحدت امت اسلامی و همچنین، اشاره به وظایف مردم و جوامع اسلامی در راستای فرهنگ انتظار از نتایج این مقاله است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، فرهنگ اسلامی، آسیب، آسیب‌شناسی، امام مهدی عجل‌الله‌فرجه، انتظار.

<sup>۱</sup>. استاد مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم؛ [yousefian313@gmail.com](mailto:yousefian313@gmail.com)

فرهنگ با همه عناصر درونی و بیرونی‌اش، به‌مثابه هویت یک جامعه است. فرهنگ منشأ اصلی دگرگونی‌های جامعه به حساب آمده و تمامی جهت‌گیری‌ها و کارکردهای گوناگون حیات جامعه و افراد آن را مشخص می‌کند.

کارنامه اسلام را باید فصلی درخشان از حیات بشری دانست که تحولی شگرف در زندگی جوامع انسانی به‌صورت مستقیم (جوامعی که دین اسلام را پذیرفته و کشور اسلامی محسوب می‌شوند) یا غیرمستقیم (جوامع غیراسلامی) پدید آورده است. حضور اسلام در پهنه وسیعی از جغرافیای زمین در طی قرون متمادی به توسعه علوم گوناگون معنوی (انسانی) و مادی انجامید و تا سالیان طولانی پیشرو قافله علم و فرهنگ و تمدن انسانی گردید. به‌گونه‌ای که تا زمان حاضر نیز کتاب‌ها، اندیشه‌ها و یافته‌های دانشمندان مسلمان در عرصه‌های مختلف علمی و فرهنگی از منابع اصلی دانش‌های بشری شمرده می‌شود.

اسلام بشر را در برابر آموزه‌های بلندی قرار داد که هویت آدمی و نسبت او با جهان هستی و مبدأ (خداوند) و منتهای آن (معاد) و نیز نسبتش با سایر انسان‌ها به‌صورت خاص، به روشنی در آن ترسیم شده است. این تصویر به‌قدری گویا و شفاف بود که بشر در برابر آن به‌سرعت سر تسلیم و تعظیم فرود آورد. همچنین از آنجا که با عقل و فطرت سلیم انسان‌ها هماهنگ بود، به هر کجا که وارد شد با رویی گشاده از آن استقبال شد. به‌گونه‌ای که در اندک زمانی بخش وسیعی از جغرافیای زمین را با خود همراه کرد.

فرهنگ اسلامی برآمده از این آیین آسمانی که از یک سو از سرچشمه وحی و کلام آفریدگار و نیز سنت رسول پروردگار و کامل‌ترین انسان جهان هستی سیراب گشته و از سوی دیگر با تاروپود وجود و نیز اندیشه و نیاز انسان منطبق است، با نگرشی

جامع و کامل به عالم وجود، پیروانش را به سوی تمدنی بزرگ و درخور حیات بشری - که تجلی زندگی برترین موجود و مخلوق یعنی انسان باشد - فرا خواند.

معارف ناب و محتوای غنی، جذّاب، سازنده، حرکت‌زا و شورآفرین اسلام چنان اثرگذار بود که فرهنگ اسلامی را در مقایسه با سایر فرهنگ‌ها ممتاز و بی‌بدیل قرار داد. توجه آیین مقدس اسلام به مؤلفه‌هایی چون: ۱. خدا، انسان و هستی؛ ۲. خردگرایی؛ ۳. ترغیب و ترویج دانش‌اندوزی؛ ۴. منزلت‌بخشی به کاروتلاش؛ ۵. سعه‌صدر و تحمل اندیشه‌ها و افکار؛ و ۶. پذیرش داشته‌های صحیح انسانی اعم از علوم و آداب و رفتارهای سنجیده، از ویژگی‌های مهم این فرهنگ است.

اما با نهایت تأسّف باید پذیرفت که وضعیت کنونی جهان اسلام به‌هیچ‌وجه نه مطابق با آیین و فرهنگ والای اسلامی است و نه شایسته زندگی انسانی و دینی. با نگاهی اجمالی به فضای جوامع اسلامی به‌روشنی می‌توان اوضاع نابسامان آن‌ها را مشاهده کرد: عقب‌ماندگی در عرصه‌های مختلف علوم و فنون انسانی و طبیعی، فاصله طبقاتی در زندگی اجتماعی، سلطه‌پذیری و قبول اسارت در سیستم سیاسی و حکومتی شیطان‌محور قدرت‌های بزرگ و دشمن، تفرقه و دشمنی، فقر و انواع مشکلات زندگی، وقوع جنگ‌ها و کشتارهای بی‌حدومرز و کشتار مسلمانان توسط خودشان گوشه‌هایی دردناک از وضعیت کنونی جهان اسلام است.

اکنون جای این سؤال است که آیا واقعاً این شرایط، تقدیری محتوم است که باید آن را پذیرفت و بر آن گردن نهاد؟ آیا مسلمانان باید در این اوضاع نابسامان دست‌وپا بزنند و فقط نظاره‌گر احوال زار خود باشند؟ آیا از منظر آیین اسلام پذیرش چنین نکبتی پذیرفتنی است؟ آیا اسلام نیز اندیشه باطلی چون تسلیم و فدا و نجات را مانند برخی ادیان تحریف‌شده دیگر، قبول دارد؟

با مراجعه به متون مقدس دین مبین اسلام، می‌توان به‌روشنی دریافت که اندیشه و خواست اسلام چیز دیگری است. در متون دینی، آیین اسلام به‌عنوان دین برتر شناخته

شده<sup>۱</sup> و آینده جهان و نوید حاکمیت بر آن با وعده محتوم به این دین داده شده است.<sup>۲</sup> از سوی دیگر اشارات قرآنی و فرمایشات نبی مکرم اسلام ﷺ و اهل بیت بزرگوار ایشان برای رسیدن به آن دوران نورانی به عنوان نقشه راه، در اختیار مسلمانان قرار داده شده است.

«انتظار» ظهور امام مهدی ﷺ را می توان همان نقشه راه و کامل ترین برنامه اجرایی برای دوران گذر از گردنه های صعب العبور و تاریک دوران آخرالزمان معرفی کرد. حقیقت والایی که با تحلیل درست مفهوم و ماهیتش، جوامع اسلامی به بهترین شکل ممکن، ضمن برون رفت از آسیب ها، به سمت آینده وعده داده شده رهنمون می شوند. این نوشتار در صدد تبیین نقش مهدویت و انتظار موعود در برطرف کردن آسیب ها و چالش هایی است که جهان اسلام را در معرض تهدید قرار داده است. تلاش شده تا به این سؤال پاسخ داده شود که «مقوله انتظار ظهور امام مهدی ﷺ چگونه می تواند جوامع اسلامی را برای رفع آسیب های موجود و پیش رو یاری رساند.» روش به کاررفته در این مقاله، روش تحلیلی - توصیفی بوده و تبیین آیات و روایات مرتبط، اساس این تحقیق است.

## ۱. مفاهیم

### تعریف فرهنگ

اندیشمندان حوزه جامعه شناسی و فرهنگ، تعریف های متعددی را در مورد معنای «فرهنگ» برشمرده اند، که به نظر می آید شالوده کلی آنها به یکدیگر نزدیک است. در ابتدا مناسب است به برخی از تعاریف اشاره کرده و سپس دیدگاه خود را بیان کنیم.

۱. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۳۴.

۲. نور/ ۵۵.

مالینفسکی ضمن اینکه فرهنگ را مجموعه‌ای غیرقابل تفکیک از عناصر مختلف و دارای انسجام درونی دانسته<sup>۱</sup> در تعریف آن می‌گوید: «فرهنگ عبارت است از مهارت‌ها، کارها، فرایندهای فنی، گمان‌ها، عادت‌ها و ارزش‌ها.»<sup>۲</sup> از نظر او هر فرهنگ شامل عوامل مختلفی است که جنبه‌های مادی، ارزش‌های اجتماعی، هنجارها و مفاهیم ذهنی مهم‌ترین آن‌هاست.»<sup>۳</sup>

آنتونی گیدنز فرهنگ را مجموعه شیوه زندگی اعضای یک جامعه می‌داند که چگونگی لباس پوشیدن آنها، رسم‌های ازدواج و زندگی خانوادگی، الگوهای کارشان، مراسم مذهبی و سرگرمی‌های اوقات فراغت را دربر می‌گیرد. همچنین شامل کالاهایی می‌شود که تولید می‌کنند.<sup>۴</sup> وی بر این باور است که فرهنگ عبارت است از ارزش‌هایی که اعضای یک گروه معین داشته، هنجارهایی که از آن پیروی و کالاهای مادی که تولید می‌کنند. ارزش‌ها آرمان‌های انتزاعی هستند، حال آنکه هنجارها اصول و قواعد معینی هستند که از مردم انتظار می‌رود آن‌ها را رعایت کنند. هنجارها نشان‌دهنده بایدها و نبایدها در زندگی اجتماعی هستند.<sup>۵</sup>

ادوارد تایلور فرهنگ را مجموعه پیچیده‌ای شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی می‌داند که فرد به‌عنوان عضو جامعه، از جامعه خود فرامی‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد.<sup>۶</sup>

۱. روح‌الامینی، زمینه فرهنگ‌شناسی، ص ۹۱.

۲. آشوری، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، ص ۵۲.

۳. معینی، نظریه و فرهنگ، ص ۹۷.

۴. گیدنز، جامعه‌شناسی، ص ۳۶.

۵. گیدنز، جامعه‌شناسی، ص ۳۶.

۶. روح‌الامینی، زمینه فرهنگ‌شناسی، ص ۱۷.

رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، در تعریف فرهنگ می‌گوید: «فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سروکار دائمی دارند و الهام‌بخش مردم در حرکات و اعمال آن‌ها است.<sup>۱</sup> شاید بتوان دیدگاه‌های ارائه‌شده در مورد چیستی فرهنگ را در یک نگاه کلی چنین دسته‌بندی کرد:

۱. دوساحتی: در این رویکرد، فرهنگ تمامی جنبه‌های حیات بشری اعم از دنیوی و اخروی را شامل می‌شود. طبق این دیدگاه، فرهنگ برگرفته از نگرشی است که انسان به دنیای پیرامون خویش دارد و آثار آن در گفتار، رفتار، آداب‌ورسوم و هرچه تولید می‌کند (هنر، قانون، محصولات مادی و معنوی و...) نمایان می‌گردد.

۲. تک‌ساحتی: این رویکرد، فرهنگ را از زوایه زندگی فردی و اجتماعی و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در این دنیا می‌نگرد و در ادبیات دستگاه سیاسی - اجتماعی و اجرایی و دولتی بدان پرداخته می‌شود؛ همچون آموزش و پرورش، ورزش، تبلیغات، هنر و رسانه‌ها، گردشگری، آثار باستانی و ...

به نظر می‌آید می‌توان چنین نتیجه گرفت که فرهنگ مجموعه‌ای از باورها، رفتارها و هنجارهای ارزشی است که در آداب‌ورسوم، زبان، ادبیات، روابط و سایر امور زندگی تجلی یافته و بر خلق و خوی مردم تأثیر می‌گذارد. بنابراین، فرهنگ حقیقت و هویت معنوی ملت‌ها است که ساختار کیفی زندگی آن‌ها را مشخص می‌کند. فرهنگ تبلور رفتاری برخاسته از باورها و هنجارهای پذیرفته‌شده است که علاوه بر جلوه اجتماعی آن می‌تواند در حوزه زندگی یک فرد نیز معنا پیدا کند. از همین جهت عنوان «انسان بی‌فرهنگ» و «جامعه بی‌فرهنگ» قابل قبول نیست.

<sup>۱</sup>. سخنرانی در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳.

با توجه به مطالب پیش گفته، می‌توان فرهنگ دینی را متناسب با دیدگاه چند ساحتی ارزیابی کرد؛ زیرا دین داعیه‌دار ایجاد طرح نو در زندگی انسان‌ها بوده و به جنبه‌های مختلف حیات انسان و سعادت او نظر دارد. خداوند پیامبران الهی را حامل رسالت و عهده‌دار تربیت افراد و برپاکردن جامعه جدید با معیارها، شرایط و ویژگی‌هایی بدیع معرفی کرده است. همچنین، آموزه‌های دینی ساحت وسیعی از باورها، رفتارها (ایمان به خداوند، تقوا، پرداخت زکات و برپاداشتن نماز)، روش‌ها (برپاکردن قسط و داد اجتماعی و آراسته‌شدن به آرایه عدالت فردی و اخلاقی)، عادت‌ها (تداوم ارتباط بندگی و عبودیت با خدا و حفظ روحیه یاری‌گرایانه و عدالت‌خواهانه با خلق) و... در یک جامعه را شامل می‌شود.

بنابراین، فرهنگ اسلامی، مجموعه‌ای از باورها، اصول و روش‌های زندگی اعم از آداب‌ورسوم، اخلاقیات، ارزش‌ها و قوانین در حوزه‌های مختلف حیات بشری است که از وحی سرچشمه گرفته است.

### فرهنگ مادی و معنوی

فرهنگ مادی، آن بخش از عناصر فرهنگی است که قابل حس، اندازه‌گیری، ارزیابی و مقایسه باشد. اشیای مادی، ابزار کار، وسایل صنعتی و کشاورزی، مسائل آموزشی و وسایل زندگی و لوازم خانه که در زندگی روزمره کاربرد دارد مانند: لباس، وسیله نقلیه، مسکن و به‌طور کلی هر چیزی که جنبه مادی دارد، جزو فرهنگ مادی به‌شمار می‌رود. فرهنگ مادی شامل کلیه دستاوردهای مادی هر جامعه است.

فرهنگ معنوی، دربرگیرنده‌ امور است که جنبه کیفی دارند. به بیان دیگر، آنچه که مادی نباشد، فرهنگ معنوی است؛ عقاید و باورها، آداب‌ورسوم، اخلاقیات، آموزش و پرورش، آثار ادبی و هنری و فکری و کلیه صنایع معنوی یک جامعه، جزء فرهنگ معنوی آن جامعه به‌شمار می‌رود.

بین جنبه‌های مادی و معنوی فرهنگ، رابطه متقابلی وجود دارد و تغییر یکی موجب تغییر دیگری خواهد شد. این دگرگونی و تغییر می‌تواند ابتدا از فضای فرهنگ مادی و با اشیای مادی و ابزار فیزیکی فرهنگ آغاز شده و سپس تأثیر آن در فضای فرهنگ معنوی دیده شود. علاوه بر آن ممکن است ابتدا فضای فرهنگ معنوی دچار تغییر شده و در ادامه، جنبه‌های مادی را متأثر کند. البته ناگفته نماند که اصالت با فرهنگ معنوی است و تأثیرگذاری آن بر جنبه‌های مادی فرهنگ، ماندگارتر و واقعی‌تر است. خداوند می‌فرماید: «خداوند سرنوشت هیچ قومی [و ملتی] را تغییر نمی‌دهد، مگر اینکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند.»<sup>۱</sup> همچنین می‌فرماید: «این، بدان سبب است که خداوند هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی‌دهد، جز آنکه آن‌ها خودشان آن را تغییر دهند.»<sup>۲</sup>

### مفهوم آسیب

آسیب به بیماری‌ها، عوارض و اختلالات درونی و بیرونی که فرهنگ را از کارکرد و اثربخشی ساقط می‌کند، گفته می‌شود. آسیب‌شناسی نیز به معنای مطالعه آسیب‌های وارد شده به جامعه و گروه‌های انسانی است. اصطلاح آسیب و آسیب‌شناسی در علوم مختلف کاربرد دارد. در عرصه فرهنگ به اموری که رنگ فرهنگی دارند و رفتار و کنش‌های اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند، مرتبط است. به گونه‌ای که اگر جلوی این آسیب‌ها گرفته نشود، آن‌ها به تدریج در فرهنگ اصیل جامعه رسوخ کرده و به مرور زمان نهادینه شده، حکم آداب و سنن حاکم بر جامعه را پیدا کرده، در نتیجه، به استحاله فرهنگی و پیدایش فرهنگ جدید می‌انجامد.

<sup>۱</sup>. رعد/۱۱.

<sup>۲</sup>. انفال/۵۳.

در این فرایند، شخص با آنچه که به‌عنوان الگو انتخاب کرده یگانه و بر ارزش‌های حاکم بر آن پایبند شده و سپس به نسل‌های آینده منتقل می‌کند. با توجه به اهمیت این مسئله است که استعمارگران می‌کوشند فرهنگ خود را نه تنها به کشورهای دیگر صادر، بلکه بر آن‌ها تحمیل نیز کنند. آن‌ها از این رهگذر در صدد هستند تا بتوانند به‌صورت نرم و آرام سایر کشورها را تحت سلطه خود درآورده، از منابع و امکانات آن‌ها به سود خود بهره بردارند.

### امکان‌سنجی آسیب فرهنگی

برای بررسی آسیب‌های فرهنگی توجه به چند نکته لازم است:

۱. فرهنگ برتر و مطلوب و آرمانی که منطبق با نیازها، سعادت و آرزوهای انسانی باشد موجود بوده و ما از آن آگاهی داریم؛ زیرا بدون وجود مدل و الگوی کامل که معیار سنجش و داوری باشد، نمی‌توانیم از آسیب سخن بگوییم.

از آن روی که اسلام دارای نظام فکری، اجتماعی و سیستمی جامع بوده و خود را ارائه‌دهنده برترین الگوی فرهنگی برای بشریت معرفی کرده، می‌توان مدل فرهنگی برتر را نظام فرهنگی مبتنی بر دین اسلام دانست که با سرشت و فطرت انسانی نیز سازگار است.<sup>۱</sup>

۲. آسیب‌ها دو دسته هستند: آسیب‌هایی که از بیرون یک نظام فرهنگی و از قلمرو بیگانه نفوذ می‌کند (آسیب‌های بیرونی)؛ و آسیب‌هایی که در درون یک فرهنگ پدید می‌آید و به تدریج، کل نظام فرهنگی را دچار تحول و دگرگونی کرده یا بخش مهمی از آن را تغییر می‌دهد (آسیب‌های درونی).

از مهم‌ترین تفاوت‌های این دو دسته آسیب، اینکه شناخت و درمان آسیب‌های درونی بسیار دشوارتر از آسیب‌های بیرونی است؛ زیرا علاوه بر آنکه دیرتر شناخته می‌شود،

<sup>۱</sup>. روم/۳۰.

از آن جهت که به رنگ فرهنگ خودی درآمده و شبیه شاخه و فرعی از همان فرهنگ درمی‌آید، طرفداران و مدافعانی را از همان آغاز با خود دارد که در برابر هرگونه مقابله، مقاومت و ایستادگی می‌کنند. در حالی که آسیب‌های بیرونی، زودتر دیده شده، کمتر موردحمایت اکثریت واقع می‌شود و در کوتاه‌مدت نیز موردپذیرش عموم واقع نمی‌شود.

## ۲. آسیب‌های فرهنگی جهان اسلام

آسیب‌شناسی و توجه به آسیب‌ها پیرامون هر حقیقت از چنان اهمیتی برخوردار است که بنا بر فرمایش امام صادق علیه السلام یکی از پایه‌های مهم دانش به‌شمار می‌رود؛ چنان‌که ایشان فرمودند: «وَجَدْتُ عُلُومَ النَّاسِ كُلِّهِمْ فِي أَرْبَعَةٍ أَوْلَاهَا أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ وَالثَّانِي أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ وَالثَّلَاثُ أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ وَالرَّابِعَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ مِنْ دِينِكَ»<sup>۱</sup> همه دانش مردم را در چهار چیز یافتن: خداشناسی، خودشناسی، وظیفه‌شناسی و آسیب‌شناسی (آنچه شخص را از دین خارج می‌کند).

پس از بازخوانی مفاهیم فرهنگ و آسیب اکنون برخی از مهم‌ترین آسیب‌هایی را که جهان اسلام را تهدید کرده و به چالش کشیده معرفی می‌کنیم. ذکر این نکته نیز لازم است که این آسیب‌ها به یکدیگر مرتبط بوده و هم‌پوشانی دارند. به عبارت دیگر، پیدایش یک آسیب باعث آشکارشدن دیگر چالش‌ها و آسیب‌ها نیز می‌شود.

### الف. جهانی‌شدن و جهانی‌سازی

برای مفهوم جهانی‌شدن - همانند مفهوم فرهنگ - شاید نتوان تعریف مشخصی را ارائه کرد. از همین رو برخی با توجه به آثار جهانی‌شدن، آن را چنین تعریف کرده‌اند: فرایندی اجتماعی که در آن حدود و قیود جغرافیایی و مرزبندی کشورها که بر روابط

<sup>۱</sup> برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۳۳.

اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده، از بین می‌رود.<sup>۱</sup> مخالفان جهانی‌شدن، این پدیده را جهانی‌سازی و یک‌شکل کردن جهان می‌شمارند. از نظر آنها این پدیده توسط بازیگران برتر جهانی برنامه‌ریزی شده و جهان را به سمت غربی‌شدن و به صورت خاص، آمریکایی‌شدن برده، باورها، ارزش‌ها و رفتارهای خود را بر سایر جوامع تحمیل می‌کند.

جهانی‌شدن تقید به یک مکان خاص و پیوند فرهنگی با آن را سست و نابود می‌کند. این عامل، با ایجاد اختلال در صور ذهنی و معنایی آن، زندگی افراد را به شکلی مؤثر و فراگیر تحت الشعاع قرار داده و هویت انسان را در ارتباط با جهانی بزرگ‌تر و با نگاه و شکل غربی آن، بازتعریف می‌کند. در نتیجه، باورها و هنجارهای او را دگرگون کرده، عادت‌ها و رفتارهای او را تغییر داده، او را با هویتی جدید و ارزش‌ها و رفتارهایی در چارچوبه فرهنگی جدید، نظام داده و هدایت می‌کند. به دنبال آن نیز، امنیت، اقتصاد، آزادی و سیاست و همه عرصه‌های دیگر زندگی انسان‌ها را زیر چتر اراده خود قرار می‌دهد.

در چنین فضایی مهم‌ترین بخش باورها، یعنی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی افراد در جوامع اسلامی که از دین نشأت گرفته بود، به دگرگونی کامل دچار شده و خداباوری جای خود را به انسان‌باوری می‌دهد؛ در نتیجه، آدمی و حیات دنیایی و مادی (حیوانی) او اول و آخر و حقیقت و پایه همه چیز شمرده می‌شود. در پی آن، باید‌ها و نبایدها، ارزش‌ها و هنجارها و رفتارهای انسان نیز بر اساس این هویت و باور شکل پیدا می‌کند. ارتباط مسلمانان با یکدیگر و هم‌گرایی و انسجام درونی آن‌ها نیز فرو پاشیده، ملاک پیوند با سایرین نه بر اساس دین اسلام و ارزش-

<sup>۱</sup>. مالکوم واترز، ۱۳۷۹، ص ۶۶.

های دینی، بلکه بر پایه منافع شخصی و گروهی، البته با رویکرد جدید (دنیای غرب) می‌گردد.

نتیجه این رویکرد، اختلاف بین جوامع اسلامی و جدایی آن‌ها از یکدیگر، تنها گذاشتن سایر مسلمانان در برابر هجمه دشمنان، وقوع انواع درگیری‌ها و جنگ و کشتارها در بین ملت‌های اسلامی از یک سو و پیدایش تبعیض و فاصله طبقاتی، مصرف‌گرایی در طبقه برخوردار، گسترش فقر و خشونت و انواع نابسامانی سیاسی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی در درون هر یک از کشورهای اسلامی، از سوی دیگر است.

### ب. تفرقه و تقابل بین مذاهب اسلامی

از آسیب‌های مهمی که بلای جان جهان اسلام شده و از دیرباز حرکت جامعه را با کندی و حتی گاه با توقف و واگرایی دچار کرده این است که مسلمانان با فراموش کردن فرمان الهی مبنی بر اعتصام به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه<sup>۱</sup> به جای آنکه همچون ید واحد در کنار یکدیگر بوده و با تقویت وحدت و همدلی، صف واحدی را در برابر دشمنان اسلام تشکیل دهند، خودی را از غیرخودی تشخیص نداده، با روی آوردن به برخی مسایل فرعی، راه نفوذ دشمن بین صفوف مسلمانان را فراهم می‌آورند. تاریخ گذشته جهان اسلام و حوادث ناگواری که صفحات تاریخ را خون‌بار و ملامال از اندوه کرده از یک سو و وضعیت کنونی آن و وقوع انواع ستیزها و نزاع‌ها و جنگ و کشتارها از سویی دیگر، گواهی روشن و عیان بر این مطلب است.

### ج. احساس حقارت و خودکمترینی

از ناامیدکننده‌ترین اتفاقی‌هایی که می‌تواند در یک جامعه رخ دهد این است که افراد آن جامعه خودشان را در برابر افراد جوامع دیگر، حقیر و پایین‌تر شمرده، با ازدست‌دادن

<sup>۱</sup>. آل‌عمران/۱۰۳.

غرور دینی و حتی غرور ملی، ارزش‌ها، رفتارها و سرمایه‌های معنوی و مادی خود را از دست بدهند.

شاید بتوان علت اصلی این حالت روحی اسفانگیز را عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی و یا کمتر توسعه‌یافتگی جوامع اسلامی برشمرد. این عارضه علاوه بر رنج‌ها و مصائب فراوانی که در جامعه پدید می‌آورد، هویت انسان را از درون آزار رسانده و خود را موجودی وازده، محتاج و درجه دو و حقیر می‌شناسد. تعلق به شبکه‌های جهانی استعمار، شالوده‌های نامتناسب سیاسی، تشکیلات نامناسب اداری، حاکمیت جمود و جهل و بی‌سوادی از علایم و ویژگی‌های این‌گونه جوامع است.

#### د. ارتداد

از هشدارهای پیشوایان معصوم و عترت پیامبر به جامعه اسلامی برای عصر غیبت، خطر و آسیب «ارتداد و برگشت از دین» بوده که با عبارات مختلفی در اخبار وارد شده است؛ مانند: «تضل الخلق عن ادیانهم»،<sup>۱</sup> «یضل فیها اقوام»،<sup>۲</sup> «یرتد فیها اقوام»،<sup>۳</sup> «ارتداد اکثر القائلین بامامته»،<sup>۴</sup> «یرجع عن هذا الامر اکثر القائلین به».<sup>۵</sup>

ارتداد به معنای رجوع و بازگشتن است. بازگشت به راهی که از آن آمده و در رجوع از امر مقدس به کار ناپسند مانند رجوع از اسلام به کفر به کار رفته است.<sup>۶</sup> از روایات پیش‌گفته می‌توان چنین برداشت کرد که ارتداد دو گونه قابل تصور است:

۱. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۷.

۲. همان، ص ۲۸۹.

۳. همان.

۴. همان، ج ۲، ص ۳۷۸.

۵. همان، ص ۳۸۵.

۶. راغب، مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۴۹.

الف) ارتداد اعتقادی؛ یعنی عده‌ای در اصل دین مرتد شده و اعتقاد خود را به اسلام از دست می‌دهند (تضل الخلق عن ادیانهم). برخی دیگر نیز هرچند به ظاهر، خود را مسلمان می‌دانند، ولی ایمان به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را از دست می‌دهند (یرجع عن هذا الأمر).

ب) ارتداد عملی؛ یعنی برخی افراد هرچند در ظاهر معتقد به اسلام و نیز ولایت و امامت امامان اهل بیت علیهم السلام هستند، اما در عمل از هواوهوس دنباله‌روی کرده و دل‌بستگی به دنیا و لذایذ و شهوات، آن‌چنان آنان را غافل کرده که در عمل ملتزم به دستورات دین و ولایت نیستند. این نوع دوری از دستورات دین، گاه به‌گونه‌ای تشدید می‌شود که اوامر دینی را ناکارآمد و مربوط به دوران گذشته می‌پندارند.

#### ه. سست شدن باورها (انحراف از معارف اسلام)

رفتارهای انسان در عرصه زندگی فردی و اجتماعی که فرهنگ او جلوه‌گر است، بر پایه باورها و اعتقاداتی است که پذیرفته و بر اساس آن برنامه‌ریزی می‌کند. برنامه‌ریزی رفتاری انسان مسلمان و جامعه اسلامی نیز که فرهنگ اسلامی حاکم بر جوامع اسلامی را شکل می‌دهد، برگرفته از آموزه‌های اصیلی است که ریشه در کتاب و سنت دارد. انحراف از آموزه‌ها و تغییر در آن‌ها به تحریف مفاهیم منجر شده و در نهایت، رفتارها را دگرگون کرده و همگام با آن راه را برای شکستن حریم الهی و نافرمانی دستورات خداوند هموارتر می‌کند. در نتیجه، انسان واجبات را ترک کرده و مرتکب محرمات می‌شود.

#### و. دنیاگرایی و نگاه اصالتی به دنیا

برخورداری از یک نوع جهان‌بینی، نقشی مهم و تعیین‌کننده در زندگی انسان‌ها دارد. نگرش به جهان و شناخت حدود آن که همراه با شناخت انسان از خویشتن است پایه و اساس ایدئولوژی و رفتار اوست. اگر انسان به این جهان با نگاه اصالتی بنگرد و

آغاز و پایان زندگی خود را در همین دنیا بداند، طبیعی است که به دنبال کسب لذت و بهره بیشتر از دنیا رفته، همه تلاش خود را در این زمینه به کار گرفته، تمامی برنامه‌های خود را در راستای تحصیل منافع بیشتر دنیوی چیدمان می‌کند. نتیجه این دیدگاه آن می‌شود که آدمی و جامعه او سراسر شهوت و فساد و تجمل‌پرستی می‌گردد. انسان با شمردن خود به‌عنوان یکی از انواع حیوانات، دیگر چیزی به نام کرامت و عزت انسانی را نمی‌شناسد. ارزش‌های اخلاقی انسان، بی‌معنا شده، دیگر حقیقتی به نام عواطف انسانی (نه حیوانی) مفهوم ندارد.

در حالی که در دیدگاه دیگر و با اصالت‌بخشی به زندگی ابدی در آخرت، انسان دنیا را مقدمه آخرت و محلی برای کاروتلاش سازنده بر اساس برنامه مشخص و تدوین‌شده، قلمداد کرده و برای نیل به آن حیات پاک، از خوشی‌های زودگذر و همراه با ناگواری‌های روحی دنیا به آسانی می‌گذرد. در این جهان‌بینی است که مفاهیمی مانند گذشت و ایثار، محبت به هم‌نوع، عزت و کرامت انسانی، چشم‌پوشی از حق خویش برای رعایت حال دیگران و... از اصول کاربردی زندگی انسان‌ها می‌شود.

### ۳. انتظار امام مهدی عج و حل مشکلات و آسیب‌ها

از جمله موضوعاتی که در اندیشه شیعی و منظومه معارف مهدوی جایگاه مهم و تعیین‌کننده‌ای دارد، انتظار دولت آرمانی و حکومت عادلانه خاتم‌الاولیاء، امام مهدی عج است. در روایات فراوانی که از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام صادر شده به انتظار و نقش مهم و کلیدی آن برای گذر از دوران آخرالزمان، عبور از وقایع اسفبار آن و رسیدن به دروازه ظهور منجی اشاره شده است.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

تأمل در روایات نشان می‌دهد حقیقت انتظار، تحرک و پویایی است. انتظار منشور سترگ و تابناک حرکت و درس مبارزه است. انتظار دیدن روزنه امید برای رهایی است. انتظار دیدن افق فردا و فرداهاست. انتظار امید به آینده است. انتظار اشتیاق رسیدن به بهترین وضع است. انتظار تلاشی برای بهتر شدن، تکامل یافتن و همیشه پویا زیستن است.

جامعه منتظر، جامعه‌ای پویا، رو به تکامل و متمایل به بهتر و انسانی‌زیستن است. فرد منتظر همیشه در حال گریز از وضع موجود و تلاش برای فردایی بهتر از امروز است. از همین جهت باید بر ضد شرور بشورد تا جامعه برای ظهور و حضور مصلح موعود آماده شود.

دوران آخرالزمان و عدم حضور آخرین خلیفه پیامبر و حجت حق، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه دوران سختی است که نه تنها شیعه و جامعه اسلامی بلکه همه مردم دین‌مدار و معتقد به منجی، در فراق موعود مهربان خود سپری می‌کنند. امید به آمدن او، دل‌ها و جان‌ها را شور و نشاط می‌بخشد و تحمل سختی‌ها و دشمنی‌ها را آسان می‌کند. این امید و آرزوی ظهور که همیشه و همه‌جا برای انسان‌های مؤمن، نجات‌بخش و راهگشا بوده، در روایات اسلامی، «انتظار» نامیده شده است. انتظاری که منتظران را به امام موعود خود وصل کرده، مرهمی بر زخم فراق ایشان است.

انتظار اکسیر ارزشمندی است که مؤمنان منتظر در دوره غیبت را آماده استقبال از ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه می‌کند و راه‌ورسم چگونه زیستن را به آن‌ها می‌آموزد.

### حقیقت انتظار و ابعاد آن

انتظار چشم‌به‌راه بودن است و این چشم‌به‌راهی با توجه به منتظر، آثار و پیامدهایی دارد. انتظار تنها یک حالت روحی و درونی نیست؛ بلکه از درون به بیرون سرایت می‌کند و حرکت می‌آفریند. به همین دلیل است که در روایات، انتظار یک عمل و بلکه

بهترین اعمال، معرفی شده است.<sup>۱</sup> بنابراین انتظار با نشستن و دست‌روی‌دست گذاشتن، نمی‌سازد؛ بلکه در حقیقت انتظار، حرکت و نشاط و شورآفرینی نهفته است. جایگاه انتظار به قدری والاست که پس از توحید و نبوت و ولایت مطرح شده است. روزی امام صادق علیه السلام به یاران خود فرمود: «آیا شما را از چیزی آگاه نکم که خداوند، بدون آن هیچ عملی را از بندگان نمی‌پذیرد؟ گواهی به یگانگی خدا و نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و اقرار به آنچه خدا امر فرموده و ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما و تسلیم شدن در برابر ایشان (امامان) و پرهیزکاری و کوشش و خویشنداری و انتظار قائم.»<sup>۲</sup>

انتظار مهدی موعود عجل الله فرجه انتظار مصلح جهانی است که ظهورش عدالت و معنویت، برادری و برابری، عمران و آبادی زمین، امنیت، صلح و شکوفایی عقل و دانش بشری را برای انسان‌ها به ارمغان می‌آورد. حاکمیت عدل جهانی موعود آخرالزمان برچیده شدن بساط استعمار و بردگی انسان‌ها و نابودی هرگونه ستم و ستمگری و رهایی جامعه از انواع فسادهای اخلاقی را به دنبال دارد.

انتظار مهدی موعود عجل الله فرجه انتظاری است که به انسان‌ها، هویت و حیات بخشیده، آن‌ها را از پوچی و بی‌هدفی نجات می‌دهد. زمینه‌های شکوفایی و رشد را در آنان خواهد شکفت و زمینه‌سازی برای ظهور را سرلوحه برنامه‌های آنان قرار می‌دهد.

انتظار مهدی موعود عجل الله فرجه در ابعاد مختلف زندگی انسان تأثیر می‌گذارد. در بُعد فکری و اندیشه‌ای، باورهای اساسی حیات آدمی را حفظ و تقویت می‌کند. در بُعد فردی، حیات روحی و روانی آدمی را به سوی کسب فضیلت‌های اخلاقی سوق می‌دهد. امام صادق علیه السلام فرمود: «...کسی که دوست دارد از یاران قائم عجل الله فرجه باشد، باید منتظر بوده و

<sup>۱</sup>. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۴.

<sup>۲</sup>. نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰.

در حال انتظار، پرهیزکاری پیشه کند و به اخلاق نیکو، آراسته شود.<sup>۱</sup> انتظار در بُعد عملی، به اعمال و رفتار انسان جهت می‌دهد تا در میدان عمل بکوشد زمینه‌های ظهور دولت حق فراهم شود. از این روی، منتظر، هم به ساختن خود و هم به سامان‌دادن جامعه همت می‌گمارد.

ویژگی مهم انتظار این است که انسان را از محدوده خود فراتر برده و او را با افراد جامعه مرتبط می‌کند. یعنی انتظار نه تنها در زندگی فردی منتظر مؤثر است، که در حوزه رابطه فرد با جامعه نیز طرح و برنامه داشته و او را به تأثیرگذاری مثبت در جامعه وا می‌دارد.

### عناصر کلیدی انتظار

انتظار مهدی موعود عجله الله فرجه عناصر و ویژگی‌هایی دارد که می‌تواند بهترین راه‌حل برون‌رفت از مصائب و مشکلات جهان اسلام به‌شمار آید. در این میان، دو عنصر، اصلی‌تر و کارآمدتر به نظر می‌آید.

الف) آینده معلوم و حتمی (امام مهدی عجله الله فرجه محور وحدت)

یکی از عوامل بسیار مهم در حفظ هویت امت اسلامی و جوامع مسلمان (علاوه بر گذشته تاریخی‌شان)، توجه به آینده پیش رو است که به‌سمت آن در حرکت هستند. آینده حتمی باعث می‌شود آنان در شناخت و حفظ هویت اسلامی خویش، جهان‌بینی و باورها و اندیشه‌های ناب و زلال برگرفته از وحی و نیز ایدئولوژی رفتاری نشأت گرفته از آموزه‌های دینی، ثابت‌قدم و استوار باشند. همچنین تلاش آنان مبنی بر آن خواهد بود که با اتحاد و همدلی نسبت به یکدیگر در راه روشن و صراط مستقیم شریعت اسلام حرکت کرده و گرفتار ایده‌ها و مکاتب انحرافی و استعماری نشوند.

<sup>۱</sup>. نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰.

انتظار تحقق مطلوب و مقصود و موعود آخرین، همیشه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را به عنوان محبوب منتظر در برابر دیدگان منتظر قرار می دهد و ضمن نصب العین قرارداد هدف برای چشم انتظاران، هویت و کیستی آنان را یادآور می شود. به راستی، وقتی موعود انبیا و آخرین خلیفه خدا در زمین، فرزند پیامبر اسلام و امام مسلمانان است و حاکم علی الاطلاق زمین و حمایت جهانی از آن امام و رهبر مسلمین است، پس فراموش کردن هویت خویشتن، تزلزل در باورها و سرسپردن در برابر غیرمسلمان چه معنایی خواهد داشت؟ دیگر اختلاف و دشمنی بین مسلمانان چه توجیهی دارد؟

باور به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه با اوصاف معرفی شده، عقیده ای است که در متن نصوص اولیه اسلامی اعلام و عنوان شده است. برحسب احادیث متواتر که شکی در تواتر و صدور آنها از پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم نیست نیز، آن بزرگوار از این ظهور خبر داده و امت خود را در انتظار آن روز بزرگ و ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه گذاشته است. این عقیده مثل سایر عقاید اصیل و اصلی اسلامی از طرف خود رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم به مردم عرضه شده و ایمان به آن حضرت، مقتضی ایمان و باور به این ظهور است.

اهل سنت و شیعه در طی اعصار و مرور قرن ها بر این اتفاق داشته و دارند که در آخرالزمان، شخصی از اولاد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و فرزندان علی و فاطمه عليهما السلام - که صفات و علاماتش در احادیث مذکور است - در هنگامی که دنیا پر از ظلم و جور شده، ظهور و جهان را پر از عدل و داد کند. همه او را هم نام و هم کنیه پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم و ملقب به مهدی عجل الله تعالی فرجه معرفی کرده اند.

شهید صدر در این باره می گوید: «به راستی اعتقاد به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به عنوان پیشوای منتظر برای تغییر جهان به عالمی بهتر، در احادیث پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم به طور عموم و به ویژه در روایات اهل بیت عليهم السلام آمده است. در روایات فراوان، به طور جدی بر این مسئله تأکید شده که جای هیچ شکی را برای انسان باقی نمی گذارد. تنها از

طرق برادران اهل سنت حدود چهارصد روایت از پیامبر ﷺ درباره حضرت مهدی ﷺ احصا و شمارش شده و بیش از شش هزار روایت برآورد گشته است. این رقم بزرگی است که در بسیاری از قضایای اسلامی بدیهی، نظیری برای آن وجود ندارد. قضایایی که معمولاً مسلمانان در آن تردید نمی‌کنند.<sup>۱</sup>

کتب روایی فراوانی از اهل سنت به احادیث امام مهدی ﷺ اشاره کرده است. از جمله صاحبان کتب سته مانند: ابن ماجه (ج ۲، ص ۱۳۶۶، ش ۴۰۸۲)، ابوداود (ج ۲، ص ۵۰۸، ش ۴۲۷۹) و ترمذی (ج ۴، ص ۵۰۴، ش ۲۲۳۰).

کنجی شافعی می‌گوید: «قد تواترت الاخبار و استفاضت بكثره روايتها عن المصطفى في امر المهدي عليه السلام؛ اخبار متواتر و مستفيض است با كثر ت روايان از پیامبر در امر مهدی علیه السلام»<sup>۲</sup>

ابن تیمیه آورده است: «أن الأحاديث التي يحتج بها على خروج المهدي أحاديث صحيحة؛ احادیثی که در مورد خروج مهدی به آنها احتجاج می‌شود احادیث صحیح است»<sup>۳</sup>

حافظ ابن حجر عسقلانی از أبو الحسن الخسعی الأبدی فی مناقب الشافعی نقل می‌کند: «تواترت الاخبار بان المهدي من هذه الامة؛ اخبار به حد تواتر دلالت دارد بر اینکه مهدی ﷺ از این امت (اسلام) است»<sup>۴</sup>

مبارکفوری می‌گوید: «و اعلم ان المشهور بين كافة من اهل الاسلام على ممر الاعصار انه لابد في آخر الزمان من ظهور رجل من اهل البيت يسمي بالمهدي؛ بدان که مشهور بین تمام مسلمانان در طول زمان‌ها این است که به‌طور حتم در

۱. صدر، بحث حول المهدي، ص ۸۳.

۲. کنجی شافعی، ص ۱۲۶.

۳. ابن تیمیه، منهاج السنه، ج ۸، ص ۲۵۴.

۴. ابن حجر، فتح الباری، ج ۶، ص ۴۹۳.

آخرالزمان، شخصی از اهل بیت ظهور خواهد کرد. او مهدی نام دارد.<sup>۱</sup>

شیخ ناصرالدین البانی وهابی می‌گوید: «ان عقیده خروج المهدی عقیده ثابتة متواترة عنه صلى الله عليه وآله يجب الايمان به لانها من امور الغيب و الايمان بها من صفات المتقين؛ همانا عقیده به خروج مهدی صلى الله عليه وآله عقیده‌ای ثابت و متواتر از پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله بوده که ایمان به آن واجب است؛ زیرا این عقیده از اموری است که ایمان به آن در قرآن، از صفات پرهیزکاران شمرده شده است.»<sup>۲</sup>

(ب) وظایف و برنامه‌ها

انتظار ظرفیت و توانایی فراوانی برای تحقق جامعه آرمانی اسلام ایجاد می‌کند و رفتارها و برنامه‌ها را بدان سمت سوق می‌دهد. اگر مفهوم انتظار به درستی فهمیده شود، معلوم می‌گردد که بین انتظار موعود و حیات پویا و ظلم‌ستیزی و ریشه‌کنی فساد از زمین، ملازمه وجود دارد. روایات فراوانی که فضیلت انتظار و مقام منتظران را بیان می‌کند، این تصویر زیبا را ارائه کرده است. در پرتو انتظار موعود، حرکت‌های اصلاحی شکل می‌گیرد و به برکت آن، حیات انسانی، مفهوم و جایگاه الهی خود را پیدا کرده و بشر را به سوی اهداف والای انسانی به پیش می‌برد.

امت اسلامی که منتظر و چشم‌به‌راه ظهور و قیام جهانی نجات‌دهنده بزرگ و موعود امت‌ها بوده، بایسته است در ابعاد مختلف، این انتظار و آمادگی خود را نشان دهد. البته مرحله نخست «انتظار سازنده»، باور به وجود منجی و اعتقاد به ظهور او و برپاداشت انقلاب جهانی به دست او است. سپس نوبت به اصلاح و هم‌سوسازی رفتارها، گفتارها و پندارها با این اعتقاد و باور است. وقتی انسان حقیقتاً منتظر کسی باشد، تمام رفتارها و سکناش نشان از منتظر بودن او دارد. به‌عنوان مثال اگر منتظر

<sup>۱</sup> مبارکفوری، ج ۶، ص ۴۰۱.

<sup>۲</sup> البانی، مجله التمدن الاسلامی، ش ۲۲، ص ۶۴۳.

مهمان باشد، بی‌شک خانه را تمیز و مرتب می‌کند. وسایل پذیرایی را آماده کرده، با لباس مرتب و چهره‌ای شاداب در انتظار می‌ماند. چنین کسی می‌تواند ادعا کند که منتظر مهمان است.

بعضی از بایسته‌ها و وظایف منتظران مهدی موعود عجله الله تعالی فرجه له را چنین می‌توان برشمرد:

## یک. وظایف فردی و اخلاقی

### ۱-۱. سنخیت با موعود

منتظران واقعی، وضعیت فکری، روحی و عملی خود را به گونه‌ای سامان می‌بخشند که با امام مهدی عجله الله تعالی فرجه له و موعود الهی سنخیت داشته باشد. به طور کلی هر انسانی دارای سه مرتبه وجودی (افکار، صفات و اعمال) است و هیچ انسانی از این قاعده مستثنا نیست. اگر کسی بخواهد به انسان دیگری نزدیک شود، چاره‌ای ندارد جز اینکه بکوشد نوع اعتقاد، باورها، صفات و رفتار خود را به ایشان نزدیک سازد تا از این طریق همراه و پیرو واقعی او باشد.

### ۱-۲. پرهیزکاری و تزکیه نفس

یکی از وظایف و بایسته‌های مهم منتظران، آراستن درون با فضایل انسانی و چنگ زدن به مکارم اخلاقی است. یعنی، همان‌طور که قرآن می‌فرماید: «اگر می‌خواهید محبوب خدا باشید، تقوای پیشگی کنید»<sup>۱</sup> این قانون در مورد حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه له نیز برقرار است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «برای صاحب‌الامر، غیبتی طولانی است؛ در آن دوران هرکس باید تقوا پیشه سازد و به دین خود چنگ زند»<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>. آل عمران/۷۶.

<sup>۲</sup>. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵.

### ۳-۱. یاد منتظر

منتظر حقیقی، کسی است که از یاد و نام محبوب خود غافل نمی‌شود و پیوسته در فکر و اندیشه او به سر می‌برد. روایت شده وقتی امام موسی بن جعفر علیه السلام از امام غایب و نعمت باطنی خدا یاد کرد، فردی پرسید: آیا از امامان کسی غایب می‌شود؟ فرمود: «نعم یغیبُ عن أبصارِ النَّاسِ شَخْصُهُ و لا یَغیبُ عن قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ ذِکْرُهُ و هو الثَّانِی عَشْر مَنَّا؛ بله، شخص او از نگاه‌های مردم غایب می‌شود؛ ولی یاد او از دل‌های مؤمنان پنهان نمی‌شود و او دوازدهمین نفر از ما است.»<sup>۱</sup>

### ۴-۱. اظهار محبت و مودت

یکی از اوصاف منتظران و شیعیان خالص امام زمان عجل الله فرجه مهرورزی و محبت سرشار به آن حضرت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره لزوم دوستی حضرت مهدی عجل الله فرجه می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ یَلْقَى اللّٰهَ و قد کَمَلَ اِیْمَانُهُ و حَسَنَ اِسْلَامُهُ فَلِیَتَوَلَّ الحُجَّةَ صاحب الزمان المنتظر؛ هرکس دوست دارد خدا را ملاقات کند در حالی که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد، پس باید دوست‌دار حضرت حجّت، صاحب‌الزمان منتظر باشد.»<sup>۲</sup>

### ۵-۱. صبر و بردباری

در روایات زیادی توصیه به صبر و بردباری در دوران غیبت شده و برای منتظران صابر، پاداش‌ها و ثواب‌های زیادی بیان شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «من دین الائمه الورع و العفة و الصلاح و انتظار الفرج بالصبر؛ از آیین امامان تقوا،

<sup>۱</sup> همان، ج ۵۱، ص ۱۵۰.

<sup>۲</sup> مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۹۶.

عفت، صالح بودن و انتظار فرج با صبر و شکیبایی است.<sup>۱</sup> همچنین روایت شده است: «کسی که منتظر امر ما (ظهور مهدی) باشد و بر آنچه در این راه از آزار و ترس و وحشت می‌بیند، صبر کند، فردا (روز رستاخیز) در جرگه ما خواهد بود.»<sup>۲</sup>

## دو. وظایف دینی و اعتقادی

### ۱-۲. ثبات قدم در دین‌داری

پیروی از فرامین الهی، پافشاری بر شاخص‌های زندگی سالم، اجرای حدود الهی، حق‌مدار بودن، تقویت ایمان و اعتقاد و داشتن ثبات قدم در دین‌داری، گرفتارنشدن در دام بدعت‌ها و انحرافات و... از بایسته‌های اساسی دوران قبل از ظهور است. رسول خدا ﷺ فرمود: «سوگند به آنکه مرا به حق برانگیخت! فرزند به‌پاخاسته من، غایب خواهد شد... پس هرکه روزگار غیبت وی را درک کند بر ریسمان محکم دین خدا چنگ زند و بر ابلیس خبیث راهی نگشاید که با افسون شک و تردید، او را از آیین من، دور و از دین من بیرون سازد.»<sup>۳</sup>

### ۲-۲. شناخت و معرفت امام

یکی از وظایف و بایسته‌های مهم منتظران، شناخت امام موعود عجل الله تعالی فرجه است. شناخت امام به‌حدی ضرورت دارد که در روایات معتبر شیعه و سنی چنین آمده است: «هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است» (زهادت). این معرفت، هم شامل نام و نسب، هم اوصاف و ویژگی‌ها و هم اهداف و برنامه‌ها می‌شود.

<sup>۱</sup>. همان، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

<sup>۲</sup>. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۷.

<sup>۳</sup>. شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداء، ج ۴، ص ۷۳.

### سه. وظایف سیاسی و اجتماعی منتظران

عرصه سیاست و اجتماع مهم‌ترین میدان بروز و ظهور بایسته‌های انتظار و مؤثرترین زمینه در جهت جلوگیری از آسیب‌های دوران قبل از ظهور موعود است. توجه به بایسته‌ها و وظایف سیاسی و اجتماعی مردم در جوامع اسلامی عبارت است از:

#### ۱-۳. حق‌خواهی و حق‌مداری

تاریخ، صحنه حضور و نزاع دو گروه حق و باطل و دو اندیشه طغیان‌گری و حق‌گرایی است: راه حق و صلاح، راه پیامبران و صالحان با محوریت ایشان؛ و راه باطل و کفر، راه شیاطین و سردمداران زر و زور و تزویر، با محوریت طواغیت. با ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه جهان شاهد مصاف نهایی حق و باطل و پیروزی و غلبه حق به رهبری آن حضرت خواهد بود.

انتظار، انسان مؤمن و مسلمان را در مسیر حق‌مداری قرار می‌دهد. منتظری که طالب ظهور موعود است، نه تنها حق‌خواه بوده و از راه باطل اجتناب می‌کند، بلکه تلاش می‌کند دیگران نیز در این مسیر حرکت کنند تا فضای جامعه اسلامی را عطر حقیقت‌مداری فرا گیرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این زمینه می‌فرماید: «لا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ؛ گروهی از امت من همواره حق را آشکار می‌کنند تا فرمان خدا (امر ظهور) فرا رسد.»<sup>۱</sup>

#### ۲-۳. اتحاد و همدلی

مهم‌ترین چیزی که در دوران آخرالزمان و عصر پیش از ظهور، رعایت آن بر هر مسلمان طالب ظهور واجب است، حفظ یکپارچگی و اتحاد مسلمانان و پای‌بندی

<sup>۱</sup> مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۸.

ایشان به فرمان خداوند مبنی بر اعتصام به حبل الهی و عدم تفرقه است.<sup>۱</sup> انتظار موعود حرکت و رفتار مسلمانان را در راستای تحقق جریان مبارک ظهور شکل می- دهد تا زمینه مناسب برای فرایند ظهور رقم بخورد.

### ۳-۳. رعایت حقوق دیگران

از مهم‌ترین امور در زندگی محبّان و منتظران قائم عجل الله فرجه رعایت حقوق برادران و مسلمانان و کمک به آنان است. انسان منتظر، نمی‌تواند به‌گونه‌ای زندگی کند که نسبت به حقوق دیگران بی‌تفاوت بوده و در عین حال خود را دوست‌دار و منتظر مهدی موعود بداند. به همین جهت امام صادق علیه السلام وظایف شیعیان را در رابطه با برادران مسلمان خود، چنین معرفی می‌کند: «آنچه را برای برادر مسلمانان دوست بدار که برای خودت دوست می‌داری. از خشمگین کردن برادر مسلمان دوری کنی و آنچه را که مورد رضایتش است، انجام دهی و اوامرش را اطاعت کنی. چشم و راهنما و آینه او باشی و... وقتی چنین کردی، دوستی خود را به دوستی او و دوستی او را به دوستی خود پیوند داده‌ای.»<sup>۲</sup>

در روایتی آمده است گروهی از شیعیان خدمت امام محمد باقر علیه السلام رسیده و از ایشان درخواست نصیحت کردند. حضرت فرمود: «از میان شما آنکه نیرومند است، ضعیف را یاری کند و آنکه بی‌نیاز است با نیازمندان مهربانی ورزد و هر یک از شما درباره دیگری خیرخواهی کند... اگر شما چنین بودید که به شما سفارش کرده‌ایم و از این حدود تجاوز نکنید و پیش از ظهور قائم ما کسی از شما بمیرد، شهید از دنیا رفته است.»<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>. آل‌عمران/۱۰۳.

<sup>۲</sup>. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۶۹.

<sup>۳</sup>. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

## نتیجه

به صورت کلی می توان چنین گفت که والاترین هدیه الهی به مردم، آیین کامل، جامع و مقدس اسلام بود که نقشه راه زندگی انسانی در عرصه های مختلف و ابعاد گوناگون وجودی او به ویژه فرهنگ انسان زیستی را دربر دارد. اما متأسفانه امت اسلامی قدر این گوهر ارزشمند را ندانسته، دچار آسیب های مختلفی شده اند.

ما در این نوشتار ضمن اشاره به مفاهیم فرهنگ و آسیب به برخی از مهم ترین آسیب ها در بخش فرهنگی مانند: هضم شدن در پروسه جهانی شدن و جهانی سازی، تفرقه و تقابل بین مذاهب اسلامی، احساس حقارت و خودکمترینی، ارتداد، سست شدن باورها (انحراف از معارف اسلام)، دنیاگرایی و نگاه اصالتی به دنیا اشاره کردیم.

در ادامه، آموزه انتظار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را به عنوان مهم ترین راه برون رفت از آسیب های دوران قبل از ظهور معرفی کردیم. همچنین ضمن تعریف انتظار و بازخوانی ابعاد آن به دو عنصر کلیدی انتظار یعنی: آینده معلوم و حتمی و وظایف و برنامه ها پرداخته و با معرفی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به عنوان محور وحدت امت اسلامی، بخشی از وظایف مردم و جوامع اسلامی در راستای فرهنگ انتظار را مورد بررسی قرار دادیم.

## منابع

۱. آشوری، داریوش، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، آگاه.
۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنه النبویه، تحقیق: سالم، محمد رشاد، مؤسسه قرطبه، چاپ اول، ۱۴۰۶.
۳. العسقلانی الشافعی، احمد بن علی بن حجر أبو الفضل، فتح الباری شرح صحیح البخاری، تحقیق: العسقلانی الشافعی، احمد بن علی، دارالمعرفه، بیروت، ۱۳۷۹.
۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقیق: محدث، جلال الدین، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۱.
۵. شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداء بالنصوص و المعجزات، اعلمی، بیروت، ۱۴۲۵.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: داودی، صفوان عدنان، دارالقلم، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۲.
۷. روح الامینی، محمود، زمینه فرهنگ‌شناسی تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی، عطار.
۸. زهادت، عبدالمجید، حدیث معرفت.
۹. سایت مقام معظم رهبری.
۱۰. السجستانی الأزدی، سلیمان بن الأشعث أبو داود، سنن أبی داود، تحقیق: عبدالحمید، محمد محیی‌الدین، دارالفکر، بیروت.
۱۱. صدر، سید محمد باقر، بحث حول المهدي، تحقیق: شراره، محمد جواد، الغدير، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۱۷.
۱۲. صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تحقیق و تصحیح: غفاری، علی‌اکبر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳.

۱۳. -----، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق و تصحیح: غفاری، علی اکبر، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق و تصحیح: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷.
۱۵. گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه: صبوری، منوچهر، نشر نی.
۱۶. مالکوم واترز، جهانی شدن، ترجمه: مردانی گیوی، اسماعیل و مرنندی، سیاوش، سازمان مدیریت، تهران، ۱۳۷۹.
۱۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳.
۱۸. الترمذی السلمي، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح سنن الترمذی، تحقیق: شاکر، أحمد محمد وآخرون، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
۱۹. القزوينی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق: عبدالباقی، محمد فؤاد، دارالفکر، بیروت.
۲۰. کنجی شافعی، محمد بن یوسف، البیان فی اخبار مهدی صاحب الزمان.
۲۱. المبارکفوری، أبوالعلا محمد عبدالرحمن بن عبدالرحیم، تحفه الأحوذی بشرح جامع الترمذی، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۲۲. معینی، جهانگیر، نظریه و فرهنگ، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۳. نعمانی، ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تحقیق و تصحیح: غفاری، علی اکبر، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷.



## شاخصه‌های سیاسی فرهنگ مهدوی

ابالحسن قاسم فام<sup>۱</sup>

### چکیده

هر فرهنگی دارای ابعاد و شاخصه‌هایی است که آشنایی با آن‌ها، برای شناخت دقیق و عمیق آن فرهنگ، ضروری به نظر می‌رسد. این شاخصه‌ها قابل تقسیم به محورهای متعددی مانند اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... است. فرهنگ مهدوی نیز مستثنا از این مطلب نبوده و برای شناخت جامع و کامل آن، نیاز به کنکاش و توجه ویژه است. یکی از فضاهاهایی که می‌شود در آن وارد شد و از آن طریق به تبیین فرهنگ مهدوی کمک کرد، پرداختن به ابعاد و شاخصه‌های سیاسی آن است. بدان معنا که در عصر ظهور، حضرت با چه مکانیسمی بساط ظلم و جور را برچیده و بساط عدل و داد را خواهد گسترانید. ویژگی‌های حکومت مهدوی چه خواهد بود؟ همچنین با تأسی به خصوصیات سیاسی حکومت مهدوی، در عصر انتظار چه باید کرد و حکومت‌ها در این دوره از چه شاخصه‌هایی باید برخوردار باشند؟ در این مقاله به ۲۶ شاخصه سیاسی فرهنگ مهدوی اشاره شده است. این نوشتار، رویکردی سیاسی - اجتماعی داشته و روش به‌کاررفته در آن، روش تحلیلی و نقلی است.

واژگان کلیدی: امام مهدی علیه السلام، فرهنگ، فرهنگ مهدوی، شاخصه‌های سیاسی، حکومت.

<sup>۱</sup>. دانش پژوه سطح ۴ مهدویت گرایش سیاسی اجتماعی مرکز تخصصی مهدویت قم؛

توجه به فرهنگ مهدوی به‌عنوان فرهنگ حاکم در عصر ظهور و فرهنگ الگو و سرمشق در عصر انتظار، امری مهم است. چراکه علقه انسان منتظر را به مطلوبش که امام معصوم باشد تنگاتنگ می‌کند. در آن وقت است که تا حدودی می‌فهمد امام کیست و امامت چیست؟ لازمه حصول این معرفت، توجه به ابعاد مختلف آن است. ولی از آنجا که پرداختن به همه ابعاد فرهنگ مهدوی، مجال بیشتری می‌طلبد، در این نوشتار تنها به شاخصه‌های سیاسی آن اشاره می‌گردد. البته در این زمینه، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که هر کدام به‌نوبه خود، درخور تحسین است؛ مانند: کتاب «آسیب‌شناسی جامعه منتظر در آینه روایات» نوشته فرج‌الله عباسی، کتاب «آرمان‌شهر مهدوی در اندیشه سیاسی اسلامی» نوشته محمد سلمان، کتاب «آرمان‌شهر صاحب‌الزمان» نوشته حسین مجدی و... ولی امتیاز پژوهش حاضر آن است که در شمردن این شاخصه‌ها اهتمام زیاد بر آن بوده که به شاخصه‌های متعدد اشاره شود.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### الف) فرهنگ

واژه فرهنگ از جمله واژه‌ها و مفاهیم علوم اجتماعی و انسانی است که با وجود کاربرد بسیار، اتفاق‌نظر چندانی بر سر تعریف آن وجود ندارد. تاکنون بیش از ۲۷۰ تعریف از فرهنگ ارائه شده است.<sup>۱</sup> فرهنگ در لغت عبارت است از: «دانش، ادب، علم و آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت»<sup>۲</sup> یا «مجموعه آداب و رسوم».<sup>۳</sup> اصطلاح

۱. ابوالقاسمی، به‌سوی توسعه فرهنگ دینی در جامعه ایران، ص ۱۸.

۲. عمید، فرهنگ عمید، ص ۸۷۲.

۳. معین، فرهنگ معین، ج ۲، ص ۲۵۳۸.

فرهنگ نیز دارای تعریف‌های گوناگونی است. عمومی‌ترین تعریفی که از فرهنگ ارائه شده، تعریف «ادوارد بارنت تایلور» است.<sup>۱</sup> او فرهنگ را کلیت درهم‌تافته‌ای تعریف کرده که شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات و هرگونه توانایی و عادت است که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد.<sup>۱</sup> در جای دیگر چنین گفته شده است: «فرهنگ مجموعه‌ای کیفی شامل ارزش‌ها، فرآورده‌های هنری، مذهبی، فلسفی و تجلیات فکری، ذوقی و عاطفی است که ضامن حیات جوامع انسانی و تمدن بشری است.»<sup>۲</sup> بنا بر تعریف برخی دیگر، فرهنگ به مجموعه باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادها گفته می‌شود که افراد انسانی در طول سالیانی طولانی بدان دست یافته و آن را از نسلی به نسل دیگر انتقال داده‌اند.<sup>۳</sup> با توجه به تعاریف مختلفی که برای فرهنگ ارائه شده است، می‌شود آن را چنین نیز تعریف کرد: «فرهنگ، جریان یا نظام قانونمند و هدف‌داری متشکل از باورها، ارزش‌ها و هنجارها در شخصیت درونی ماست که محصول انتخاب ما بوده و ما با آن مانوسیم و شأنت دارد که بایدها و نبایدهای زندگی ما را تعریف کند.»

نکته حائز اهمیت در اینجا آن است که وقتی صحبت از فرهنگ می‌شود، آن را دو گونه می‌توان لحاظ کرد: یکی فرهنگ آرمانی و مطلوب که بر ارزش‌های معنوی و آموزه‌های اعتقادی هر جامعه منطبق است. دیگری فرهنگ موجود، که با فرهنگ آرمانی فاصله بسیار دارد.<sup>۴</sup> فرهنگ آرمانی، آن است که الگوهای رفتاری آشکار و

<sup>۱</sup> متقی‌زاده، آسیب‌شناسی فرهنگ مهدوی در عصر جهانی شدن، ص ۱۲۶.

<sup>۱</sup> آشوری، تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ، ص ۷۱.

<sup>۲</sup> پهلوان، فرهنگ‌شناسی (گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن)، ص ۷۳.

<sup>۳</sup> متقی‌زاده، آسیب‌شناسی فرهنگ مهدوی در عصر جهانی شدن، ص ۱۲۶.

<sup>۴</sup> همان، ص ۱۲۷.

رسماً تأییدشده را دربر می‌گیرد. در حالی که فرهنگ موجود، آن چیزی است که عملاً بر جامعه حاکم است.<sup>۱</sup>

## ب) فرهنگ مهدوی

در یک نگاه کلی، فرهنگ مهدویت به معنای مجموعه‌ای از دانش‌ها، آداب و علوم مربوط به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه است.<sup>۲</sup> به عبارتی دیگر، فرهنگ مهدویت به مجموعه‌ای از نگرش‌ها و ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به ظهور منجی موعود از سلاله پاک پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله وسلم اطلاق می‌شود. بنابراین، فرهنگ مهدویت ریشه در تاریخ بشر دارد و تمامی ادیان الهی از همان آغاز، منادی ظهور منجی موعود بوده‌اند.<sup>۳</sup> با توجه به دو گونه‌ای که برای فرهنگ ذکر شد، فرهنگ مهدوی را نیز می‌توان در قالب دو برداشت اصلی بررسی کرد:

نوع اول فرهنگ مهدوی، فرهنگ آرمانی است که در عصر ظهور، توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه بر مبنای باورها و ارزش‌های حقیقی اسلام در جامعه جهانی تحقق خواهد یافت. بنابراین، یک فرهنگ دینی جهان‌شمول و آرمانی را شکل می‌دهد. اما نوع دوم آن، ذیل عنوان «فرهنگ انتظار» قابل ترسیم است. فرهنگ انتظار، فرهنگی است که در عصر غیبت امام شکل می‌گیرد. چنین فرهنگی بر محور همان باورهای زیربنایی و با الگوگیری از چشم‌انداز آرمانی «فرهنگ مهدوی» تحقق می‌یابد.<sup>۴</sup>

منظور ما از فرهنگ مهدوی در این نوشتار، فرهنگی است که جامع هر دو گونه آن باشد. بنابراین، فرهنگ مهدویت مجموعه‌ای از آیین‌های اعتقادی، اخلاقی، رفتاری،

<sup>۱</sup>. کوئن، مبانی‌شناسی، ص ۶۲.

<sup>۲</sup>. درویشی، تأثیر متقابل دفاع مقدس و فرهنگ مهدویت، ص ۱۷۳.

<sup>۳</sup>. بهروزی لک، سیاست و مهدویت، ص ۵۳.

<sup>۴</sup>. متقی‌زاده، آسیب‌شناسی فرهنگ مهدوی در عصر جهانی‌شدن، ص ۱۲۷.

مدیریتی، معرفتی و فقهی است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بر پایه وحی الهی برای هدایت انسان به ارمغان آورده و در طول دو قرن و نیم امامت اوصیای برحق او که عالمان ربانی و مخصوص الهی‌اند، تبیین، تشریح و تفسیر شده است. در نهایت نیز به وجود مقدس نورانی حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ فَرَجَهُ منتهی می‌گردد. در دوران غیبت صغرا به وسیله سفیران چهارگانه آن حضرت با هدایت و رهبری آن ذخیره عدل الهی جریان یافته است. در دوران غیبت کبرا نیز منتظران، انتظار خود را در آن چارچوب پی‌ریزی و تعریف می‌کنند.<sup>۲</sup>

### ج) شاخصه سیاسی

«شاخصه» از ماده «شخص» (بر وزن خلوص) در اصل به معنای خارج شدن از منزل یا خارج شدن از شهری به شهر دیگر است. از آنجا که هنگام تعجب و خیره شدن چشم، گویی می‌خواهد چشم انسان بیرون بیاید، به این حالت نیز شخص گفته شده است. این حالت، حالتی است که در محشر به گنهکاران دست می‌دهد. آن‌چنان خیره می‌شوند که گویی چشم‌هایشان می‌خواهد از حدقه بیرون بیاید.<sup>۳</sup>

مفهوم سیاست نیز به مفهوم «عمل اخذ تصمیم و اجرای آن برای کل جامعه<sup>۱</sup>» یا «تدابیری که حکومت به منظور اداره امور کشور اتخاذ می‌کند»<sup>۲</sup> گفته می‌شود.

بنابراین، شاخصه‌های سیاسی یک چیز یعنی ویژگی‌های آشکار و روشن آن در مقام تصمیم‌گیری و اجرا یا در مقام تدبیر امور.

<sup>۱</sup>. ر.ک: جعفری، راه‌های گسترش و تعمیق فرهنگ مهدویت در خانواده، ص ۱۵.

<sup>۲</sup>. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۰۴.

<sup>۱</sup>. بشیریه، آموزش دانش سیاسی، ص ۲۶.

<sup>۲</sup>. آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۳۰۴.

## ۲. شاخصه‌های سیاسی فرهنگ مهدوی

با توجه به مطالب پیشین، مراد ما از شاخصه‌های سیاسی فرهنگ مهدوی، خصوصیات بارز و آشکار فرهنگ مهدوی در دوران ظهور یا انتظار، در عرصه تدبیر، تصمیم‌گیری و اجراست. نمونه‌هایی از این شاخصه‌ها عبارت است از:

### ۱،۲ تولی و تبری

از شاخصه‌های سیاسی فرهنگ مهدوی، دوستی با دوستان خدا و برائت از دشمنان خداوند است. این شاخصه، فراتر از مرزها است. امروزه منتظران ظهور، دوستان خدا را در هر مکانی که زندگی می‌کنند باید مورد تأیید و دشمنان خدا را مورد تبری قرار دهند. امام باقر علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَ يَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَ يُعَادِي أَعْدَاءَهُ ذَلِكَ مِنْ رُفَقَائِي وَ ذَوِي مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»<sup>۳</sup> خوشا بر احوال کسی که قائم اهل بیت مرا ادراک کرده و در غیبت و پیش از قیامش پیرو او باشد. دوستانش را دوست بدارد و با دشمنانش دشمن باشد. چنین کسی در روز قیامت از رفقا و دوستان من و گرامی‌ترین امت من خواهد بود.<sup>۴</sup>

البته تبری به این معنا نیست که حکومت‌های اسلامی در عصر انتظار با همه دولت‌ها و ملت‌های غیراسلامی قطع رابطه کرده و هیچ‌گونه معاشرت و دادوستدی با آنان نداشته باشند. مهم آن است که هم‌زمان با رفت و آمد و معامله با آنان، روح تبری را در خود حفظ کرده و آنچه را که حقیقتاً منافی با تبری است مرتکب نشوند. تولی و تبری

۳. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ب ۲۵، ص ۲۸۶، ح ۲.

۴. عباسی، آسیب‌شناسی جامعه منتظر در آینه روایات، ص ۱۵.

دو آموزه شاخص از آموزه‌های اسلامی در زمینه روابط مسلمانان با همدیگر و با غیرمسلمانان است که می‌توان از آن دو به‌عنوان دکترین اسلامی در روابط اجتماعی - سیاسی با همدیگر و غیرمسلمانان تعبیر کرد. در ضرورت پرداختن به این مسئله همین بس که اگر تولی و تبری در سیاست اجتماعی به کار گرفته شود، می‌تواند مسائل اجتماعی مسلمانان را در داخل جامعه اسلامی در رابطه با دیگر حکومت‌ها و جامعه‌ها متناسب با آرمان اسلامی سامان دهد و بسیاری از گرفتاری‌های اجتماعی کنونی مسلمانان را اصلاح کند.

## ۲.۲ نفوذناپذیری در برابر دشمنان

خداوند متعال درباره صفات مؤمنان می‌فرماید: «أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ»<sup>۱</sup> آن‌ها بر کافران سخت گیرند.»

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید: «جمله «أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» کنایه از این است که اولیای خدا خود را بزرگ‌تر از آن می‌دانند که اعتنایی به عزت کاذب کفار کنند. کفاری که اعتنایی به امر دین ندارند. همچنان که خدای تعالی پیامبر خود را همین‌طور ادب کرده و به وی فرموده است: «لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ»<sup>۲</sup> [بنابراین] هرگز چشم خود را

<sup>۱</sup>. مائده/۵۴.

<sup>۲</sup>. حجر/۸۸.

به نعمت‌های [مادّی] که به گروه‌هایی از آن‌ها [کفّار] دادیم، می‌فکن! و به خاطر آنچه آن‌ها دارند، غمگین مباش! و بال [عظوفت] خود را برای مؤمنان فرود آر!»<sup>۳</sup>

بنابراین افراد جامعه منتظر باید مراقب باشند که دشمنان با فتنه‌انگیزی در آن‌ها نفوذ نداشته باشند و با بهانه‌های فریبنده به اسلام ضربه نزنند.<sup>۴</sup> ایمان، موجب عزت و نفوذناپذیری انسان در برابر دشمنان می‌شود. اگر جایی برای نفوذ دشمنان و شیاطین در خود قرار داده‌ایم، برای این است که از نظر ایمانی، کوتاهی صورت گرفته است. مؤمن هیچ‌گاه راه نفوذ دشمن را برای خود ایجاد نمی‌کند. حکومت موظف است با ترویج مفاهیم و مبانی دین اسلام و قرآن، استحکام و نفوذناپذیری خود را در برابر دشمنان نشان دهد.

### ۳،۲ وحدت و انسجام

وحدت و انسجام در زندگی و کار از ارزش‌های انسانی و از رموز کامیابی است. انسان‌های موفق برنامه داشته و بر اساس اصول مشخص، حرکت می‌کنند. انقلاب‌های رهایی‌بخش و سازمان‌یافته، کمتر با شکست روبه‌رو می‌شوند. انسجام بایستی شاخصه اساسی جامعه منتظر باشد. امام صادق علیه السلام اصحاب امام زمان علیه السلام را این‌گونه می‌ستاید: «كَانَ قُلُوبُهُمْ زَبْرَ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ أَشَدَّ فِي ذَاتِ اللَّهِ مِنَ الْحَجَرِ لَوْ زَا حَمُوا الْجِبَالَ لِأَزَالُوهَا!»<sup>۱</sup> گویا قلب‌هایشان آهن فولادین است که تردیدی در آن‌ها راه ندارد. در راه خدا از سنگ محکم‌ترند و اگر کوه‌ها مانعشان شوند، آن‌ها را از راه برمی‌دارند.

<sup>۳</sup> موسوی همدانی، ترجمه میزان، ج ۵، ص ۶۳۳.

<sup>۴</sup> عباسی، آسیب‌شناسی جامعه منتظر در آینه روایات، ص ۱۶-۱۷.

<sup>۱</sup> نیلی نجفی، سرور اهل‌الایمان فی علامات ظهور صاحب‌الزمان علیه السلام، ص ۹۶-۹۷.

در روایتی دیگر آمده است: «كأنما رباهم اب واحد و ام واحدة قلوبهم مجتمعة بالمحبة و النصيحة»<sup>۲</sup> گویا یک پدر و مادر آنان را پروریده‌اند. دل‌های آنان از محبت و خیرخواهی به یکدیگر آکنده است.»<sup>۳</sup>

## ۴,۲ شایسته‌سالاری

در دولت حق، هر صاحب حقی از حق خود بهره‌مند می‌شود و ناحقان، قدرت و نفوذی ندارند. کسی به دلیل ثروت انبوه یا نزدیکی و نسبت با حاکمان، چیزی را مالک نمی‌شود. تمام توان در دست اهل آن است. وقتی چنین بود، دیگر مانعی برای بیان حق نیست؛ زیرا هنگامی که افرادی به ناحق چیزی را تصاحب می‌کنند، برای آنکه موقعیتشان به خطر نیفتد اجازه نمی‌دهند حق آشکار شود. پس برای آنکه بتوان حق را در جامعه مطرح کرد باید اول دست کسانی را که حقی ندارند کوتاه کرد. بیشترین همت جامعه زمینه‌ساز باید شایسته‌سالاری باشد. باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی و عمل شود که کسی از حق خود محروم نماند و کسی نیز به ناحق مالک و حاکم چیزی نگردد.

این را می‌توان از روایاتی به دست آورد که بیانگر نوع حکومتی از عدل الهی است که توسط بقیه‌الله عجل الله فرجه عملی خواهد شد. چراکه چنین روایاتی تنها ناظر به حکومت عصر ظهور نیست؛ بلکه برای عصر غیبت نیز این پیام را دارد که بایستی جامعه منتظر نیز در این مسیر حرکت کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «و يَرُدُّ اللَّهُ الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهِ فَيُظْهِرَ حَقِّي لَأَيُّسَرُ بَشِيءٍ مِنْ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ»<sup>۱</sup> خداوند حق را به اهلس

<sup>۲</sup> یزدی حائری، الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۶۵.

<sup>۳</sup> عباسی، آسیب‌شناسی جامعه منتظر در آیینه روایات، ص ۱۷.

<sup>۱</sup> کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۴، باب نادر فی حال الغیبه، ج ۲.

برمی‌گرداند. همین عامل باعث آشکارشدن حق می‌شود؛ طوری که دیگر چیزی از حق از ترس کسی مخفی نمی‌شود.»<sup>۲</sup>

## ۵,۲ موضع‌گیری در برابر بدعت‌ها

از شاخصه‌های مهم جامعه عصر ظهور و نیز جامعه منتظر، مبارزه با بدعت‌هاست؛ چه بدعت در اصل دین و چه بدعت‌های مربوط به مهدویت و انتظار. اهمیت موضع‌گیری درباره بدعت از آنجا روشن‌تر می‌گردد که در روایات، یکی از صفات بارز حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ازین برنده بدعت شمرده شده است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«فَلَا يَتْرُكُ بَدْعَةً إِلَّا أزالَهَا وَ لَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا»<sup>۳</sup> با ظهور آن حضرت هر بدعتی که به وجود آمده باشد از بین خواهد رفت و همه سنت‌ها برپا می‌شود.»

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در نکوهش بدعت فرموده‌اند: «وَمَا أُحْدِثَتْ بَدْعَةٌ إِلَّا تُرِكَ بِهَا سُنَّةٌ فَاتَّقُوا الْبِدْعَ»<sup>۴</sup> هیچ بدعتی در دین ایجاد نمی‌شود مگر آنکه سنتی ترک گردد؛ پس از بدعت‌ها بپرهیزید.»

اهمیت مبارزه با بدعت‌ها تا آنجاست که اهل بیت علیهم السلام دستور قتل بدعت‌گذاران را صادر می‌کرده‌اند: «أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام أَهْدَرَ مَقْتَلَ فَارِسِ بْنِ حَاتِمٍ - وَ ضَمِنَ لِمَنْ يَقْتُلَهُ الْجَنَّةَ فَقَتَلَهُ جُنَيْدٌ - وَ كَانَ فَارِسٌ فِتْنَانًا يَفْتِنُ النَّاسَ وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى الْبِدْعَةِ فَخَرَجَ مِنْ أَبِي

<sup>۲</sup> عباسی، آسیب‌شناسی جامعه منتظر در آینه روایات، ص ۱۸.

<sup>۳</sup> مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۵.

<sup>۴</sup> شریف الرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۴۵.

الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذَا فَارِسٌ لَعَنَهُ اللَّهُ يَعْمَلُ مِنْ قِبَلِي فَتَانًا دَاعِيًا إِلَى الْبِدْعَةِ وَ دَمُهُ هَدْرٌ لِكُلِّ مَنْ قَتَلَهُ فَمَنْ هَذَا الَّذِي يُرِيحُنِي مِنْهُ وَ يَقْتُلُهُ وَ أَنَا ضَامِنٌ لَهُ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةُ! <sup>۱</sup> امام هادی عليه السلام خون فارس بن حاتم را هدر اعلام و برای قاتل او بهشت را تضمین کردند. پس از این دستور بود که جنید او را کشت. فارس مردم را به فتنه می‌انداخت و به بدعت فرا می‌خواند. از سوی امام نامه‌ای صادر شد که این فارس که لعنت خدا بر او باد! ادعا می‌کند که از سوی من تبلیغ می‌کند. این کار او فقط برای فتنه‌انگیزی و دعوت به بدعت است. بنابراین خونس هدر است. پس چه کسی حاضر است که مرا از دست او راحت کند و من بهشت را برایش ضمانت کنم؟»

این موضع‌گیری می‌رساند که اگر بدعت‌گذار دست از فتنه‌گری خود برداشت بایستی از میان برداشته شود تا جامعه آرامش خود را به دست آورد. <sup>۲</sup>

## ۶،۲ استقرار عدالت فراگیر

مشکل اصلی در جوامع امروزی، آتش ظلم و بیدادی است که بشر را در کام خود فرو برده است. بنابراین، همان‌گونه که ایجاد عدالت از اهداف اصلی همه پیامبران در آغاز رسالت بوده، سرلوحه برنامه‌های منجی عالم نیز خواهد بود. در عصر غیبت نیز جامعه‌ای که رو به کمال موعود گام برمی‌دارد باید برقراری عدالت را در رأس

<sup>۱</sup>. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۴، ب ۴۷، ح ۲۰۱۲۷.

<sup>۲</sup>. عباسی، آسیب‌شناسی جامعه منتظر در آیینه روایات، ص ۱۹-۲۰.

برنامه‌های اصلاحی خود قرار دهد؛ زیرا تمامی ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به شدت متأثر از میزان تأمین عدالت در جامعه هستند. بشر در نظام عادل و دادگستر به درستی تربیت می‌شود، با آسایش و فراغت به تکلیف تن می‌دهد و به حقوق دیگران احترام می‌گذارد. بشر در سایه این مسئولیت‌پذیری و تعهد به جامعه، به سعادت دست می‌یابد.<sup>۳</sup>

از پیامبر خدا ﷺ نقل شده است که درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له فرمود: «...يَمَلَأُ قُلُوبَ عِبَادِهِ عِبَادَةً وَ يَسَعُهُمْ عَدْلُهُ...»<sup>۴</sup> دل‌های بندگان را پر از عبادت کرده و عدلش همه را شامل می‌شود.»

در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا... يَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِرِ»<sup>۱</sup> چون قائم ما به پا خیزد... در میان خلق خدا - با نیک و بد - به عدالت رفتار می‌کند.»

## ۷،۲ حمایت از مستضعفان

در جامعه منتظر حاکمان باید دفاع از مظلوم و بازپس‌گیری حق مستضعفان از چنگ مفسدان را با اقتدا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له سرلوحه کار خود قرار دهند. آن‌ها باید مواظب باشند که مرور زمان یا دخالت‌های دیگران و یا محافظه‌کاری قضات، سبب نشود حق مظلوم از ظالم گرفته نشود.

<sup>۳</sup>. همان، ص ۲۰.

<sup>۴</sup>. طوسی، الغیبه، ص ۱۷۹.

<sup>۱</sup>. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ب ۳۶، ص ۲۸۲.

در بعضی روایات آمده است: «یبلغ من ردّ المهدی المظالم حتی لو کان تحت ضرس إنسان شیء انتزعه حتی یرده»<sup>۱</sup> کار امام مهدی عجل الله فرجه درباره پس گرفتن حقوق بدان جا رسد که اگر در بُن دندان انسانی حق فردی دیگر نهاده باشد، آن را بازپس گرفته و به صاحب حق برمی گرداند.»

آن گونه که حضرت علی علیه السلام نیز در خطبه آغاز خلافتش فرمود: «هرجا که باشد حق ستمدیده گرفته می شود و به او رد می گردد.»<sup>۲</sup>

در جامعه منتظر باید مثل جامعه عصر ظهور اقشار ضعیف مورد حمایت های مادی قرار گیرند؛ مثلا ستادهایی برای پرداخت بدهی، نفقه و گرفتن حق آنان تشکیل شود تا از حیث عاطفی، معنوی و مادی احساس کمبودی نداشته و از آسیب های فردی و اجتماعی محفوظ بمانند. امیرمؤمنان علیه السلام در توصیف امام مهدی عجل الله فرجه می فرماید: «هیچ برده مسلمانی باقی نمی ماند مگر آنکه حضرت او را خریده و آزاد می سازد؛ و بدهکاری نیست مگر آنکه وام او را بپردازد. ستمی بر کسی نمی رود مگر آنکه داد او را بستاند. کسی کشته نمی شود مگر اینکه قرض او را ادا می کند و خانواده اش را تحت پوشش کمک های خویش قرار می دهد.»<sup>۳</sup>

امام باقر علیه السلام نیز فرمودند: «...فَیُعْطِیْکُمْ فِی السَّنَةِ عَطَاءَ بَیْنٍ وَ یَرْزُقْکُمْ فِی الشَّهْرِ رِزْقَیْنِ»<sup>۱</sup> در سال دو بار بر شما بخشش می فرماید و در هر ماه دو بار روزی می دهد.»<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> ابن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۱۴۳.

<sup>۲</sup> مجدی، آرمان شهر صاحب الزمان، ص ۱۹۴؛ سلمان، آرمان شهر مهدوی، ص ۹۲.

<sup>۳</sup> مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴-۲۲۵.

<sup>۴</sup> نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۹، ح ۳۰.

## ۸،۲ امام زمان عجل الله فرجه به عنوان رهبر جهانی آرمان شهر<sup>۳</sup>

طبق مبانی اسلامی، اساس جامعه فاضله اسلامی بر محوریت شخص امام بنا شده است. در تمامی منابعی که از آرمان شهر سخن گفته شده، چنین آرمان شهری به دست فردی مبعوث ساخته خواهد شد. در رایج ترین این منابع، پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم منجی موعود را فردی از فرزندان خویش معرفی کرده است که روزی ظهور نموده و خداوند او را بر زمین حاکم خواهد کرد. بدین جهت تمامی معصومین عليهم السلام منتظر ظهور آن حضرت بوده اند.

بدون تردید حضرت مهدی عجل الله فرجه به عنوان حجت و امام، کسی است که فقدان وی موجب خالی شدن روی زمین از حجت خدا می گردد. در روایتی امام صادق عليه السلام می فرمایند: «لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ؛<sup>۴</sup> اگر زمین خالی از حجت بماند، ویران می شود.» امام هادی عليه السلام نیز در زیارت جامعه کبیره چنین بر نقش امام در جهان هستی اشاره فرموده است: «و خداوند به خاطر شما آفرینش را آغاز کرد و از برای شما جهان را پایان می دهد. به احترام شما باران فرو می ریزد و به جهت شما آسمان را از فرو ریختن بر زمین باز می دارد. به خاطر شما گرفتاری ها و غم و اندوه ها را رفع می کند و سختی و ناراحتی ها را برطرف می سازد.»<sup>۵</sup>

۲. مجدی، آرمان شهر صاحب الزمان، ص ۱۹۷-۱۹۸.

۳. سلمان، آرمان شهر مهدوی، ص ۹۲.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۵. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

منتظران و صاحبان حکومت و قدرت در عصر انتظار همواره باید خود را در محضر امام زمان عجل الله فرجه و به مثابه یک سرباز برای ایشان ببینند. در دیدگاه یک انسان مؤمن و معتقد، آن حضرت فقط رهبر عصر ظهور نیست؛ بلکه ایشان همیشه باید مقتدا باشد. کسی که چنین اعتقادی پیدا کرد، در انجام وظایف خود، کوشا و بانشاط خواهد بود.

## ۹،۲ ترک ظلم‌پذیری و ظالم‌بودن<sup>۱</sup>

این شاخصه، برگرفته از اصل روشن قرآنی «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»<sup>۱</sup> است. این آیه در حقیقت یک شعار وسیع و پرمایه اسلامی است که می‌گوید: «به همان نسبت که مسلمانان باید از ستمگری بپرهیزند، از تن‌دادن به ظلم‌و ستم نیز باید اجتناب کنند. اصولاً اگر ستم‌کش نباشد، ستمگر کمتر پیدا می‌شود؛ و اگر مسلمانان آمادگی کافی برای دفاع از حقوق خود داشته باشند کسی نمی‌تواند به آن‌ها ستم کند. باید پیش از آنکه به ظالم بگوییم ستم مکن، به مظلوم بگوییم که تن به ستم مده.»<sup>۲</sup>

## ۱۰،۲ سامان‌دهی به مطالبات مشروع و معقول شهروندان<sup>۳</sup>

تاریخ نشان داده است که حکومتی دوام و پایداری بیشتری دارد که به تأمین نیازهای عمومی توجه بیشتری داشته است. این اصل در حکومت مهدوی نیز جریان دارد. نکته حائز اهمیت در اینجا مشروعیت و معقولیت مطالبات است. بدان معنا که نباید حکومت، تابع محض و بی‌قید و شرط توده مردم باشد. وظیفه حکومت آن است که

<sup>۱</sup>. سلمان، آرمان‌شهر مهدوی، ص ۹۴.

<sup>۱</sup>. بقره/۲۷۹.

<sup>۲</sup>. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۷۷.

<sup>۳</sup>. سلمان، آرمان‌شهر مهدوی، ص ۱۰۱ و ۱۱۵-۱۱۶.

هرجا درخواستی مقبول از مردم شنید، جامه عمل بپوشاند و هرجا که دید مردم در مطالبه به کژی راه رفته‌اند، آنان را توجیه کرده و به راه حق آورند.

## ۱۱,۲ حاکمیت جامع قرآن<sup>۴</sup>

حکومت مهدوی، سرمنزل مقصود همه انبیا و ائمه علیهم‌السلام است. در آن دوران است که آخرین کتاب آسمانی که جامع همه تعالیم و حیانی است به‌طور کامل حاکمیت یافته و محور همه‌چیز قرار می‌گیرد. جامعه منتظر نیز با تاسی به آن دوران باید در پیاده‌سازی حداکثری احکام قرآن سعی و کوشش کند.

## ۱۲,۲ همدلی همه نیروها در خدمت‌رسانی<sup>۵</sup>

مردم در نظام سیاسی مهدوی، مردمی حاضر در صحنه و همراه با امام زمان عجل‌الله‌فرجه هستند. آنان از باب «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»<sup>۶</sup> در انجام وظایف و یاری‌رساندن به دیگران با یکدیگر رقابت کرده و تنها هدفشان، جلب رضایت خداوند و امام زمان عجل‌الله‌فرجه است.

## ۱۳,۲ تقدم ارزش‌های معنوی بر مصالح مادی<sup>۱</sup>

اصل زندگی انسان، توجه به خدا و رعایت معنویات است؛ زیرا آدمی در سایه معنویات به کمال حقیقی خویش رسیده، به هدف آفرینش نزدیک می‌شود. زندگی مادی وسیله‌ای برای رسیدن انسان به این هدف است. بر این اساس اگر به‌دست‌آوردن مادیات مانعی برای رسیدن به معنویات باشد و انسان مجبور شود که

<sup>۴</sup>. همان، ص ۱۱۲.

<sup>۵</sup>. همان، ص ۱۱۳.

<sup>۶</sup>. بقره/۱۴۸.

<sup>۱</sup>. سلمان، آرمان‌شهر مهدوی، ص ۱۱۴.

حتما یکی را به دست بیاورد باید معنویات را انتخاب کند. یعنی مادیات باید وسیله‌ای باشد که انسان را به معنویات که هدف اصلی است، برساند. در نتیجه، انسان باید وسیله را فدای هدف کند و از مادیات بگذرد. مباحث سیاسی جامعه نیز مستثنا از این امر نبوده و نگاه آدمی در عرصه تدبیر امور جامعه، باید این‌چنین باشد.

## ۱۴،۲ منزلت‌نداشتن کارگزاران ناصالح در حکومت مهدوی

معیار عزل و نصب‌ها در حکومت امام زمان علیه السلام، حق و عدل است. از این رو دولتمردان او همگی صالح و متعهد خواهند بود. هرکه با شیوه الهی او منطبق و هماهنگ نباشد، کنار گذاشته خواهد شد. با هیچ‌کسی نیز بر سر معیارها و ارزش‌ها مصالحه نخواهد شد. با تمسک به این سیره، در جامعه منتظر نیز باید شایسته‌سالاری حاکم باشد و با اجتناب از رانت‌خواری و حزب‌بازی، کار را به افرادی که دارای تدین، تعهد و تخصص هستند، سپرد. از طرفی نیز بدون محافظه‌کاری و مماشات با مدیران فاقد این صفات برخورد کرده و شایستگان را جایگزین آن‌ها قرار دهیم.<sup>۲</sup>

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «لَيُنزَعَنَّ عَنْكُمْ قُضَاءُ السَّوِّءِ... وَ لَيُعْزَلَنَّ عَنْكُمْ أُمَرَاءُ الْجَوْرِ وَ لَيُطَهَّرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍ وَ لَيُعْمَلَنَّ بِالْعَدْلِ»<sup>۳</sup> به‌راستی او (مهدی) قاضیان زشت‌کردار را برکنار می‌کند... و حکمرانان ستمگر را برمی‌دارد و زمین را از هر ستمگری پاکیزه می‌کند و خود به عدالت رفتار می‌نماید.»

<sup>۲</sup>. مجدی، آرمان‌شهر صاحب‌الزمان، ص ۱۹۵-۱۹۶.

<sup>۳</sup>. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

## ۱۵,۲ آسیب‌شناسی دولت و نظام‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی<sup>۱</sup>

آسیب‌شناسی از مهم‌ترین تدابیر و شاخصه‌های سیاسی یک حکومت است. حکومتی که آسیب‌شناسی نشود، از سویی نیروهای مثبت را مغرور کرده و آن‌ها جز نقاط قوت خودشان، چیزی را نمی‌بینند. از سویی دیگر، نیروهای ناکارآمد و فرصت‌طلب را بر اقدام کارهای خلاف عدالت، جری خواهد ساخت. این شاخصه بیشتر مربوط به حکومت‌های عصر انتظار است.

## ۱۶,۲ توجه به رفع نیازهای کارکنان و کارگزاران

هدف اصلی به‌کارگیری افراد در هر حکومتی رسیدن به اهداف آن حکومت است. این امر نیز بدون حضور کارکنان، محال و ناشدنی است. بنابراین حاکم جامعه علاوه بر شناخت اهداف، ظرفیت‌ها، چالش‌ها، مسائل و مشکلات باید نسبت به مراتب نیازهای مادی و معنوی کارکنان نیز شناخت کافی داشته باشد؛ زیرا حاکم باید استفاده از ظرفیت‌ها و رفع موانع و مشکلات را از طریق کارکنان و کارگزاران به انجام برساند. به‌طور قطع و یقین اگر نیازهای کارکنان، شناسایی و در حد توان و مقدرات به آن‌ها پرداخته شود همان کارکنان در رفع موانع و رسیدن به اهداف با انگیزه و با جان و دل کار کرده و موفقیت و پیشرفت حاکم را موفقیت خود می‌دانند. اما اگر حاکم به هر دلیلی نسبت به خواسته‌ها و نیازهای کارکنان بی‌تفاوت باشد لطمات جبران‌ناپذیری به حکومت وارد می‌شود. اگر به حد وافی، نیازمندی‌های کارکنان و کارگزاران تأمین نگردد، امکان به‌وجود آمدن مشکلات افزایش می‌یابد.<sup>۲</sup>

امیر مؤمنان علیه السلام به مالک اشتر می‌فرماید: «أَسْبِغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ وَ غِنَى لَهُمْ عَنْ تَنَاوُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ وَ حُجَّةٌ عَلَيْهِمْ إِنْ خَالَفُوا أَمْرَكَ

<sup>۱</sup>. سلمان، آرمان‌شهر مهدوی، ص ۱۲۴.

<sup>۲</sup>. همان، ص ۱۲۵.

أَوْ تَلْمُؤًا أَمَانَتِكَ؛<sup>۳</sup> روزی فراوان بر آنان ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند و اتمام حجّتی است بر آنان که اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند.»

## ۱۷،۲ مردم‌پروری<sup>۱</sup>

پایداری هر حکومتی رابطه مستقیم با مردم‌پروری آن حکومت دارد. از همین جهت برای بقا و استمرار حاکمیت باید با مردم همراهی کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «دورترین افراد و دشمن‌ترین آن‌ها نزد تو کسی باشد که پیش تو، از دیگران عیب‌جویی می‌کند؛ زیرا در مردم عیب‌هایی هست که والی، سزاوارترین شخص برای پوشاندن آن‌هاست. از عیب‌های آنچه از نظر تو پنهان مانده، مخواه که آشکار شود؛ زیرا آنچه بر عهده توست، پاکیزه‌سازی چیزهایی است که بر تو آشکار بوده است. خدا بر آنچه از نظرت پوشیده مانده، داوری نخواهد کرد. عیب‌های دیگران را بپوشان تا خداوند عیب‌های تو را بپوشاند. در کنار عیب‌پوشی، گشودگی سینه رهبر یا رهبران است که در حل‌کردن کینه‌ها، نقش مهمی دارد. گره هر کینه را بگشا و از دل بیرون کن و رشته عداوت را بگسل و خود را از آنچه از تو پوشیده داشته شده، به تغافل بزن و گفته سخن‌چینان را تصدیق مکن.»<sup>۲</sup>

<sup>۳</sup>. شریف الرضی، نهج البلاغه، نامه ۵۳.

<sup>۱</sup>. سلمان، آرمان‌شهر مهدوی، ص ۱۲۵-۱۲۶.

<sup>۲</sup>. شریف الرضی، نهج البلاغه، نامه ۵۳.

## ۱۸،۲ پرهیز از خشونت در تعامل با معارضان در ابتدای امر<sup>۳</sup>

استراتژی پرهیز از خشونت تا حد ممکن، رویه اولیای خداست که البته عقل نیز به آن حکم می‌کند. به صرف ایجاد یک نگاه معارض نباید آن را کوبید؛ بلکه باید زمینه‌ها و بسترهای ایجاد آن را بررسی و سپس در آن‌باره حکم کرد. یکی از مصادیق این استراتژی، عدم قصاص پیش از وقوع جنایت است؛ همانند آنچه در مورد خروج طلحه و زبیر از کوفه و حرکت به طرف بصره به بهانه انجام اعمال عمره اتفاق افتاد. امام علی علیه السلام هنگام خداحافظی آنها، به آن دو تذکر داد؛ ولی نه تنها عقوبتشان نکرد، بلکه آن‌ها را ممنوع‌الخروج نیز نکرد. آن حضرت تنها به اخذ بیعت مجدد بر عدم خروج از ولایتش بسنده کرد.<sup>۴</sup>

## ۱۹،۲ وفاق ملت‌ها و امت‌ها

در آخرالزمان، دشمنان دین با استفاده از شعار «اختلاف بینداز، حکومت کن» تلاش می‌کنند جلوی رشد فزاینده اسلام را بگیرند یا حداقل آن را کند کنند. برای مقابله با این حربه دشمن، ملت اسلامی و دولتمردان در سراسر عالم وظیفه دارند با الگوگیری از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در صدد ایجاد وفاق ملی و اتحاد اسلامی باشند. از این رهگذر می‌توانند اصل اسلام را از فتنه‌های آخرالزمانی محفوظ داشته و زمینه ظهور رهبر بزرگ اسلام را فراهم کنند. روش حکومت حضرت این چنین است: از امام صادق علیه السلام درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه چنین نقل شده است: «أَنْ يُظْهِرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْحَقَّ وَالْعَدْلَ فِي الْبِلَادِ وَيُحْسِنَ حَالَ عَامَّةِ الْعِبَادِ وَيَجْمَعَ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَيُوَلِّفَ بَيْنَ قُلُوبِ

<sup>۳</sup>. سلمان، آرمان شهر مهدوی، ص ۱۲۶.

<sup>۴</sup>. همان، ص ۱۲۷.

مُخْتَلِفَةً<sup>۱</sup> خداوند عزوجل به واسطه او حق را ظاهر و عدل را در شهرها گسترش می‌دهد و حال عموم مردم را بهبود می‌بخشد و وحدت کلمه پدید آورده و بین قلب‌های گوناگون الفت ایجاد می‌کند.»

بنابراین یکی از مهم‌ترین وظایف فرد منتظر، حفظ یکپارچگی و اتحاد شیعیان و پایبندی به عهدشان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. هرگونه اخلال در صفوف متحد منتظران، منافی با وظایف دینی آنان و کمک به دشمنان آن حضرت است.<sup>۲</sup>

## ۲۰،۲ پرورش افراد مستعد

مدیران سیاسی - اجتماعی با الگوبرداری از سیره حضرت برای رشد افراد جامعه باید شعار جذب حداکثری و دفع حداقلی را سرلوحه کار خود قرار دهند. آنان می‌بایست با گذشت و رأفت اسلامی، افرادی را که قابل‌هدایت بوده و دارای استعداد کمال هستند پرورش داده و به کمال برسانند.<sup>۳</sup>

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ<sup>۴</sup>؛ چون قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقول آن‌ها را متمرکز ساخته و فکرهايشان را به کمال می‌رساند.»

<sup>۱</sup> صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۴۷، ب ۵۵، ح ۷.

<sup>۲</sup> مجدی، آرمان‌شهر صاحب‌الزمان، ص ۱۸۹-۱۹۰.

<sup>۳</sup> همان، ص ۱۹۰.

<sup>۴</sup> مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

## ۲۱،۲ پناهی برای مردم

مسئولان جامعه منتظر باید با تاسی به سیره امام در جامعه مهدوی در سختی‌ها و مشکلات، پناهگاه مردم باشند. آن‌ها باید تلاش کنند برای مردم، حتی غیرمسلمانان، جاذبه داشته و با سخنان و عملکرد خود، مردم را به سوی اسلام ترغیب کنند.

در روایتی آمده است: «...یاوی الی المهدی امته کما تأوی النحل الی یعسوبها...»<sup>۱</sup> امت مهدی به او پناه می‌برند همان‌گونه که زنبورها به دور ملکه خود می‌گردند. همچنین در روایتی نقل شده است: «يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ فِي أُمَّتِي يَبْعَثُهُ اللَّهُ غِيَاثًا لِلنَّاسِ»<sup>۲</sup> از میان امت من، مهدی قیام می‌کند، خداوند او را برای فریادرسی مردمان برمی‌انگیزاند.»

بنابراین مسئولان جامعه منتظر باید برای مردم از جهات مختلف اعتقادی، اخلاقی و عملی، در بعد فردی و اجتماعی به‌عنوان پناهگاه و نوعی تسلی‌خاطر در مشکلات روزمره زندگی باشند؛ نه اینکه با رفتار و روش زندگی خود، خاری در چشم اقشار ضعیف جامعه شوند.<sup>۳</sup>

## ۲۲،۲ جلب خشنودی مردم و حفظ ارتباط مردمی

کسانی که به حکومت یا پُست و مقامی رسیدند باید تا جایی که می‌توانند به امور مراجعه‌کنندگان رسیدگی کرده و آنان را خشنود کنند. همچنان که درباره حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه می‌خوانیم:

۱. حرّ عاملی، اثبات الهداء، ج ۵، ص ۲۷۱.  
۲. اربلی، کشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۷۰، ح ۱۵.  
۳. مجدی، آرمان‌شهر صاحب‌الزمان، ص ۱۹۱.

- «يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَأَهْلُ السَّمَاءِ وَالطَّيْرُ فِي الْجَوْءِ»<sup>٩</sup> در روزهای خلافتش، اهل زمین و آسمان و پرندهگان هوا خشنود خواهند شد.

- «يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ... حَتَّى يَتَمَنَّى الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتَ تَعِيشُ فِي ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ أَوْ ثَمَانِ سِنِينَ أَوْ تِسْعَ سِنِينَ»<sup>١٠</sup> اهالی آسمان و زمین، از او خشنودند... حتی زنده‌ها آرزو می‌کنند ای کاش مرده‌ها نیز هفت، هشت یا نه سال در آن روزگار زندگی می‌کردند.»

حاکمان و مدیران در جامعه اسلامی باید میان مردم زندگی کرده و از وضع زندگی آنان آگاه باشند. اگر مدیران جامعه به سبب مصالح امنیتی و... نمی‌توانند میان مردم باشند وظیفه دارند ارتباط مردمی را حفظ کرده و از درد دل آنان آگاهی پیدا کنند. همان‌گونه که حضرت مهدی عجل الله فرجه در عصر غیبت صغرا ارتباط خود را با مردم از راه وکلا و سفیران حفظ کرد. پس از آن، در عصر غیبت کبرا نیز، خود حضرت هنگام ضرورت به فریاد شیعیان رسیده، رفع گرفتاری می‌کنند. ایشان در توقیع خود به شیخ مفید می‌فرماید:

«إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ»<sup>١</sup> ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده، شما را از یاد نبرده‌ایم. اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌کردند.»<sup>٢</sup>

<sup>٩</sup> اربلی، کشف الغمّه، ج ٢، ص ٤٦٩، ح ٩.

<sup>١٠</sup> مجلسی، بحار الانوار، ج ٥١، ص ١٠٤.

<sup>١</sup> طبرسی، الاحتجاج، ج ٢، ص ٤٩٧.

<sup>٢</sup> مجدی، آرمان شهر صاحب‌الزمان، ص ١٩٣-١٩٤.

## ۲۳،۲ نظارت دقیق بر عملکرد کارگزاران

در یک نظام حکومتی، نظارت دقیق بر اجرای صحیح وظایف محوله به زیرمجموعه باعث افزایش امنیت روانی و اجتماعی افراد و جامعه و افزایش عدالت اجتماعی و اقتصادی خواهد شد. در مقابل، عدم نظارت باعث افزایش فساد اجتماعی و تزلزل ارکان نظام خواهد شد. لذا مدیران جامعه منتظر، باید با اقتدا به جامعه مهدوی برای گسترش عدالت در سطح جامعه منتظر، تلاش کنند. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «علامه المهدی آن یكون شدیداً علی العمال، جواداً بالمال، رحیماً بالمساکین؛<sup>۳</sup> از نشانه‌های مهدی، سخت‌گیری در برخورد با کارگزاران، بخشندگی مال، مهربانی و رحمت با تهیدستان است.»<sup>۴</sup>

## ۲۴،۲ بی‌نیاز کردن مردم با معنویات

مسئولان باید تلاش کنند با بهره‌برداری از روش امام، مردم را به وسیله گسترش معنویات در سطح جامعه و بین افراد و افزایش نورانیت دل‌ها با اشاعه معارف الهی، از امور مادی بی‌نیاز کنند. امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام نیز در عصر ظهور همین کارها را انجام خواهند داد. از همین رو باید در سطح جامعه طوری برنامه‌ریزی شود که افراد با شناخت کامل نسبت به انسان و جایگاه او در عالم خلقت و با تلاش خود، رذایل اخلاقی مانند آرزوهای طولانی و طمع را از خود دور کرده و در راه کسب فضایل اخلاقی مانند قناعت، از خودگذشتگی و ایثار گام بردارند تا طعم شیرین بندگی خدا و بی‌نیازی نسبت به خلق را بچشند.

<sup>۳</sup>. ابن‌حیون، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، ج ۳، ص ۵۶۱.

<sup>۴</sup>. مجدی، آرمان شهر صاحب‌الزمان، ص ۱۹۵.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «إِنَّ قَائِمًا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بُنُورَ رَبِّهَا وَ اسْتَعْنَى النَّاسُ؛<sup>۱</sup> چون قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می‌گردد و مردم، همگی طلب بی‌نیازی می‌کنند.»<sup>۲</sup>

## ۲۵،۲ تلاش برای عمران و آبادی جامعه

جامعه منتظر باید جامعه‌ای شاداب و آباد باشد و دولتمردان و مدیران باید برای رسیدن به این مهم، تلاش وافر انجام دهند. هرچند عمران و آبادانی در سطح جهانی از ویژگی‌های اختصاصی عصر ظهور است که تنها در سایه حکومت آن حضرت پدید می‌آید. ثروت‌ها و امکانات، صرف آبادی زمین و شهرها و روستاها می‌شود. این عمران در همه دنیا که قلمرو حکومت ایشان است مشهود خواهد بود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَفْرُقُ أَصْحَابَهُ وَ هُمُ الَّذِينَ عَاهَدُوهُ فِي أَوَّلِ خُرُوجِهِ فَيُوجِّهُهُمْ إِلَى جَمِيعِ الْبُلْدَانِ وَ يَأْمُرُهُم بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ كُلَّ رَجُلٍ مِنْهُمْ يَحْكُمُ عَلَى إِقْلِيمٍ مِنَ الْأَرْضِ وَ يَعْمُرُونَ جَمِيعَ مَدَائِنِ الدُّنْيَا بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ؛<sup>۳</sup> مهدی اصحاب خویش را در تمامی شهرها می‌پراکند و آنان را به عدالت و احسان فرمان می‌دهد. آنان را حاکمان مناطق مختلف قرار داده و دستور می‌دهد که به آبادانی و سازندگی شهرها بپردازند.»

امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید: «القائم منا منصور بالربع مؤيد بالنصر... يبلغ سلطانه المشرق و المغرب... فلا يبقى في الأرض خراب الا عمر؛<sup>۴</sup> قائم ما به وسیله بیم، یاری

<sup>۱</sup> طوسی، الغيبة، ص ۴۶۸.

<sup>۲</sup> مجدی، آرمان شهر صاحب‌الزمان، ص ۱۹۶.

<sup>۳</sup> یزدی حائری، الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۷۲.

<sup>۴</sup> حویزی، تفسیر نورالتقلین، ج ۲، ص ۲۱۲.

شود و با پیروزی تأیید گردد... حکومت او مشرق و مغرب را فراگیرد... پس در تمامی روی زمین خرابی باقی نمی‌ماند مگر آنکه آباد شود.»

پس جامعه منتظر باید برای آبادانی زمین و حفظ محیط‌زیست تلاش کند. باید بکوشد تا خود را به سطح مطلوبی از حیث توسعه علمی و فنی پایدار برساند. از این رهگذر است که زمینه ظهور حکومت امام عصر عجل الله تعالی فرجه فراهم می‌آید.<sup>۵</sup>

## ۲۶،۲ قانونمندی کامل

در جامعه مهدوی، زمینه قانون‌شکنی و ظلم و تجاوز به حقوق دیگران از بین می‌رود و در صورت وقوع ظلم، حضرت با قاطعیت برخورد کرده و حق را به حقدار خواهد داد. در اثر این قدرت و احاطه، به تدریج خود مردم با کنترل درونی و نفسانی خود، جرم و گناه مرتکب نشده و در پی آن، قوانین به‌طور خودجوش رعایت می‌گردند.<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث مطرح‌شده، روشن شد که با توجه به ابعاد و شاخصه‌های فرهنگ مهدوی، ارتباط و شناخت ما نسبت به وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه تقویت شده و ما را با وظایف فردی و اجتماعی خود در عصر انتظار آشناتر می‌کند. در این نوشتار، از بین شاخصه‌ها و جنبه‌های مختلف فرهنگ مهدوی، شاخصه‌های سیاسی آن، مورد تحلیل و بررسی واقع شد. از جمله مهم‌ترین آن شاخصه‌ها می‌توان به وحدت و

<sup>۵</sup> مجدی، آرمان‌شهر صاحب‌الزمان، ص ۱۹۶-۱۹۷.

<sup>۱</sup> همان، ص ۱۱۹-۱۲۰.

انسجام، شایسته‌سالاری، حاکمیت جامع قرآن، استقرار عدالت فراگیر، مردم‌پروری و قانونمندی کامل اشاره کرد. امید است که در عصر انتظار، حکومت‌ها با تأسی از حکومت مهدوی عصر ظهور، خود را هرچه بیشتر با آن حکومت موعود و شاخصه‌های آن تطبیق دهند.

## منابع

قرآن کریم

۱. آشوری، داریوش، **تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ**، مرکز اسناد فرهنگی آسیا، تهران، ۱۳۵۷.
۲. آقابخشی، علی، **فرهنگ علوم سیاسی**، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۵.
۳. ابن حیون، مغربی، نعمان بن محمد، **شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار**، تحقیق و تصحیح: حسینی جلالی، محمدحسین، انتشارات جامعه مدرسین، ۳ جلدی، چاپ اول، قم، ۱۴۰۹ق.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، **التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن**، تحقیق و تصحیح: مؤسسه صاحب‌الامر، مؤسسه صاحب‌الامر، چاپ اول، قم، ۱۴۱۶ق.
۵. ابوالقاسمی، محمدجواد، **به سوی توسعه فرهنگ دینی در جامعه ایران**، عرش پژوه، تهران، ۱۳۸۴.
۶. اربلی، علی بن عیسی، **کشف الغمّة فی معرفة الأئمة**، تحقیق و تصحیح: رسولی محلاتی، سیدهاشم، ۲ جلدی، چاپ اول، تبریز، ۱۳۸۱ق.
۷. بشیری، حسین، **آموزش دانش سیاسی**، مؤسسه نگاه معاصر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۱.

۸. بهروزی لک، غلامرضا، سیاست و مهدویت، حکمت رویش، چاپ اول، قم، ۱۳۸۴.
۹. پهلوان، چنگیز، فرهنگ‌شناسی (گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن)، پیام امروز، تهران، ۱۳۷۸.
۱۰. جعفری، یوسف، راه‌های گسترش و تعمیق فرهنگ مهدویت در خانواده، پایان‌نامه سطح ۳، مرکز تخصصی مهدویت.
۱۱. حرّ عاملی، محمدبن حسن، إثبات الهداء بالنصوص والمعجزات، انتشارات اعلمی، ۵ جلدی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۵ق.
۱۲. ———، وسائل الشیعه، تحقیق و تصحیح: مؤسسه آل‌البتیت علیه السلام، مؤسسه آل‌البتیت علیه السلام، ۳۰ جلدی، چاپ اول، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۳. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تصحیح: رسولی محلاتی، سیدهاشم، اسماعیلیان، ۵ جلدی، چاپ چهارم، قم، ۱۴۱۵ق.
۱۴. درویشی، امید، تأثیر متقابل دفاع مقدس و فرهنگ مهدویت، فصلنامه انتظار موعود، سال هشتم، شماره ۲۷، زمستان ۱۳۸۷.
۱۵. سلمان، محمد، آرمان‌شهر مهدوی در اندیشه سیاسی اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۹۶.
۱۶. شریف‌الرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، محمد، مشهور، چاپ اول، قم، ۱۳۷۹.

۱۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق و تصحیح: غفاری، علی اکبر، دارالکتب الاسلامیه، ۲ جلدی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۵ق.
۱۸. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی اهل اللجاج، تحقیق و تصحیح: خراسان، محمد باقر، نشر مرتضی، ۲ جلدی، چاپ اول، مشهد، ۱۴۰۳ق.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، تحقیق و تصحیح: تهرانی، عبدالله و احمد ناصح، علی، دارالمعارف الاسلامیه، چاپ اول، قم، ۱۴۱۱ق.
۲۰. عباسی، فرج الله، آسیب شناسی جامعه منتظر در آینه روایات، مرکز نشر کتاب، قم، ۱۳۹۵.
۲۱. عمید، حسن، فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۱.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق و تصحیح: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، دارالکتب الاسلامیه، ۸ جلدی، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ق.
۲۳. کوئن، بروس، مبانی شناسی، ترجمه: توسلی، غلامعباس و فاضل، رضا، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۶.
۲۴. متقی زاده، زینب، آسیب شناسی فرهنگ مهدوی در عصر جهانی شدن، فصلنامه انتظار موعود، سال نهم، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۸۸.
۲۵. مجدی، حسین، آرمان شهر صاحب الزمان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، چاپ اول، قم، ۱۳۹۷.
۲۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۳ق.

۲۷. معین، محمد، فرهنگ معین، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۰.

۲۸. مفید، محمدبن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق و تصحیح: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، کنگره شیخ مفید، ۲ جلدی، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ق.

۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ۲۷ جلدی، چاپ دهم، تهران، ۱۳۷۱.

۳۰. موسوی همدانی، محمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان، انتشارات جامعه مدرسین، ۲۰ جلدی، چاپ پنجم، قم، ۱۳۷۴.

۳۱. نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیبه، تحقیق و تصحیح: غفاری، علی‌اکبر، نشر صدوق، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۷ق.

۳۲. نیلی نجفی، بهاء‌الدین، سرور أهل الإیمان فی علامات ظهور صاحب الزمان، تحقیق و تصحیح: عطار، قیس، دلیل ما، چاپ اول، قم، ۱۴۲۶ق.

۳۳. یزدی حائری، علی، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف، تحقیق و تصحیح: عاشور، علی، مؤسسه الأعلمی، ۲ جلدی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۲ق.



## تحلیل روش دیدبانی در مهدویت‌پژوهی

حسینعلی جباری<sup>۱</sup>

### چکیده

آینده‌پژوهی هنر شکل‌دادن به آینده بوده و به شناخت و مطالعه آینده‌های گوناگون از جمله ممکن، محتمل، مرجح و مطلوب می‌پردازد. مهدویت‌پژوهی بر اساس آموزه‌های دینی، ساحتی برای حرکت به آینده‌ای پویا و مطلوب و حرکتی به سمت آینده قطعی بشری است. مسئله‌ای که در این نوشتار مطرح است آن خواهد بود که تحلیل و کاربست روش دیدبانی در ساحت‌های مهدویت‌پژوهی چگونه و در چه سطحی است. از این رو این نوشتار با روش توصیفی و تحلیلی به تبیین روش دیدبانی در مهدویت می‌پردازد. قابلیت عملیاتی روش دیدبانی در ساحت‌های مهدویت‌پژوهی و مواجهه‌شدن با آینده مطلوب و مرجح، مهم‌ترین دستاورد تحقیق پیش رو خواهد بود.

**واژگان کلیدی:** مهدویت‌پژوهی، آینده‌پژوهی، دیده‌بانی.

---

<sup>۱</sup>. دانش آموخته سطح ۴ گرایش سیاسی و اجتماعی مرکز تخصصی مهدویت قم.

از دیرباز مسائل آینده و منجی و حوادث پیرامون آن مورد توجه ابنای بشر قرار داشته است. برخی برای رسیدن به آینده مطلوب از مسیرهایی از جمله تحلیل‌های عوامانه همچون علوم غریبه، سحر و رمزگرایی یا تحلیل‌های عقل‌گرایانه مانند فلسفه تاریخ یا تحلیل‌های نقل‌گرایانه ادیانی و وحیانی مانند گزارش‌های کتب آسمانی و انبیا و یا تحلیل‌های تجربی مانند بررسی روندها و شواهد تجربی بهره برده‌اند. آینده‌پژوهی به‌عنوان تبیینی عقلانی و تجربی از آینده‌های مختلف و مهدویت‌پژوهی به‌عنوان یک تبیین نقلی و وحیانی از منجی موعود، در کمتر از صدسال گذشته به‌صورت یک رشته علمی در میان اهالی علم ایجاد شده است.

هرکدام از این دو رشته به‌گونه‌های مختلفی قابل‌پیمایش است؛ مثلاً آینده‌پژوهی به دو صورت: اول، پیمایش‌های اکتشافی که به مطالعه گذشته و حال با توجه به روندهای حاکم در زمینه‌های گوناگون پرداخته و آینده‌های گوناگون را کشف و توصیف می‌کند. همچنین زمینه را برای برنامه‌ریزی برای هر آینده‌ای فراهم می‌آورد. دوم، پیمایش‌های تجویزی یا هنجاری که به مطالعه آنچه باید در آینده باشد یا تصویر و یا طراحی شود، پرداخته تا در جهت آن برنامه‌ریزی صورت گیرد. در مهدویت‌پژوهی، پیمایش‌ها بر اساس مبانی معرفتی آن، یعنی نصوص دینی که شامل آیات، روایات با گونه‌های مختلف آن و معرفت‌شهودی است، صورت می‌پذیرد.

علاوه بر مطالب فوق در مطالعات آینده باید سه وجه فهم را از یکدیگر تفکیک کرد: اول، وجه سینتاکتیک (syntactic) است. این وجه بر روش‌شناسی تأکید دارد؛ یعنی مطالعه روش‌ها، رهیافت‌ها، مدل‌ها یا دیگر شیوه‌های سبک معرفت. وجه دوم، سمانتیکس (semantics) است. این وجه بر مسائل، معنا و محتوای موضوعات آینده‌پژوهی توجه دارد. سومین وجه، پراگماتیس (peragmatics) است. این وجه

بر نحوه تأثیر مطالعات آینده‌پژوهانه بر کنش‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌ها و مدیریت و رهبری‌ها تأکید دارد.<sup>۱</sup>

در بررسی پیشینه بحث تاکنون کتاب و مقاله‌ای در تحلیل و بررسی روش‌شناسی عملیاتی دیدبانی در مهدویت، موجود نیست. آنچه پیرامون مهدویت و آینده‌پژوهی به‌صورت کلی نگاشته شده، مقاله آینده‌پژوهی مهدوی اثر رحیم کارگر است که به کلیاتی پیرامون آینده‌پژوهی و مهدویت پرداخته است. همچنین، مقاله مهدویت و آینده‌پژوهی نوشته روح‌الله شاکری و رضوانه شاهرخی است که به بررسی کارکردی و تشابهات آن‌ها اختصاص یافته است. علاوه بر آنها مقاله باسته‌های علمی در آینده‌پژوهی مهدوی است که به بررسی بایسته‌های نظری، روشی و تبلیغی پرداخته است. از این رو وجه تمایز این مقاله با سایر تحقیقات، پیمایش و کاربری تحلیلی و عملیاتی روش دیده‌بانی در مهدویت‌پژوهی است.

### ۱. آینده‌پژوهی

پیرامون آینده‌پژوهی تعاریف گوناگونی نقل شده است. از نظر برخی،<sup>۲</sup> آینده‌پژوهی<sup>۳</sup> فرآیند تلاش سیستماتیک برای نگاه به آینده بلندمدت علم، محیط‌زیست، اقتصاد و اجتماع بوده و با هدف شناسایی تکنولوژی‌های عام نوظهور و تقویت حوزه‌های تحقیقات استراتژیکی است که احتمالاً بیشترین منافع اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارند. برخی دیگر<sup>۴</sup> قائل‌اند، آینده‌پژوهی، فرآیندی سیستماتیک، مشارکتی و گردآورنده ادراکات آینده است که چشم‌اندازی میان‌مدت تا بلندمدت را با هدف اتخاذ

<sup>۱</sup> <http://www.iranstrategyacademy.com/%D>

<sup>۲</sup> Martin, 2000

<sup>۳</sup> Futures Studies

<sup>۴</sup> gaveagan, ۲۰۰۱

تصمیم‌های روزآمد و بسیج اقدامات مشترک بنا می‌سازد. لوک<sup>۱</sup> معتقد است آینده‌پژوهی ابزاری سیستماتیک برای ارزیابی آن دسته از توسعه‌های علمی و تکنولوژیکی است که می‌توانند تأثیرات بسیار شدیدی بر رقابت صنعتی، خلق ثروت و کیفیت زندگی داشته باشد. با توجه به تعاریف، آینده‌پژوهی شاخه‌ای از علم<sup>۲</sup> و فناوری<sup>۳</sup> است که با کشف آینده و شکل‌بخشیدن به دنیای مطلوب آینده سروکار دارد. آینده‌پژوهی مجموعه‌ای از تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها، عوامل تغییر، ثبات به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آن می‌پردازد. آینده‌پژوهی می‌گوید که چگونه از دل تغییرات امروز واقعیت فردا تولد می‌یابد.<sup>۴</sup>

آینده‌پژوهی در دهه‌های اخیر به‌رغم فرازوفرودها به‌تدریج توانسته به‌صورت رشته علمی و دانشگاهی شود. البته هنوز در ماهیت این رشته اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. به این صورت که رشته واحد است یا چندبعدی یا چندرشته‌گی یا میان‌رشته‌گی؟ هرکدام از تحقیقات آینده‌پژوهی دارای سوابقی از جمله علوم سیاسی، مدیریت، جامعه‌شناسی و... است که با بررسی آنها می‌توان به لایه‌های متعدد و برخی از زوایای آن دست یافت؛ چراکه زوایای زندگانی بشر دارای ابعاد مختلفی بوده و برای فهم آینده آن نیز می‌بایست زوایای مختلف آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

<sup>۱</sup> . luke georghion, 1996

<sup>۲</sup> . علم است؛ چون مبانی معرفتی و نظری و متدولوژی دقیق دارد و در دانشگاه‌های پیشرفته دنیا به‌عنوان یک رشته علمی آموزش داده می‌شود.

<sup>۳</sup> . فناوری است؛ چون بر پایه یک مجموعه از تکنیک‌های علمی استوار است و می‌تواند در حل و فصل مسایل پیچیده جامعه و همچنین در ساختن آینده به کار آید. آینده‌پژوهی در زمره فناوری‌های نرم قرار می‌گیرد.

<sup>۴</sup> . آشنایی با مبانی آینده‌پژوهی، ص ۷.

## ۲. مهدویت پژوهی

مهدویت پژوهی اگرچه رشته‌ای علمی است که دارای قدمت تاریخی است، اما در قالب سامانه علمی، جدید به نظر می‌رسد. در گذشته در لابه‌لای مطالعات مختلف کلامی، تفسیری، حدیثی و... مورد بررسی قرار می‌گرفت. اما بعدها به خاطر مطالعات عمیق به صورت یک رشته منظم در مراکز علمی ایجاد شده است.<sup>۱</sup> با توجه به این مسئله، مهدویت پژوهی مجموعه مسائل منظم، متنوع با موضوعات و روش مشخص و دارای اهداف معین است که رویکردی درونی و جزءنگرانه با نگاه درجه یک به تبیین و تحلیل و دفاع از مسائل پیرامون مهدویت و امام زمان عجل الله تعالی فرجه له می‌پردازد.<sup>۲</sup> از این رو مهدویت پژوهی ساحت‌های چندبعدی داشته و قابلیت تعمیم بر سایر گرایش‌ها و رشته‌های علوم اسلامی را خواهد داشت.

## ۳. روش دیدبانی

یکی از روش‌های آینده پژوهی که همواره به دنبال پایش مسائل موضوع و تغییرات آن بوده، دیده‌بانی است. دیده‌بان کسی است که با استقرار در نقطه‌ای مرتفع<sup>۳</sup> موقعیت و فعالیت دشمن، رقبا و منطقه را رصد کرده و به اطلاع نیروهای خودی می‌رساند.<sup>۴</sup> دیده‌بانی در آینده پژوهی عبارت است از زیر نظر داشتن حیطة و موضوعی خاص به منظور کشف فرصت‌ها و تهدیدات موجود در آینده است. با دیده‌بانی رویدادهای جدید و غیرمنتظره بزرگ و کوچک به گونه‌ای نظام‌یافته مشاهده شده<sup>۵</sup>، تجزیه تحلیل‌های روز تغییر یافته، سناریوها و نقشه راه آینده متناسب با آینده مطلوب تدوین

۱. مهدویت و آینده پژوهی، ص ۴۴.

۲. مهدویت پژوهی، ص ۳۱.

۳. نقطه مرتفع شامل کوه، برج، قلعه‌ها، دکل و... است.

۴. دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۸، واژه دیده‌بان، <https://rch.ac.ir/article/Details/11167?>

۵. آینده پژوهی مفاهیم و روش‌ها، ص ۵۰.

خواهد شد. در حقیقت سازمان و پژوهشگر، به منظور شناخت تغییرات و عوامل تغییرات نیروهای خارجی اقدام به دیده‌بانی می‌کنند تا از این طریق به کنش‌ها و واکنش‌ها دست یافته و موفقیت‌های آینده خود را تأمین یا اصلاح کنند. در واقع هدف از دیده‌بانی اجتناب از غفلت بوده است.<sup>۱</sup>

مدل دیده‌بانی در دو سطح و حیطه خارجی و داخلی به کار گرفته می‌شود. در حیطه خارجی موارد چهارگانه پویش،<sup>۲</sup> پایش،<sup>۳</sup> پیش‌بینی،<sup>۴</sup> ارزیابی<sup>۵</sup> سازمان‌ها، دولت‌ها و موضوعات مورد‌رصد قرار می‌گیرد. در حیطه داخلی و درونی موارد چهارگانه چشم-انداز،<sup>۶</sup> مأموریت،<sup>۷</sup> قوت‌ها و ضعف‌های سازمان مورد‌توجه است. پس از تحلیل دو حیطه، هدایت راهبردی انجام و در نهایت برنامه‌ریزی راهبردی صورت می‌پذیرد.<sup>۸</sup> در نمودار ذیل کلیات سطوح تحلیل دیدبانی ترسیم شده است.

<sup>۱</sup>. همان.

<sup>۲</sup>. مراد از پویش، پویش محیطی به منظور شناسایی الگوها و روندهای در حال تغییر است.

<sup>۳</sup>. مراد از پایش، پایش الگوها و روندهای ویژه خارجی است.

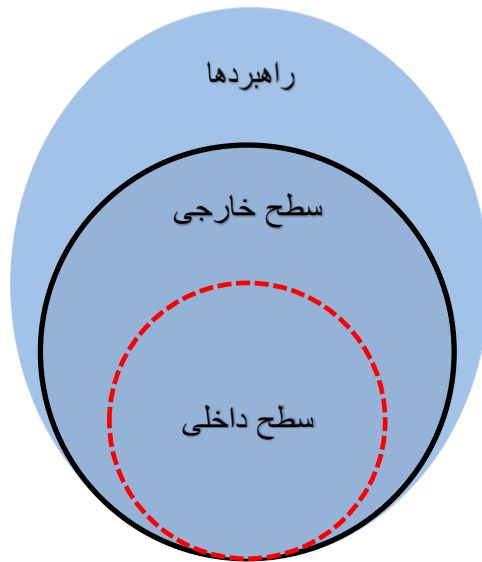
<sup>۴</sup>. پیش‌بینی مربوط به مسیرهای آینده تغییرات و رهگیری تحولات آن است.

<sup>۵</sup>. مراد از ارزیابی، تحلیل تأثیر عوامل محیطی است.

<sup>۶</sup>. مراد از چشم‌انداز، توسعه و پالایش چشم‌اندازهای آینده است.

<sup>۷</sup>. مراد از توسعه و پالایش مأموریت‌های سازمان در حرکت به مقصد است.

<sup>۸</sup>. آینده‌پژوهی مفاهیم و روش‌ها، ص ۵۱.



#### ۴. روش دیدبانی در مهدویت

دیدهبانی در مهدویت به پایش مستمر تغییرات در حوزه مهدویت در سطوح مختلف داخلی و خارجی موضوع و مسائل مهدویت می‌پردازد که در ادامه به نمونه‌ای از مصداق‌های دیدبانی در یک مسئله مهدویت پرداخته خواهد شد.

به‌عنوان مثال در موضوع فرقه‌های انحرافی، فرقه انحرافی احمد اسماعیل بصری معروف به احمد الحسن، جریان یمانی را در سطح جوامع اسلامی ایجاد کرده است. وی در بصره (از شهرهای عراق) مدعی است که فرزند باواسطه امام زمان عجل الله تعالی فرجه است و نسب خود را این‌گونه برمی‌شمرد. احمد اسماعیل بن صالح بن حسین بن سلمان بن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه او با استناد به برخی آیات<sup>۱</sup> و روایات<sup>۱</sup> و روش‌هایی همچون کارهای

<sup>۱</sup>. آیه مورد استناد احمد اسماعیل بصری آیه ۳ سوره جمعه است که می‌فرماید: «وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ و [نیز پیامبر را] بر مردمی دیگر [از عرب و غیرعرب] که هنوز به آنان نپیوسته‌اند [برانگیخت]. او توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.» او خود را رسول بشارت‌دهنده (آخرین منمهم لما يلحقوا) می‌داند.

خارق‌العاده،<sup>۲</sup> خواب و رویا،<sup>۳</sup> استخاره،<sup>۴</sup> مباحله و مناظره<sup>۵</sup> و... مدعی امامت و نیابت است.

نوع تحلیل و کاربست دیده‌بانی جریان مدعی یمانی (احمد اسماعیل) در دو سطح، که هر سطح دارای مراحل است، جست‌وجو می‌شود.

سطح اول، سطح خارجی است. این سطح دارای چهار مرحله است: در مرحله اول، می‌بایست اطلاعات پیرامون جریان انحرافی، به‌صورت نظام‌مند گردآوری شود. این کار به‌منظور کاهش تصادفی‌بودن اطلاعات ورودی به جامعه و فراهم‌آوردن هشدارهای اولیه به مدیران جوامع صورت می‌پذیرد. در مرحله دوم، نظارت و بررسی مستمر الگوها، روش‌ها و روندهای جذب و فعالیت جریان انحرافی مورد‌درصد قرار می‌گیرد. مرحله سوم، پیش‌بینی مسیرهای آینده جریان انحرافی و رهگیری تحولات آن بررسی می‌شود. در مرحله چهارم، تأثیر عوامل محیطی در رشد و تضعیف جریان تحلیل می‌گردد.

سطح دوم، سطح داخلی است که اختصاص به جوامع و سازمان‌های مربوطه دارد. در این سطح می‌بایست چهار مسئله را مد نظر قرار داد: مسئله اول، توسعه و پالایش

۱. وی ادعا دارد هر امامی از امام و حجت بعد از خود نام برده و صفاتش را بیان کرده است. نام وی در روایات ذکر شده و به روایاتی استشهد می‌کند.

۲. برخی از پیروانش ادعا دارند که وی مدفن حضرت زهرا علیها السلام را دانسته و در زمان بردن نام او قسمتی از حسینیه نورانی شده است.

۳. پیروان وی معتقدند هرکسی سه روز روزه و توسل به حضرت زهرا علیها السلام داشته باشد یا چهل روز دعایی که از احمد اسماعیل بصری نقل شده را بخواند، پس از گذشت آن زمان، فردی از اهل بیت علیهم السلام به خواب او آمده و به امامت احمد تصریح می‌کند.

۴. در جهت اثبات امامت احمد، استخاره با روش آن‌ها داشته باشند.

۵. پیروان وی مدعی هستند که احمد تمامی علما را به مباحله و مناظره دعوت کرده است. آن‌ها نیز به‌خاطر ترس، از هرگونه مباحله و مناظره در برابر وی امتناع می‌ورزند.

چشم‌اندازهای آینده خود، با در نظر گرفتن جریان انحرافی است. مسئله دوم، توسعه و پالایش مأموریت‌های خود با توجه به فعالیت‌های جریان انحرافی است. مسئله سوم و چهارم، بررسی نقاط قوت و ضعف‌های خود در مواجهه با جریان انحرافی است. پس از بررسی دو سطح و مراحل آن، راهبردها متناسب با آن ترسیم خواهد شد. سپس برنامه‌ریزی‌های راهبردی نسبت به موضوع و مسئله صورت می‌پذیرد. با توجه به مباحث فوق، روش آینده‌پژوهی دیدبانی قابلیت پژوهش و تحلیل و کاربردی در بسیاری از موضوعات و مسائل مهدویت‌پژوهی را دارا است. از این رو محققان با توجه به موضوعات و مسائل اندیشه مهدویت می‌توانند از این روش به تحلیل و کاربردی آن در سایر مسائل مهدویت‌پژوهی استفاده کنند.

### نتیجه‌گیری

با توجه به تفاوت در ساحت‌های روش‌شناختی آینده‌پژوهی و مهدویت‌پژوهی با یکدیگر، امکان تعامل و هم‌سویی میان آینده‌پژوهی و مهدویت‌پژوهی وجود دارد که می‌توانند نوع نگرش و منش محققان را نسبت به آینده مطلوب و قطعی متغیر سازد. دیدبانی یک روش راهبردی و استراتژیک جهت به‌کارگیری در ساحت‌های مهدویت‌پژوهی است که ابعاد گوناگون مهدویت را می‌تواند تحت‌الشعاع خود قرار دهد. از این رو به‌کارگیری روش دیده‌بانی می‌تواند به‌عنوان یک کلان‌نگرش، موضوعات راهبردی و استراتژیک مهدویت را به‌سمت آینده مرجح و مطلوب خود هدایت کند.

## منابع

قرآن کریم.

۱. الهی نژاد، حسین، مهدویت پژوهی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۹۵.
۲. جمعی از نویسندگان، مهدویت و آینده پژوهی، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، قم، ۱۳۹۲.
۳. شهبازیان، محمد، ره افسانه، انتشارات مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، قم، ۱۳۹۳.
۴. جمعی از نویسندگان، آینده پژوهی؛ مفاهیم و روش‌ها، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، چاپ اول، تهران ۱۳۸۸.
۵. آیتی، نصرت‌الله، از تبار دجال، مؤسسه آینده روشن، چاپ اول، قم، ۱۳۹۳.
۶. جمعی از نویسندگان، آشنایی با مبانی آینده پژوهی، مرکز آموزش و پژوهش‌های توسعه آینده‌نگری، بی‌جا، بی‌تا.
۷. دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۸، واژه دیده‌بان.
8. <https://rch.ac.ir/article/Details/11167?>
9. <http://www.iranstrategyacademy.com/%D>

# پیوست‌ها

پیوست ۱: معرفی موضوع پژوهشی

پیوست ۲: معرفی پایان‌نامه

پیوست ۳: معرفی کتاب

## معرفی موضوع پژوهشی

۱. شخصیت شناسی منکران آموزه مهدویت در اهل سنت
۲. سنخ شناسی ماهوی منجی موعود در اهل سنت
۳. سنخ شناسی کارکردی نجات بخش موعود اهل سنت
۴. شمول شناسی دایره نجات موعود در اهل سنت
۵. سنخ شناسی آرمان نجات بخش موعود اهل سنت
۶. تاملی پدیدار شناختی در تبیین جوهره موعود باوری اهل سنت
۷. تبیین جوهره معنایی مورد اتفاق مذاهب اسلامی در عرصه مهدویت
۸. پیامد شناسی دوگانه انگاری کلامی شیعه و اهل سنت در رویکرد به آموزه مهدویت

منبع: کتاب نیاز سنجی مهدویت پژوهی، ص ۱۳۱.

## معرفی پایان نامه‌های مهدوی

### ۱. نقد دلالی روایات کتاب العرف الوردی فی اخبار المهدی (ع)

نویسنده: سید جعفر صادقی

#### چکیده

العرف الوردی فی اخبار المهدی (ع)، تألیف سیوطی دانشمند متأخر اهل سنت است. این کتاب اثری روایی است که روایات آن برگرفته از مصادر متقدم روایی اهل سنت است. احادیث آن ناظر به موضوعاتی چون نام و نسب و صفات امام مهدی (ع)، حوادث آستانه و هنگامه ظهور و پس از ظهور هستند. در نتیجه ارزیابی روایات با محوریت نقد دلالی و در کنار آن سندی بخشی از روایات این کتاب با قرآن، ادله عقلی، سنت قطعی پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) و سایر قرائن قبول روایات مطابقت داشته و می‌توانند در تثبیت عقیده امامیه در موضوع مهدویت مورد استناد قرار گیرند. هم‌چنین این بخش از روایات دلالت دارند که اعتقاد به ظهور مهدی منتظر از تبار فاطمه زهرا (س) بر مبنای بشارت پیامبر اکرم (ص) اصلی عمومی در بین فرق اسلامی است و منحصر به شیعه نیست. هم‌چنان‌که مؤلف این کتاب ضمن اعتقاد به اصل ظهور منتظر موعود و وقوع علامات و رخ دادهای پیش از آن، به دلیل پیش‌فرض‌ها و مبانی اعتقادی خود ظاهراً در مصداق آن با امامیه هم‌عقیده نیست.

این ارزیابی هم‌چنین بیانگر احتمال موضوع و محرف بودن بیش از نیمی از احادیث این کتاب است و قرائن حاکی از دخالت جریان‌های سیاسی هم‌چون طرفداران ابن‌زبیر، بنی‌امیه، بنی‌عباس و بنی‌حسن (ع) در این باره هستند. قرائن نشان می‌دهد که حکومت عباسی نقش برجسته‌تری در تحریف لفظی و معنوی احادیث مهدویت

داشته است. هم‌چنین احتمال تأثیر درگیری‌های قبیله‌ای، اسرائیلیات و اخبار مضطرب فتن و ملاحم در این روایات مشهود است. از سوی دیگر با وجود تعارضات و ابهامات فراوان در احادیث، تلاش خاصی از سوی مؤلف در جهت رفع آن‌ها صورت نگرفته است. بیشتر روایات کتاب موقوف و مقطوع است که بخش زیادی از روایات ضعیف مشتمل بر همین اخبار است. در عین حال سهم کتاب از روایات فراوان و معتبر ائمه معصومین (ع) بسیار اندک و ناچیز است.

**واژگان کلیدی:** نقد دلالی، حدیث، مهدویت، امام مهدی (ع)، سیوطی، العرف الوردی، حکومت بنی عباس.

استاد راهنما: دکتر عبدالهادی فقهی زاده.

استاد مشاور: جناب آقای دکتر مجید معارف.

دانشگاه تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، رشته: کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، سال: ۱۳۹۱.

## ۲. نقد شبهه‌های احمد الکاتب در انحصار ائمه در دوازده امام (ع)

نویسنده: جواد جعفری

### چکیده

از مهم‌ترین دلایل برای اثبات ولادت و وجود حضرت حجت بن الحسن (ع)، احادیث دوازده امام است. احمد الکاتب از نویسندگان معاصر برای خدشه زدن به ادله وجود امام دوازدهم (ع)، شبهاتی را درباره اصل صدور و دلالت این احادیث مطرح کرده است. این پژوهش در صدد پاسخ به این شبهات است.

کاتب در اثبات ادعای خود دچار انحراف‌هایی کلی است؛ تکرار شبهه‌های نخ‌نما شده بدون اشاره به پاسخ‌های دانش‌مندان شیعه، نیاوردن اسناد و دلیل‌های معارض و مخالف نظر وی، ادعای مطالبی که دلیلی برای آن ارائه نمی‌دهد، خلط مباحث برای اثبات نظر خود، نتیجه‌گیری‌های غلط بر اثر ایجاد ملازمه‌های نادرست و مغالطه، تحریف روایات و نسبت ناروا به امامان (ع)، تحریف سخنان دانش‌مندان شیعه و دادن نسبت ناروا به آنان.

این تحقیق ثابت می‌کند که از ابتدا متکلمان به احادیث دوازده امام استناد کرده‌اند و هرگز شیعه اعتقاد به نامحدود بودن تعداد امامان نداشته است. همه امامان (ع) و برخی شیعیان از فهرست نام ائمه (ع) اطلاع داشته‌اند و مدرک و روایتی که خلاف این را ثابت کند، وجود ندارد. بدا در امامت امکان ندارد و هرگز اتفاق نیفتاده است و ادعای بدا در امامت سید محمد و اسماعیل دروغی بیش نیست. قبل از قرن چهارم نیز احادیث دوازده امام (ع) در کتاب‌های حدیثی شیعه موجود بوده و بزرگان تشیع آنها را آورده‌اند. شیخ صدوق هرگز شکی در تعداد امامان نداشته است و روایتی وجود ندارد که معنای آن آمدن امامان جدیدی بعد از امام دوازدهم باشد. روایاتی که مرحوم کلینی در کتاب کافی آورده دلالتی بر سیزده امام ندارد. کتاب سلیم بن قیس هلالی خاستگاه اعتقاد به دوازده امام نیست و اندیشوران شیعه درباره این اعتقاد بر کتاب سلیم اعتماد

نکرده‌اند. شیعیان در صحت کتاب سلیم شکی نداشتند. شیخ مفید کتاب سلیم را تضعیف نکرده، بلکه فرموده افراد عادی باید برای اطلاع از روایات صحیح این کتاب، روایات را به دانشمندان شیعه عرضه کنند و در ادامه شبهه‌های زیدیه و پاسخ شیخ صدوق مطرح و در پایان نتیجه گرفته شده که صدور احادیق دوازده امام از پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) قطعی است و دلالت روشن و آشکاری بر ولادت و وجود امام زمان، حضرت حجت ابن الحسن دارد.

**واژگان کلیدی:** وجود امام مهدی(ع)، شبهات مهدویت، احمد الکاتب، احادیث دوازده امام، کتاب سلیم بن قیس، بدا در امامت، شبهات زیدیه. استاد راهنما: استاد سید مسعود پور سید آقای. استاد مشاور: استاد نجم الدین طبسی. حوزه علمیه قم، سال: ۱۳۸۹.

### ۳. نقد مباحث کلامی بهائیت در کتاب فصل الخطاب

نویسنده: عبد الهادی اعتصامی

#### چکیده

نوشته حاضر، مجموعه ای از کاوش ها، سنجش ها و نقدها درباره کتاب «فصل الخطاب» اثر میرزا ابوالفضل گلپایگانی از بزرگترین علمای فرقه ضاله بهائیت می باشد. در این پژوهش مهم ترین مباحث کلامی بهائیت به بوته نقد و بررسی کشیده می شود. در پیشگفتار رساله، ابتدا تاریخچه ای مختصر از سه فرقه شیخیه، بابیه و بهائیه ذکر شده، آن گاه از شرح احوال میرزا ابوالفضل گلپایگانی و کتب و آثار وی سخن به میان آورده می شود.

در فصل دوم رساله، مهمترین دیدگاه گلپایگانی در خصوص معجزه ارزیابی می شود. گلپایگانی با استناد به برخی از فرازهای تورات و انجیل و تأویل و تفسیر به رأی برخی آیات قرآنی، تمام معجزات انبیاء و اولیاء را انکار می نماید و تنها دلیل صدق مدعی نبوت و رسالت را کتاب معرفی می کند. نگارنده در این فصل ضمن ارزیابی و نقد دیدگاه گلپایگانی با نقل گزیده هایی از تورات، انجیل و قرآن، معجزات غیر کتابیه انبیاء و اولیاء را اثبات می نماید.

در فصل سوم: دیدگاه گلپایگانی در خصوص عدم تحریف لفظی کتاب تورات و انجیل نقل شده، سپس این ادعا با اثبات ادله تحریف لفظی تورات و انجیل مورد خدشه و نقد جدی واقع می گردد. در بخش پایانی فصل، شبهه گلپایگانی درباره اختلاف در احادیث مهدویت مورد ارزیابی قرار گرفته، سپس با اثبات تواتر احادیث مهدویت، نشان داده می شود که بر فرض اختلاف در احادیث وارده، به اصل عقیده به وجود حضرت مهدی(ع) خللی وارد نمی شود.

در فصل چهارم: در ابتدا دیدگاه، باب و بهاء الله و میرزا ابوالفضل گلپایگانی در خصوص قیامت و رستاخیز نقل می شود سپس به شبهه گلپایگانی در خصوص

قیامت پاسخ داده می شود. آن گاه در ادامه به این سخن گلپایگانی که می گوید: یک انسان عادی نمی تواند هزار و اندی سال زنده بماند، با ذکر شواهدی از انجیل، تورات، قرآن و احادیث اسلامی، پاسخ داده می شود. در بخش پایانی فصل مهم ترین و اساسی ترین ادعای گلپایگانی در خصوص شارعیّت علی محمد باب و حسینعلی میرزا ذکر می شود، آن گاه با استناد به اعتراضات علی محمد باب در خصوص قائمیت امام مهدی (ع) و رجوع به احادیث وارده در این باب، مدعای گلپایگانی مورد بطلان واقع میگردد. و سرانجام در مقام جمع بندی نتیجه گیری این نکته به دست که عقیده به وجود حقیقی حضرت مهدی (ع) در احادیث اسلامی از جایگاهی اصیل و راستین برخوردار است.

**واژگان کلیدی:** بهائیت، تورات، انجیل، تحریف، باب.

استاد راهنما: حجة الاسلام عز الدین رضا نژاد.

استاد مشاور: آقای سید علی موسوی نژاد.

دانشگاه: ادیان و مذاهب، رشته: کارشناسی ارشد مذاهب اسلامی، سال: ۱۳۸۸.

## ۴. بررسی تطبیقی علائم ظهور مهدی و مسیح

نویسنده: حجت الله رجبی

### چکیده

اعتقاد به ظهور منجی موعود الهی در آخرالزمان، برای برقراری نظام سیاسی و اجتماعی عدالت‌محور و نجات انسان از ظلم ظالمان و استعمار و استثمار استعمارگران و برپایی مدینه فاضله، مورد اتفاق تمام ادیان توحیدی بوده و حتی در میان ادیان غیر توحیدی نیز بروز و ظهور دارد که این مسأله اولاً حاکی از اهمیت این مسأله در میان جوامع مختلف با انواع گرایش‌های دینی و فکری اعتقادی بوده و ثانیاً حاکی از فراگیری و عمومیت و جهان‌شمولی این اعتقاد می‌باشد که ریشه در تعالیم انبیای الهی داشته، و از فطرت انسانها سرچشمه می‌گیرد که خداوند در وجود انسانها به ودیعت نهاده است.

این باور عمومی در در دین پر طرفدار اسلام و مسیحیت، نمود بیشتری داشته و در متون مقدس هر دو آیین مخصوصاً در آموزه‌های اسلامی به بسیاری از شرایط و جوانب و حوادث مربوط به این اتفاق عظیم و سرنوشت ساز اشاره شده است که بعضی از این امور مخصوصاً در دین مسیحیت دارای ابهام بوده و رمزگونه بیان شده است که از طرف مفسران و شارحان، تفسیر و تأویل گشته‌اند.

در هر دو آیین پیشگویی‌ها و علائم و نشانه‌های فراوانی در مورد وقایع و حوادث آخرالزمانی در متون مقدسشان به چشم می‌خورد که در تعداد زیادی از آنها وجوه اشتراک فراوانی می‌توان پیدا نمود، همانطور که در پاره‌ای از موارد با هم اختلافاتی نیز دارند که با تطبیق این علائم و نشانه‌ها با یکدیگر، اولاً اصل مسأله مهدویت به عنوان باوری الهی و عمومی و فطری اثبات نمود و ثانیاً جلوی سوءاستفاده مستکبرین و سوءاستفاده کنندگان را از این آموزه فرا بشری را گرفت.

**واژگان کلیدی:** علائم ظهور، مسیحیت، اسلام، متون مقدس.

دانشگاه: حوزه علمیه قم. سطح ۳.

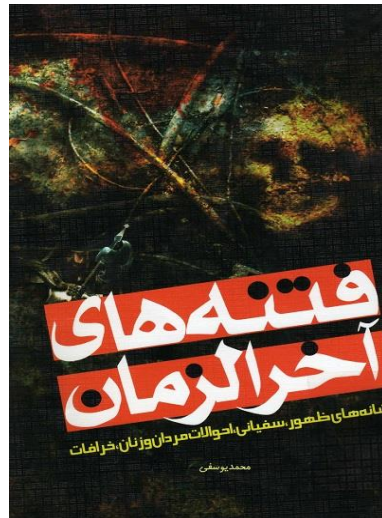
استاد راهنما: حجت الاسلام دکتر محمود احمدی.

استاد مشاور: حجت الاسلام دکتر محمد تقی ربانی.

مطابق ممدوع

سال یازدهم / شماره ۴۷ / بهار ۱۳۹۹

۱. فتنه‌های آخرالزمان



نویسنده: محمد یوسفی

نویسنده در این کتاب، در نظر داشته تا انحرافات و فتنه‌هایی که در دوران پیش از ظهور اتفاق خواهد افتاد را بیان نماید. وی کوشیده تا با استفاده از روایات معصومین(ع) و توصیه‌های گرانقدر ایشان برای دور ماندن مومنان از خطرهای آخرالزمان، مخاطبان خود را از خرافات، بدعت‌ها، احوالات مردان و زنان آخرالزمانی، نشانه‌های ظهور و دلایل تأخیر ظهور آگاه ساخته و آنان را برای زمینه‌سازی ظهور امام زمان(ع) آماده سازد.

**واژگان کلیدی:** خطبه البیان امام علی(ع)، امام زمان(ع)، ظهور، نشانه‌های ظهور، بدعت‌ها، خرافات، آخرالزمان، تأخیر در ظهور، روایت.

ناشر: انتشارات خورشید هدایت، قطع کتاب: رقعی، شابک: ۳-۱۹-۵۳۱۶-۶۰۰-

۹۷۸، سال چاپ: ۱۳۸۹.

## ۲. موعود اهل سنت (مهدی پژوهی در آثار اهل سنت)



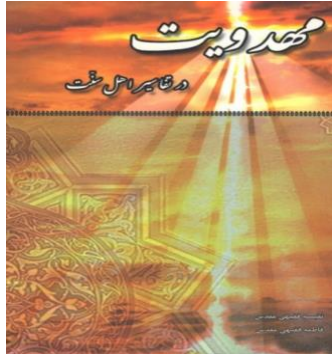
نویسنده: علی دژاکام

### چکیده

این اثر، بازفهمی از اندیشه اهل سنت در حوزه مهدویت با رویکردی کتاب‌شناسانه است. نویسنده در این اثر در صدد بوده تا عقیده عالمان بزرگ اهل سنت درباره موعود آخرالزمان را به تصویر بکشد. وی، تلاش خود را در قالب پنج فصل به شرح زیر سامان داده است. ایشان، در فصل نخستین، کتاب‌هایی که در این عرصه به صورت مستقل به نگارش درآمده‌اند را معرفی کرده و درباره آن‌ها به مؤلفه‌هایی چون: مشخصات کتاب، انگیزه مؤلف از تدوین و گزارشی اجمالی از محتوای کتاب اشاره کرده است. کتاب‌هایی که بخش‌هایی از مطالب خود را به مباحث مختلف مربوط به مهدویت اختصاص داده‌اند در فصل دوم و چکیده نگاشته‌های مهدوی در فصل سوم منعکس شده است. در فصل چهارم، پرتوی از جلوه‌های مهدی (عج) در ادبیات اهل سنت و در فصل پایانی نیز، گزیده‌هایی از سخنان بزرگان اهل سنت درباره جنبه‌های مختلف موعود آخرالزمان ارائه گردیده است.

ناشر: موعود نصر، قطع کتاب: وزیری، شابک: ۹-۲۴-۲۹۱۸-۹۶۴-۹۷۸، سال چاپ: ۱۳۹۰.

### ۳. مهدویت در تفاسیر اهل سنت



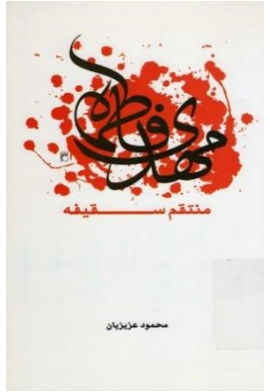
نویسنده: نفیسه فقیهه مقدس - فاطمه فقیهه مقدس

#### چکیده

مأموریت اصلی این کتاب، انعکاس و نقد و بررسی نظرات تعدادی از مفسران اهل سنت درباره مهدویت و موضوعات پیرامونی آن بوده است. نگارنده با تتبع در برخی از کتاب های تفسیری اهل سنت نظیر: المنار، روح البیان، اضواء البیان، ماتریدی، تنزیه القرآن عن المطاعن، الجواهر فی تفسیر القرآن و شواهد التنزیل لقواعد التفصیل، کوشیده تا ضمن مطالعه نگاه کلامی هر مفسر و نوع نگاه او به موضوع مهدویت، آن را بر اساس دیدگاه عمومی علمای شیعه مورد ارزیابی قرار دهد. شالوده اصلی مباحث مطرح شده در این نوشتار کنکاشی پیرامون موضوعات زیر است: جایگاه مهدویت در تفاسیر اهل سنت، نگاه مفسران اهل سنت به مسأله انتظار و پاسخ گویی به شبهات آن ها، اشتراکات و افتراقات مفسران اهل سنت با شیعه در موضوع ظهور حضرت مهدی(عج)، تصور عالمان اهل سنت از حضرت عیسی(ع) و نزول ایشان در آخرالزمان و جایگاه رجعت در اندیشه فریقین.

واژگان کلیدی: مهدویت، حضرت مهدی(عج)، اهل سنت، شیعه، تفسیر، مفسر، حدیث، حضرت عیسی(ع)، نزول، ظهور، انتظار، رجعت.

ناشر: اندیشه ظهور، شاپک: ۹-۴۳-۶۱۳۱-۹۶۶-۹۷۸، سال چاپ: ۱۳۹۱.



نویسنده: محمود عزیزیان

آن چه مخاطبان در این اثر می خوانند نقدی بر مطالب کتاب «سؤالاتی که باعث هدایت جوانان شد» نگاشته نویسنده ای وهابی مسلک در رد عقیده امامت و توهین به باورهای شیعه می باشد. نگارنده در این کتاب کوشیده تا با اشاره به مغالطه ها و اطلاعات نادرست کتاب مذکور و همچنین با استناد به منابع معتبر اهل سنت، پرده از تعصب و فریبکاری نویسنده آن بردارد. تمرکز اصلی مطالب کتاب بر روی مسأله امامت و به ویژه امامت امام علی (ع) و امامت حضرت مهدی (ع) بوده است. اثبات حیات امام زمان (ع)، رفع شبهه طول عمر، کیفیت غیبت، نحوه ظهور، ذکر علایم ظهور، مکان ظهور، مدت حیات آن حضرت بعد از ظهور، عملکرد آن حضرت در دوران پس از ظهور و تعداد یاوران ایشان از جمله مطالب پاسخ داده شده در این کتاب است.

**واژگان کلیدی:** امامت، امام عصر (ع)، غیبت، ظهور، طول عمر، علایم ظهور، پس از ظهور.

ناشر: مهر امیرالمومنین-قم، قطع کتاب: رقعی، شابک: ۷-۱۳۳-۱۵۹-۹۶۴-۹۷۸، سال چاپ: ۱۳۹۱.

English Translation

ترجمه لاتین

مطالعات مهدوی

پیوست‌ها / معرفی کتاب‌های مهدوی

# Analysis of the Observation Method in Mahdism-research

Hussein-ali Jabbari<sup>1</sup>

## Abstract

Futures research is the art of shaping the future and recognizing and studying various futures, including possible, probable, preferred, and desirable futures. Mahdism-research based on religious teachings is a field for moving towards a dynamic and desirable future and heading towards a definite human future. The issue in this article will be how and at what level the analysis and application of the method of observation in the fields of Mahdism and research exists. Therefore, this article explains the observation method in Mahdism with a descriptive and analytical method. The operational capability of the observation method in the fields of Mahdism research and facing the desired and preferred future will be the most important achievements of the forthcoming research.

**Keywords:** Mahdism, research, futures research, observation.

مطالعات مهدوی

سال یازدهم / شماره ۴۷ / بهار ۱۳۹۹

---

<sup>1</sup> Graduate Student of Level 4, Political-social Branch, at the Specialized Center of Mahdism. jabbarih110@gmail.com

# Political Characteristics of Mahdavi Culture

Abalhasan Ghasem Faam<sup>1</sup>

## Abstract

Every culture has dimensions and characteristics with which familiarity seems to be necessary in order to know that culture accurately and deeply. These characteristics can be divided into several axes such as social, economic, political and ... Mahdavi culture is no exception to this and for knowing it comprehensively and completely, special research and attention is needed. One of the areas that can enter and through which we can help explain the Mahdavi culture, is to address its political dimensions and characteristics. In other words, in the age of appearance, by what mechanism will the Imam dismantle the tyranny and expand the justice system? What will be the characteristics of the Mahdavi government? Also, based on the political characteristics of the Mahdavi government, what should be done in the awaiting era and what characteristics governments should have in this period? In this article, 26 political features of Mahdavi culture are mentioned. This article has a socio-political approach and the method used in it is analytical and narrative.

**Keywords:** Imam Mahdi (A.S), culture, Mahdavi culture, political characteristics, government.

<sup>1</sup> Student of Level 4 of Mahdism, Political-social Branch, at the Specialized Center of Mahdism of Qom. ghasemfam67@gmail.com

# Cultural Damages Existing in the Islamic World and the Role of Mahdism in Solving them

Mahdi Yousefiyan<sup>1</sup>

## Abstract

The holy religion of Islam includes the roadmap of human life in various fields and its various dimensions of existence, especially humanistic culture. However, the era of the separation of the Imams from the government and the time of the apocalypse, when there is no apparent successor to the Prophet, has caused various damages to the Islamic Ummah, especially in the field of culture, which is a fact that requires more and more serious attention from researchers to re-examine this problem and find a way out of it. Accordingly, we are faced with the question of what the cultural harms of the Islamic world are and how they can be dealt with. It seems that Mahdism and the doctrine of waiting for the promised can be considered as the most effective solution. The purpose of this article is to show the healing prescription for the pains of Islamic societies in the light of the critical examination of the element of awaiting. This article follows a descriptive-analytical method to achieve such a goal. Providing a correct definition of awaiting and explaining its two key elements: 1. a definite and certain future; 2. duties and programs, as well as introducing Imam Mahdi (A.S) as the axis of unity of the Islamic Ummah and also referring to the duties of the people and Islamic societies in line with the culture of awaiting are the results of this article.

**Keywords:** culture, Islamic culture, damage, pathology, Imam Mahdi (A.S), awaiting.

---

<sup>1</sup> Professor at the Specialized Center of Mahdism at Qom Seminary.

## Examining the Hadith Jurisprudence of the Narration “ إذا

### غضب الله على خلقه نحانا عن جوارهم” on the Issue of Occultation

Moslem Kamyab<sup>1</sup>

#### Abstract

Narrations of the Infallibles contain the deepest Islamic teachings. Accurate understanding of these teachings depends on careful studies or the jurisprudence of hadith. The hadith "إذا غضب الله على خلقه نحانا عن جوارهم" (If the wrath of God is upon the people, we are on their side)" is one of the hadiths that are used in Mahdavi teachings. Considering the use of this hadith as one of the reasons for the absence of Imam of the Time (A.S), the measurement of document and content is one of the necessities of examining it.

The present article, which has done with a descriptive-analytical method, tries to study the hadith jurisprudence of this narration. An examination of this hadith indicates that its documents might be distorted according to biographical (rijali) criteria; But the trust of the men of letters can be considered as the basis for its credibility. The conformity of this hadith with the revelatory teachings and the hadiths of the same family shows the connection between divine wrath and being deprived of God's authority.

**Keywords:** Mahdavi hadith, causes of Occultation, Divine anger, Nahana An-Jawaram.

---

<sup>1</sup> Researcher at the Research Center of Mahdism and Messianism of Intizar-e-Pouya moslemkamyab21@gmail.com

فصلنامه علمی تخصصی  
مطالعات مهدوی

*Scientific-Promotional Quarterly of Mahdism Studies*

Tenth Year, Vol. 47, Spring 1399 (2020)

Magazine Owner: Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya  
(Dynamic Awaiting), Specialized Center of Mahdism of Qom Seminary

**Responsible Manager:**

Clergy of Islam and Muslimin Mahdi  
Yousefiyan

**Editor in Chief:**

Sa'eed Tavasoli Khah

**Internal Manager and Editorial Staff:**

Hussain Ali Jabbari

**Editor:**

Ghafari Mohamad-reza

**Translator:**

Zeynab Farjamfard

**Editorial Board (Alphabetically Ordered):**

**Tavasoli Khah, Sa'eed** (Ph.D. in Teaching Islamic Studies, Researcher at the Specialized Center of Mahdism)

**Heidari Charati, Hojjat.** (Seminary Scholar, Professor at the Specialized Center of Mahdism)

**Jabbari Hussein-ali,** (Seminary Scholar, Professor at the Specialized Center of Mahdism)

**Kamyab, Moslem.** (Seminary Scholar, Professor at Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya)

**Moslehi, Ali.** (Seminary Scholar, Professor at the Specialized Center of Mahdism)

**Ma'navi, Seyyed Mojtaba.** (Seminary Scholar, Professor at Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya)

**Mollaei, Hasan.** (Seminary Scholar, Head of Group of Ethics at the Specialized Center of Mahdism)

**Contributors of this Issue:**

Ali Rabbani, Mohsen Shari'ati

**Address:** Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pouya, Specialized Center of Mahdism, Amar Alley, Shohada St. (Safaeeyeh), Qom.

**Tel:** 025-37841410

**Fax:** 025-37737160

**P.O.B:** 37135119.

**Website:** <http://mamdimag.ir>

**Email:** [mahdimag@gmail.com](mailto:mahdimag@gmail.com)

**Social network channel Address:** @mahdaviatmag

**ISSN:** 2717-0241

**Price:** 300000 Rials

